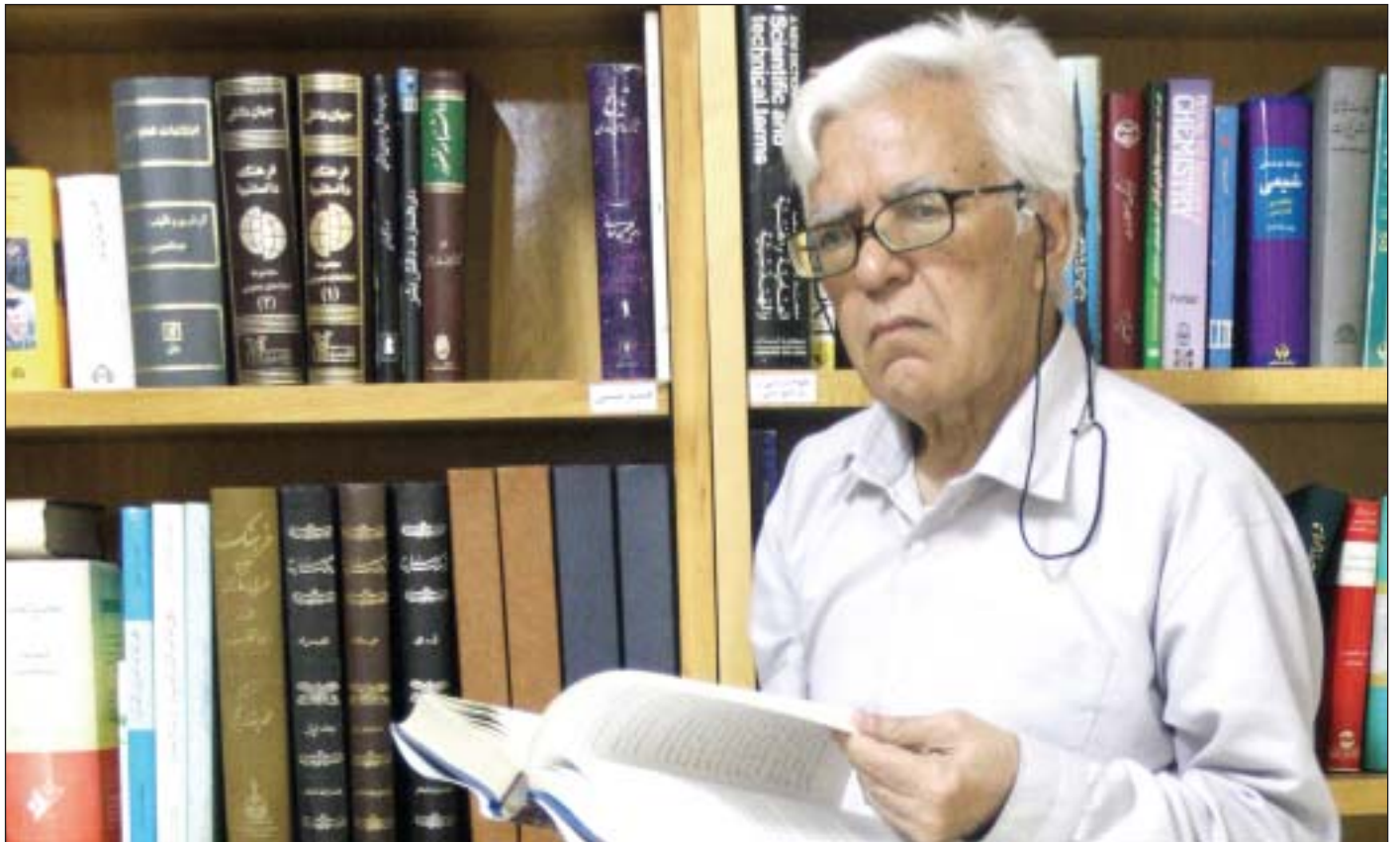


غلامحسین صدری افشار از فرهنگنامه فارسی می گوید

# فرهنگ نویسی، ادبیات نیست



«فرهنگنامه فارسی» جدیدترین فرهنگنامه‌ای است که استاد غلامحسین صدری افشار به همراه دو تن از همکارانش؛ نسرن و نسترن حکمی آن را در سه جلد تدوین و اخیراً نشر فرهنگ معاصر آن را منتشر کرده است. صدری افشار بیش از چهل سال است

۸



نگاهی به آخرین اثر چارلز بو کفسکی

۲۳



گفت و گویا جمال میرصادقی و نصرالله حدادی

۱۲



حذف یارانه کاغذ از دیروز تا امروز

۶

# کتابخانه

عکس: مرتضی نادینی

شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۸  
۱۲ جمادی الثانی ۱۴۳۰، ۶ ژوئن ۲۰۰۹  
شماره ۱۸۴، پیاپی ۸۳۵  
صفحه ۲۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرانچاپ  
www.ketabehafteh.ir

**سالیانچر دوست ندارد قهرمانش بزرگ شود**  
جرم دیوید سالیانچر نویسنده رمان «ناتوردشت» از نویسنده‌ای که پس از ۶۰ سال ادامه این رمان را نوشته است، شکایت کرد. چندی پیش، نویسنده‌ای به نام «کالیفرنیا» اعلام کرد که قهرمان «ناتوردشت» سالیانچر در آخرین اثر او بازی می‌گردد. در این کتاب که «۶۰ سال بعد: در دل دشت» نام دارد، کالیفیلد، قهرمان رمان ناتوردشت، در سن ۷۶ سالگی از خانه سالمندان فرار کرده و در حال پرسه زدن در خیابان‌های نیویورک است. سالیانچر از این نویسنده به اتهام «تقلید کامل» و نقض قوانین حقوق معنوی به دادگاه شکایت کرده است. به گفته وکلای او، حق نوشتن ادامه داستان «ناتوردشت» و استفاده از شخصیت «هولدن کالیفیلد» برای سالیانچر محفوظ است و او تمایلی ندارد که چنین داستانی نوشته شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

## امام خمینی (ره) سرسلسله هنرمندان است

گروندگان بیشتری نیز به سمت آن می‌روند.» وی افزود: «انقلاب اسلامی هر روز طنینی بیشتر از آنچه در ابتدا داشت در جهان پیدا کرده است و هر چه زمان گذشته، چشمان بیشتری متوجه ایران شده که جلوه‌گاه بروز اندیشه‌های امام خمینی (ره) است.»

صفاهرندی در ادامه تصریح کرد: «امام سرسلسله هنرمندان زمانه است که زمانه خود را به درستی می‌شناخت و امروز هنرمندان بزرگ، بسیج‌حق‌طلبی رادرمقابل زیاده‌خواهان و مستکبران گسترده‌تر می‌کنند و برخلاف گمان برخی که می‌اندیشند اندیشه‌های امام را باید در موزه‌ها و کتابخانه‌ها جست، اکنون مسیر برای پیاده کردن اندیشه‌های امام گشوده‌تر از هر زمان است. جامعه ما دوباره از دل تاریخ، اندیشه‌ها و رهنمودهای امام را بیرون آورده و

برای آباد کردن زندگی از آنها استفاده می‌کند.» وزیر فرهنگ و ارشاد اظهار داشت: «امروز هنرمندان شاخه‌های مختلف هنری و اهالی رسانه و کسانی که در جایگاه مدیریت فرهنگی خدمت می‌کنند، همه، دلشان همراه با امام و اندیشه‌های ایشان است که حاصل آن را در پیروزی و شکوفایی انقلاب اسلامی مبتنی بر نام خدا شاهد بودیم.»

محمد حسین صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه امام خمینی (ره) سرسلسله هنرمندان است گفت: «جامعه ما دوباره از دل تاریخ، اندیشه‌ها و رهنمودهای امام را بیرون آورده و برای آباد کردن زندگی، از آنها استفاده می‌کند.»

آیین تجدید میثاق اهالی فرهنگ، هنر و رسانه با آرمان‌های امام خمینی (ره) ظهر سه شنبه ۱۲ خرداد، با حضور حجت الاسلام سید حسن خمینی، محمد حسین صفار هرندی، محمد مهدی عسگرپور، محمدعلی خبری، فرهاد توحیدی، جلیل فرجاد، هادی مرزبان، محمدرضا جعفری جلوه، علیرضا ملکیان و جمعی از اصحاب رسانه در حسینیه جماران برگزار شد. در این مراسم، نرم افزار جامع پژوهشی «نمایه روح الله (ره)»، شامل شرح کامل زندگینامه امام (ره)، مجموعه عکس و چند فیلم و نمادنگ رونمایی شد.

صفاهرندی در ابتدای این مراسم ضمن گرامیداشت یاد و خاطره امام راحل گفت: «راهی که امام پیش پای ملت ایران گذاشت، هر چه مشمول مرور زمان می‌شود جلوه‌های زیبایی از خود بروز می‌دهد و همچنان که در ضمیر همه حقایق هستی نهفته است و هر چه جوهر این حقایق بیشتر آشکار می‌شود،

## تجلیل از ابراهیمی دینانی

مراسم بزرگداشت مقام علمی غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد حوزه فلسفه، دوشنبه، بیست و پنجم خرداد جاری، در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار می‌شود. در این مراسم همچنین کتاب «خرد و خردورزی» نوشته علی اوجبی رونمایی خواهد شد. این کتاب بهمن ماه سال گذشته توسط مؤسسه خانه کتاب زیر نظر علی اوجبی، معاون فرهنگی مؤسسه خانه کتاب و نویسنده حوزه فلسفه، تهیه شده و شامل ۳۳ مقاله تقدیم شده به ابراهیمی دینانی و یک گفت و گویا با وی است. خانه کتاب به منظور پاسداشت زحمات ابراهیمی دینانی و در راستای معرفی مقام این استاد و نویسنده فلسفه، مراسم بزرگداشتی برای وی برگزار می‌کند که در این مراسم، علاوه بر سخنرانی افرادی نظیر مصطفی محقق داماد، رضا داوری اردکانی، غلامعلی حداد عادل، غلامرضا اعوانی و محسن جهانگیری، کتاب «خرد و خردورزی» هم به عنوان ارج نامه وی رونمایی می‌شود. این جلسه در سرای اهل قلم خانه کتاب واقع در خیابان فلسطین جنوبی، خیابان خواججه نصیر، شماره ۲، از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار می‌شود و شرکت برای عموم آزاد است.

نمی شود گفت که این همه نویسندگان بسیار بزرگی که الان هستند و دارند می نویسند؛ رمان می نویسند، قصه می نویسند، حتی تحقیقات تاریخی می نویسند، مجموعاً بر ضد ما تمام خواهد شد؛ نه، بسیاری چیزها هست که می تواند به نفع ما تمام شود. این ها را باید پیدا و ترجمه کرد.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم ۶۸/۹/۷

## تعیین بخش های نمایشگاه قرآن

دبیر اجرایی هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم از تعیین بخش های مختلف نمایشگاه قرآن و در دست اجرا بودن تولید محتوایی برنامه های این نمایشگاه خبر داد.

سعید اردستانی در گفت و گو با کتاب هفته درباره بخش های تعیین شده برای هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن گفت: «بخش پژوهش، بخش خادمان قرآن کریم، بخش دانشگاهی، بخش محافل و مراسم، بخش بین الملل، بخش نشر الکترونیک، بخش خانواده، بخش ترجمه قرآن کریم به زبان های خارجی، بخش نهادها و موسسات، بخش حوزه های علمیه، بخش آموزشی، بخش روابط عمومی و بخش نظارت و ارزشیابی، از جمله عناوین بخش های نمایشگاه امسال است و البته این احتمال وجود دارد که امسال، یکی - دو بخش دیگر نیز اضافه شود که در صورت قطعی شدن، اعلام خواهد شد.»

وی همچنین یادآور شد: «همه بخش های نمایشگاه باید بر نامه هایشان را به شورای نمایشگاه ارائه دهند و شورای نمایشگاه نیز پس از بررسی و ارزیابی، نتیجه را اعلام کند.» اردستانی تصریح کرد: «ارزیابی تمام برنامه های مذکور با توجه به دورویکرو اصلاح الگوی مصرف و ارائه خدمات حداکثری در نمایشگاه قرآن صورت می گیرد.»

## کتاب های قرآنی در هفته گذشته

بود.

### تجدید چاپ کتاب «وحي شناسی»

کتاب «وحي شناسی» به قلم حجت الاسلام والمسلمین مصطفی کریمی، مدرس دانشگاه قم و عضو هیأت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تجدید چاپ شده است. آنچه در این کتاب آمده، بررسی جامع و دقیق مسائل وحي است و ضمن این تحقیق، سعی شده مولفه های یک کتاب درسی نیز در آن رعایت شود که در قالب شانزده درس تدوین شده است.

### جنگ فهرست نگاران نسخه های خطی

نخسین جنگ انجمن جهانی فهرست نگاران نسخه های خطی به عنوان یادمان صدمین سال تألیف «الذریعه» شیخ آقابزرگ تهرانی پاییز سال جاری منتشر می شود. انجمن جهانی فهرست نگاران نسخه های خطی که بهمن سال گذشته با حضور ۳۴ فهرست نگار در قم تأسیس شده است، انتشار نخستین مجموعه مقالات اعضای انجمن را در دست کار دارد. سیدصادق حسینی اشکوری عضو هیأت مدیره این انجمن با اعلام این خبر به ایکن گفت: «این جنگ شامل مجموعه مقالاتی از اعضای انجمن است که تعدادشان به ۷۰ می رسد و با توجه به این که همگی اعضای انجمن از مولفان و مصححان بنام و کوشای عرصه نسخه های خطی اند و مقالات و تألیفات بسیاری در این زمینه دارند، پیش بینی می شود که این جنگ مجموعه ای از بهترین مقالات عرصه نسخه های خطی را در خود جای دهد.»

مدیر روابط عمومی نهاد کتابخانه های عمومی کشور خبر داد

# تسریع مرحله توسعه ای نهاد کتابخانه های عمومی کشور



حاج مومنی افزود: «تحت وب کردن لوح های فشرده نمایه از دیگر فعالیت های ماست، بدین معنا که لوح های فشرده ای که در آنها بیش از ۷۰۰ هزار مقاله به زبان فارسی در نشریات کشور به چاپ رسیده است به روش های مختلف قابل جست و جوست و در واقع بزرگ ترین مرجع نرم افزاری فارسی به شمار می آید. علاوه بر این، در اختیار قرار دادن لوح فشرده نمایه امام

## سرای اهل قلم در این هفته

قبصری و نشست تئاتر شورایی و ارتباط بدون خشونت با حضور نغمه یزدان پناه و علی ظفر قهرمانی نژاد دو نشست سه شنبه سرای اهل قلم هستند. آخرین نشست این سرا نیز چهارشنبه با موضوع روانکاوی و با حضور سید محمود میرسلیمی و دکتر مهرداد متین راد برگزار خواهد شد. تمامی نشست های این سرا - به جز نشست کارگاه داستان خوانی داستان «اسم ندارد» که ساعت ۱۵ تا ۱۷ برگزار می شود - از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار خواهند شد. نشانی سرای دائمی اهل قلم خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ است و شرکت در نشست های این سرا برای عموم آزاد است.

خمینی (ره) از دیگر کارهای در دست اقدام است که این لوح فشرده تمامی مقالاتی را که با موضوع امام خمینی (ره) در نشریات کشور منتشر شده اند، شامل می شود.» موضوع عملیاتی کردن اجرای طرح های عمرانی کتابخانه های استاندارد، از دیگر نکات مورد اشاره مدیر روابط عمومی و امور بین الملل نهاد کتابخانه های عمومی کشور بود. وی در این باره نیز یادآور شد: «این بدین معناست که از این به بعد دستگاه ها، خیرین و واقفین در صورتی که بخواهند کتابخانه ای بسازند و به نهاد کتابخانه های عمومی کشور اهدا کنند، نقشه های ساخت استاندارد در اختیار آنها قرار می گیرد تا به این طریق، قابلیت بهره برداری کتابخانه ها افزایش پیدا کند.»

حاج مومنی اجرای طرح «کتاب من» را از دیگر موضوعات محوری این گردهمایی عنوان کرد و گفت: «طرح «کتاب من» که توسط رئیس جمهور در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران افتتاح شد، به این شکل است که اگر یک عضو کتابخانه در هر نقطه ایران کتاب مورد علاقه خود را در کتابخانه های عمومی پیدا نکرد، این امکان به او داده می شود که آن کتاب را سفارش دهد و نهاد کتابخانه های عمومی کشور آن را تهیه و به او امانت بدهد، به این ترتیب هیچ عضو کتابخانه ای از دسترسی به هیچ کتابی محروم نمی ماند.» مدیر روابط عمومی و امور بین الملل نهاد کتابخانه های عمومی کشور درباره مفاد دستور جلسه هیأت امنای این نهاد نیز اظهار داشت: «بررسی آیین نامه پرسنلی نهاد کتابخانه های عمومی کشور، گزارش کتب اهدایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کتابخانه های عمومی و گزارش دستاوردهای حضور نهاد کتابخانه های عمومی کشور در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، از جمله موضوعات مورد بحث در این جلسه خواهد بود.»

**دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد**

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب، دوم آذرماه ۱۳۸۸، هم زمان با سلروز تولد نویسنده توفان و صاحب سبک جلال آل احمد برگزار می شود. موضوع های مورد ارزیابی هیئت داوران عبارتند از:

- داستان بلند
- داستان کوتاه
- مستند نگاری
- تاریخ نگاری
- نقد ادبی

از تمامی نویسندگان، منتقدان، ادیبان، تاریخ نگاران و ناشران دعوت می شود، آثار خود را که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۸۸، به دبیرخانه ارسال کنند.

به نترات برگزیده در هر کدام از رشته های این جایزه، نشان ادبی جلال آل احمد، تندیس، لوح تقدیر به اعضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۱۱۰ سکه بهار آزادی اهدا می گردد.

- برگزیدگان نخستین دوره:

داستان: قاعده بازی، تألیف فروز زوزی جلالی، تهران، نشر علم.

از دهاکشان، تألیف یوسف حلجانی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.

نقد ادبی: امین آینه، تألیف حسینی قبادی با همکاری محمدریزوی، تهران انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

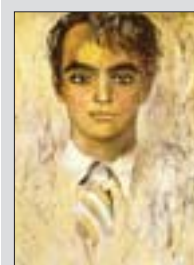
از اسطوره تا حماسه، تألیف سجاد آبدلو، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

تاریخ نگاری و مستندنگاری: پیدایی تا فرجام سازمان مجاهدین خلق، به کوشش جمعی از پژوهشگران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ - تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۲ - تلکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

## لورکا در قبر می ماند

دادگاه شهر «گرانادا» در جنوب اسپانیا اعلام کرد که نیش قبر فدریکو گارسیا لورکا، شاعر نامدار اسپانیایی که در جریان جنگ های داخلی اسپانیا به قتل رسید، صورت نمی گیرد. نیش قبر احتمالی این شاعر، ماه هاست که به یک موضوع جنجالی در اسپانیا تبدیل شده است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از خبرگزاری آلمان، قاضی این دادگاه اعلام کرده که این مساله به آنها مربوط نیست و به همین دلیل این حکم را صادر کرده است. با صدور این حکم، مساله نیش قبر «گارسیا لورکا» که ماه هاست به موضوع یک مجادله تبدیل شده، وارد دور جدیدی شد.



«فدریکو گارسیا لورکا» که از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۳۶ می زیست، با آغاز جنگ های داخلی اسپانیا توسط سربازان ژنرال «فرانسیسکو فرانکو» دیکتاتور وقت اسپانیا دستگیر و همراه سه زندانی دیگر

نزدیک «گرانادا» تیرباران شد. وی به اتهام چپ گرایی و به ویژه به عنوان یک شاعر ملی، در میان مریدان «فرانکو» دشمنان بسیار داشت. «بالتازار گارزون» قاضی مسول تحقیقات این پرونده، سال پیش برای انجام تحقیقات در مورد کشتار آن زمان دستور نیش ۱۹ گوردسته جمعی را صادر کرده بود که احتمال می رفت بقایای جسد «لورکا» هم در میان آن گورها وجود داشته باشد. اما دادگاه ملی مادرید چندی پیش دستور توقف این تحقیقات را صادر کرد. این در حالی است طبق نظر دیوان محاکمات مادرید، مساله گورهای دسته جمعی به دادگاه های محلی مربوط است.

## میلان کوندرا: من فرانسوی هستم



«کوندرا» در دهه گذشته در فرانسه زندگی کرده و به ندرت از زادگاهش دیدار می کند. او از روبه رو شدن با مردم در جمع گریزان است. نویسنده «بار هستی» همچنین در پیامش که به وسیله یکی از حضار خوانده شد گفت که خود را به عنوان یک نویسنده فرانسوی می شناسد و بهتر است آثار وی به عنوان یک نویسنده فرانسوی زبان بررسی و در فروشگاه های کتاب نیز در بخش آثار فرانسوی طبقه بندی شود.

«یان تولوستی» سخنران دانشگاه ماساریک «پرنو» زادگاه کوندرا گفت این نخستین کنفرانس است که درباره کوندرا در زادگاه او برگزار می شود.

میلان کوندرا، نویسنده سرشناس چک، در کنفرانس مهمی که برای بررسی آثارش در هفته «میلان کوندرا» در سرزمین مادری اش برگزار شده بود، شرکت نکرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، میلان کوندرا که اول آوریل امسال ۸۰ ساله شد، با ارسال نامه ای طنزآمیز برای برگزارکنندگان این کنفرانس سه روز آن را «میهمانی مرده پرستانه» نامید و از شرکت در این همایش سر باز زد. در این کنفرانس سه روزه گروهی از اعضای دانشگاه ها و مترجمانی از شهرهای سراسر دنیا از جمله شبکاگو، پاریس، ریکیاویک، رم و ورشو گرد آمده بودند.

## اعتراض اردوغان به رژیم صهیونیستی، کتاب شد

یک نویسنده ترک، برخورد چند ماه قبل رجب طیب اردوغان با رئیس جمهور رژیم صهیونیستی را در کنفرانس داووس به کتاب تبدیل کرد.

به نوشته روزنامه «تودی زمان» چاپ ترکیه، نورالدین اکینر استاد دینار گروه ارتباطات دانشگاه مرسین، به تازگی کتابی با عنوان «گواهی نقطه ای حساس در تاریخ از زاویه رسانه ها و افسانه یک دقیقه ای»، اعتراض اردوغان به رژیم صهیونیستی در نشست مجمع اقتصاد جهانی در داووس سویس را در قالب یک کتاب منتشر کرد. اردوغان طی نشست داووس، هنگامی که مجری برنامه اجازه نداد او به سخنان شیمون پرنز نخست وزیر رژیم صهیونیستی پاسخ دهد، به نشانه اعتراض جلسه را ترک کرد و این واکنش او با زتاب گسترده ای در دنیا یافت. اردوغان در این جلسه به کرات از لفظ «لطفاً یک دقیقه» استفاده کرد که همین لفظ در ترکیه تبدیل به یک شعار شد. اکینر در این کتاب نقطه محوری بحث خود را بر ادراک «لطفاً یک دقیقه» توسط مخاطبان متمرکز کرده و تشریح می کند که چگونه اردوغان به جای تأکید بر واکنش های بین المللی، سعی کرد بر ادراکات مردم ترکیه از واکنش در داووس متمرکز شود. نویسنده کتاب چندین مصاحبه با ۴۰ دانشجوی بین ۲۰ تا ۲۸ ساله انجام داده و نشان می دهد که چگونه برخورد اردوغان ادراکات این دسته را تحت تأثیر قرار داده است. خانم اکینر ضمن تحلیل آماری پژوهش خود گفته است که ۶۰ درصد مصاحبه شوندگان معتقدند که اقدام اردوغان در داووس از پیش طراحی شده بوده و هدف اصلی آن سرمایه گذاری بر آرای مخاطبان در انتخابات محلی ماه مارس در ترکیه بوده است. به عقیده نویسنده، ۴۰ درصد شرکت کنندگان در انتخابات اعلام کرده اند که بعد از نشست داووس احساس همراهی بیشتری با او دارند، در حالی که ۶۰ درصد از پرسش شوندگان از اینکه اردوغان نسبت به قربانیان جنگ عراق واکنشی نشان نداد، هنوز ناراحت هستند.

## چهار کتاب ایرانی در جمع کتاب های برگزیده مونیخ

کتابخانه بین المللی کودکان مونیخ که بزرگ ترین کتابخانه جهان در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است چهار کتاب ایرانی را در فهرست معرفی کتاب های برگزیده خود در سال ۲۰۰۹ گنجانده است. کتاب های «لالایی دختر مرده» نوشته حمیدرضا شاه آبادی (نشر افق ۱۳۸۷)، «پیشی خانم و بچه» اثر فرهاد فزونی با تصویرگری آزاده مدنی (نشر شبابویز ۱۳۸۶)، «معمای دیوانه کله آبی» نوشته مهدی رجبی (انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۶) و «۳۵ داستان برای نوجوانان» اثر عبدالمجید نجفی (انتشارات قدیانی ۱۳۸۷) عنوان چهار کتاب ایرانی است که در جمع آثار معرفی شده کتابخانه مونیخ قرار دارد.

## چهارده نویسنده در جایزه «اینگبورگ باخمن» ۲۰۰۹

چهارده نویسنده امسال برای کسب سی و سومین جایزه ادبی ۲۵ هزار یورویی «اینگبورگ باخمن» با یکدیگر به رقابت می پردازند. به گزارش خبرگزاری آلمان، از این چهارده نویسنده، هفت نویسنده آلمانی، چهار نویسنده اتریشی و سه نویسنده از سه کشور سوئیس، اسپانیا و فرانسه هستند که امسال بخت خود را برای کسب یکی از مشهورترین و معتبرترین جوایز ادبیات آلمانی می آزمایند. این جایزه ادبی در پایان نشست ادبیات آلمانی که از ۲۴ تا ۲۸ ژوئن در اتریش بر پا خواهد شد، به نویسنده برگزیده اهدا می شود. بر مبنای مقررات امسال این مسابقه، هر نویسنده باید اثر خود را در مقابل یک نفر از اعضای هیات داوران روخوانی کند. علاقه مندان به این مسابقه، امسال هم مانند سال گذشته می توانند جریان این مسابقه را از طریق اینترنت یا گیرنده های در نظر گرفته شده، دنبال کنند.

## در ایبنا بخوانید

www.ibna.ir

خبرنگاران «ایبنا»، این هفته علاوه بر مصاحبه های خبری، گفت و گوهایی جذابی را با افرادی چون جلال خالقی مطلق، شاهنامه پژوه، محمودامید سالار، پژوهشگر کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا، محمدرضا بایرامی، نویسنده دفاع مقدس و فیروز امربی، یک کتابفروش قدیمی را در معرض دید مخاطبان خود گذاشته اند.

### یادداشت های اهالی کتاب

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از خانواده کتاب دوستان به دید مخاطبان خود می گذارد، این هفته یادداشت هایی را از محمد فتحی، پژوهشگر و مدیر انتشارات «آفرینش»، علی شاه حسینی، نویسنده و مدرس دانشگاه، فریدبوترابی مدیر مسول سایت ایران فرهنگ، احمد شاکری، داستان نویس و محمدحسن رهبری، نویسنده و پژوهشگر، برای انتشار برگزید.

فتحی در یادداشت خود از طنز نوشته و قلم زدن در این گونه ادبی را «راه رفتن بر لبه شمشیر» توصیف کرده است. شاه حسینی از جای خالی کتاب های کارآفرینی گلایه کرده و از کمی مطالعه مدیران کارآفرین، بوترابی از فروش اینترنتی کتاب نوشته، شاکری رابطه قدرت و ادبیات را کاویده و رجبی از فرهنگ کتابخوانی نوشته و از لزوم گسترش رسانه های مربوطه به کتاب قلم زده است.

### اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته آخرین اخبار از برگزاری نمایشگاه های کتاب به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، انتشار جدیدترین کتاب های فارسی، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را در معرض دید جهان انگلیسی زبان قرار داد.

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دست یابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

### جدیدترین کتاب هایی که می آیند

«ایبنا» فهرست کامل کتاب هایی را که به تازگی مراحل اداری انتشار را سپری کرده و به زودی منتشر می شوند منتشر کرده است. در آخرین فهرست منتشر شده که مربوط است به کتاب هایی که از نیمه فروردین امسال تا ۲۰ اردیبهشت مجوز انتشار دریافت کرده اند، نام ۱۴۲۴ کتاب همراه نام نویسنده، گرد آورنده - در صورتی که مجموعه شعر باشند - نام شاعر و در صورتی که از زبان دیگری ترجمه شده باشند، نام مترجم آن ها و نام انتشاراتی که در صدد چاپ آن کتاب است، درج شده. ناشران با مراجعه به این فهرست می توانند از نهایی شدن مراحل اداری انتشار کتاب خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطلع شوند و علاقه مندان کتاب هم می توانند از میان این اسامی، کتاب موردعلاقه خود را برگزینند.

### یکی بود یکی نبود و کتابفروش پیر

قصه های کلاسیک ادبیات فارسی در یک مجموعه ۳۰ جلدی، دوباره باز آفرینی و بازنویسی می شود. این اقدام به همت نشر پارسه و با کمک ۳۰ مؤلف انجام می گیرد. خبرنگار «ایبنا» این هفته سلسله گفت و گویی با هر ۳۰ مؤلف این مجموعه آغاز کرده است. این هفته، گفت و گوهایی او با محسن فرجی که «قصه های تفسیر طبری» را بازآفرینی کرده، محمدعلی آزادخواه که «قصه های تاریخ بیهقی» را دوباره نوشته و محسن بنی فاطمه که «قصه های کلبه و دمنه» را بازنویسی کرده، در «ایبنا» منتشر شده اند.

باسمه تعالی



## ششمین دوره جشنواره نقد کتاب همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۸

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵

www.naghdeketab.ir

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و

برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-



## کتاب و شهرستان‌ها

ساخت ۱۲ کتابخانه در همدان، اختصاص ۲۰۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال اعتبار برای ساخت و تکمیل کتابخانه‌های عمومی اردبیل، ساخت کتابخانه روستایی در کوه‌رنگ چهارمحال و بختیاری، افزایش فضای مطالعاتی در بهبهان و ساخت دو کتابخانه جدید در تهران، از جمله مهم‌ترین رویدادهای مربوط به ساخت و تجهیز کتابخانه‌های دیگر استان‌های کشور در هفته گذشته بود.

### ۱۲ کتابخانه در همدان

تا پایان سال جاری (پایان برنامه چهارم توسعه) ۱۲ کتابخانه در دست ساخت در شهرستان‌های همدان آماده بهره‌برداری خواهند شد و با آغاز به کار این کتابخانه‌ها، سرانه فضای مطالعه اهالی استان همدان از ۷۸ مترمربع به دو مترمربع افزایش می‌یابد. مدیر کل کتابخانه‌های استان همدان گفت: «از این کتابخانه‌ها دو باب شامل مرادبیک و کوی کوثر در شهرستان همدان، برزول و گیان در نهاوند و چنار و بوستان شهید باهنر نیز در شهرستان اسدآباد به بهره‌برداری می‌رسند. همچنین تا پایان سال جاری ساخت کتابخانه‌های داقداق آباد و دستجرد کبودرآهنگ و چهار کتابخانه در رزن شامل شماره دو، نظرآباد، کرفس و شاهنگرین به پایان می‌رسد.

### ۱۲ میلیارد ریال برای کتابخانه‌های اردبیل

۱۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال اعتبار استانی برای ساخت و تکمیل کتابخانه‌های عمومی اردبیل در سال جاری اختصاص یافت.

مدیر کل کتابخانه‌های استان اردبیل گفت: «از این اعتبار، در مجموع ۵ میلیارد ریال برای تکمیل کتابخانه‌های مرکزی شهرستان‌های بیله سوار (دو هزار مترمربع) و پارس آباد با زیربنای دو هزار و ۵۰۰ مترمربع در نظر گرفته شده است که امیدواریم با اختصاص اعتبار کافی در سال آینده، این کتابخانه‌ها تا پایان سال ۱۳۸۹ افتتاح شوند. همچنین یک میلیارد ریال برای کتابخانه اجیرلوی پارس آباد (با زیربنای ۶۰۰ مترمربع در دو طبقه) اختصاص یافته که در هفته دولت امسال به بهره‌برداری خواهد رسید.» یاسر محمدپور، افزود: «با اختصاص یک میلیارد ریال اعتبار استانی در دهه فجر امسال، کتابخانه ۴۰۰ مترمربعی آراز علی (از توابع شهرستان اردبیل) به بهره‌برداری خواهد رسید. همچنین امسال با اختصاص در مجموع ۳۰۰ میلیون ریال اعتبار اولیه، ساخت کتابخانه‌های مرکزی مشکین شهر و خلیخال آغاز شد.»

### کوه‌رنگ صاحب کتابخانه می‌شود

امسال برای ساخت کتابخانه با زیربنای ۱۵۰ مترمربع در بخش بازفت شهرستان کوه‌رنگ چهارمحال و بختیاری اقدام می‌شود. فرماندار کوه‌رنگ گفت: «از جمعیت ۳۳ هزار و ۴۶۲ نفری این شهرستان، ۳۰ هزار و ۷۶۰ نفر روستائینند و تاکنون برای ساخت کتابخانه روستایی در این شهرستان اقدام نشده است. حمید فروزنده افزود: «فرمانداری کوه‌رنگ توسعه فضای مطالعه را در اولویت برنامه‌های سال جاری خود قرار داده است. تنها کتابخانه فعال در کوه‌رنگ که در مرکز شهرستان خلعت رسانی می‌کند ۳۰۰ مترمربع زیربنا دارد.»

### ۲۰ هزار جلد کتاب در مدرسه اسلامی هنر

مدیر کتابخانه تخصصی مدرسه اسلامی هنر در قم، از گردآوری بیش از ۲۰ هزار جلد کتاب با موضوع محوری هنر در کتابخانه این مدرسه خبر داد.

سعید شعبانی با اشاره به تعداد کتاب‌های موجود در این کتابخانه اظهار داشت: «بیش از ۲۰ هزار جلد کتاب در قالب ۱۵ هزار عنوان در این کتابخانه گردآوری شده است.» وی خاطر نشان کرد: «اعضای این کتابخانه ۳۰۰ نفرند که در مدرسه اسلامی هنر تحصیل می‌کنند.»

شعبانی با اشاره به موضوع کتاب‌های موجود در این کتابخانه افزود: «ادبیات، فلسفه و هنر، محورهای اصلی کتاب‌های گردآوری شده در مدرسه اسلامی هنر به شمار می‌آیند.»

به همت انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران برگزار می‌شود

# نخستین همایش ملی معماری فضاها کتابخانه‌ای

ساختمان‌ها در اختیار معماران و مهندسان مشاور قرار دهند. از طرف دیگر صحبت‌های آنان را هم بشنوند تا از این رهگذر در آینده، کتابخانه‌هایی در کشور ما ساخته شوند که به معیارهای کیفی و استاندارد‌های موجود نزدیک تر باشند.» همچنین افشار تصریح کرد: «این همایش بیشتر معطوف به معماری بناست که شامل معماری سازه، معماری طراحی داخلی، طراحی فضای بیرونی و ملاحظات ایمنی می‌شود و به طور کلی با هدف ساختمان کتابخانه‌ها مطابقت دارد.»



افشار با یادآوری این که نخستین محور این همایش معطوف به گزارش‌های کتابداران از وضع موجود ساختمان‌های کتابخانه‌هاست، گفت: «این گزارش‌ها به صورت مقاله، پوستر، فیلم و سخنرانی، به سمع و نظر معماران و مهندسان مشاور می‌رسد تا آنها با دریافت این بازخورد با بداند مردم و همچنین کارکنان کتابخانه‌ها چه انتظاری از آنان دارند.» وی همچنین درباره ضرورت برگزاری این همایش اعلام کرد.

## تازه‌های کتاب ماه روی پیشخوان

شخص هرش برای رتبه‌بندی پژوهشگران ایرانی، جمشید صادقیانی و مرضیه ابراهیمی پور. برخی عناوین صد و سی و یکمین شماره کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (فروردین ۸۸) نیز عبارتند از: جدال معاصران بر سر تاریخ باستان؛ نقش تاریخ شفاهی در کاربردی کردن علم تاریخ؛ لزوم بومی‌گرایی در آموزش تاریخ؛ مشروطه در برزخ هرج و مرج؛ تاریخ در عصر دیجیتال؛ گفتمان تجدد در ایران؛ میراث مشروطیت؛ هفت اقلیم خاور و رهاورد دیگران.

شماره دهم و یازدهم کتاب ماه علوم و فنون (بهم) و اسفند ۸۷) که عنوان «ویژه‌نامه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» را بر جلد دارد شامل سه بخش اصلی با عناوین

جدیدترین شماره‌های کتاب ماه فلسفه، هنر، دین، کلیات، علوم و فنون و تاریخ و جغرافیا منتشر شدند. بیستمین شماره ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب ماه فلسفه (اردیبهشت ۸۸) در دو بخش جداگانه به بررسی آثار و آراء دو فیلسوف یعنی ژیل دلوز و ملاصدرا پرداخته است.

دلوز و آثارش؛ فلسفه: مناظ مفهومی و تعهد، قلمروزدایی و درون ماندگاری و در باب اسپینوزا، برخی از سرفصل‌های بخش نخست این شماره‌اند. بخش دوم این نشریه نیز عناوینی از این قرار را شامل می‌شود: نشست بررسی کتاب ملاصدرا و وایتهد؛ نقد تحریف ملاصدرا و حکمت متعالیه، نقد فلسفه ملاصدرا؛ نقد نقد: سخنی چند پیرامون مقاله فیلسوف شیرازی و منتقدانش؛ پژوهش تطبیقی در هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی ملاصدرا و وایتهد. کتاب ماه هنر نیز در صد و بیست و هفتمین شماره خود (فروردین ۸۸) در قالب ویژه‌نامه‌ای به مباحث مربوط به معماری پرداخته است. برخی از مهم‌ترین عناوین این شماره از ماهنامه کتاب ماه هنر نیز عبارتند از: سیر تحول شهر غربی تا به امروز؛ تحلیل فرمولوژی شهر نجف در دوره‌های مختلف؛ معنا در معماری غرب؛ عوامل موثر بر معماری بناهای خصوصی در معماری معاصر ایران و بازسازی یا مرمت، ضریح: نمادی از تجسم نور.

صد و سی و هفتمین شماره کتاب ماه دین (اسفند ۸۷) نیز با عنوان دفتر دوم: فلسفه دین، کلام جدید و مطالعات ادیان، به گفته سردبیر این ماهنامه، عهده‌دار ارائه چشم‌انداز و دیدگاه‌هایی درباره مطالعات ادیان، دین پژوهی و کلام جدید و هرمنوتیک متون مقدس در سه دهه پس از انقلاب اسلامی است. چه درکی باید از سنت داشت؟ گفت‌وگوی انتقادی محمدرضا صفی با حسن حنفی؛ نقد و بررسی کتاب در جستجوی کبریت احمر، کارنامه سه دهه ترجمه کتب ادیان در ایران پس از انقلاب، دکتر منصور معتمدی؛ طرح مسئله، علاج رنجوری دین پژوهی معاصر در گفت‌وگو با محمدرضا اسدی و گستره و آفاق دین پژوهی جدید و تفاوت آن با مطالعات دینی، برخی از موضوعات این شماره کتاب ماه دین را تشکیل می‌دهند.

کتاب‌ماه کلیات نیز با زیرعنوان اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی در چهارمین شماره خود (فروردین ۸۸) این سرفصل‌ها را به عنوان مهم‌ترین موضوعات این شماره روی جلد درج کرده است: آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران در گفت‌وگو با دکتر عباس حری و سید ابراهیم عمرانی، فناوری‌های نوین برای حفاظت از میراث مستند، علی اکبر اشعری؛ ارزیابی تولیدات علمی متخصصان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، دکتر علیرضا نوروزی و استفاده از

پیشرفت‌های حیرت‌انگیز؛ نقد و بررسی کتاب و پیشینیان فریخته است.

اخلاق پزشکی، تشریح، جغرافیا، چشم‌پزشکی، حساب، ریاضیات، دریانوردی مسلمانان، قرآبادین، گردش خون و کحالی زیرعنوان‌های بخش نخست این شماره با عنوان و پیشرفت‌های حیرت‌انگیز هستند. تشریح الپدان یا تشریح منصور؛ عیون الانبیا فنی طبقات الاطباء، التصریف لمن عجز عن التالیف و شمارنامه از جمله زیرعنوان‌های بخش نقد و بررسی کتاب و برهان نفیس نیز تنها زیرعنوان بخش پیشینیان فریخته در این شماره از ماهنامه کتاب ماه علوم و فنون هستند.

خانه کتاب

## فراخوان

سومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می‌شود

این جایزه با هدف کشف استعدادها و تشویق هرچه بیشتر پدیدآورندگانی است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

موضوع‌های مورد ارزیابی هیأت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را در سال ۱۳۸۷ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می‌شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان تیر ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۸۰ طبقه منهای ۲، دبیرخانه جایزه گام اول، تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹ - دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸



# کارون بوی کتاب گرفت

## گرمای دوست‌داشتنی نمایشگاه



در محل برگزاری چهارمین نمایشگاه کتاب استان خوزستان علاوه بر حضور حدود ۳۰۰ ناشر در ۱۵۰ غرفه، تعدادی از غرفه به فعالیت‌های جنبی متنوعی می‌پرداختند؛ از جمله: غرفه‌های آثار امام خمینی (ره)، آیت‌الله بهجت، فیصل‌امین پور و شهید آوینی، نشست‌هایی با موضوعات جایگاه اهل بیت (ع) در دین، مراسم شبی با قرآن و اجرای تواشیح، مراسم نکوداشت سید محمود سجادی و ...

در این نمایشگاه فضایی به صورت اختصاصی برای ناشران کتاب‌های کودک و نوجوان در نظر گرفته شده بود که با استقبال خانواده‌ها مواجه شد. ساعت کار این نمایشگاه ۹ صبح تا ۱۲ ظهر و ۱۷ تا ۲۲ بود، اما استقبال بازدیدکنندگان از نمایشگاه آنقدر بود که اغلب روزها ساعت بازدید از نمایشگاه تا ۲۳ تمدید می‌شد.

در غرفه فعالیت‌های جنبی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در محل نمایشگاه، برنامه‌های مختلفی از جمله دیدار نویسندگان با مردم، نمایش چند صد عنوان کتاب با موضوعات دین، امام خمینی (ره)، حضرت زهرا (س) و ... به اجرا درآمد. در همین محل طی دوروز اول برگزاری نمایشگاه، جواد محقق، محمود حکیمی و مهدی کاموس نیز با علاقه‌مندان به نویسندگی دیدار کردند.

با گرمای هوای اهواز در ایام برگزاری نمایشگاه، استقبال از این رویداد که برگزاری آن شش روز به طول انجامید، بسیار زیاد بود و به نوعی می‌توان گفت که گرمای بازار کتاب و کتابخوانی بسیار بیشتر از گرمای هوای خوزستان بود.

وی ادامه داد: «نمایشگاه کتاب تنها فروشگاه کتاب نیست و برنامه‌های جنبی متعددی در این مدت برای ترغیب جامعه به سمت کتاب و تشویق مردم به کتابخوانی برگزار می‌شود که امیدواریم این اتفاق در نمایشگاه خوزستان شکل بگیرد.»

### برگزاری نمایشگاه در همه استان‌ها

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «به همه استان‌ها اعلام شده که زمینه و آمادگی برگزاری نمایشگاه کتاب در سال جاری وجود دارد و این امکان نیز فراهم است تا نمایشگاه بزرگ کتاب در برخی از شهرهای غیر مرکز استان نیز برگزار شود تا فعالیتی مناسب و درخور در نمایشگاه‌های کتاب استانی وجود داشته باشد.»

### برگزاری نمایشگاه‌های بزرگ‌تر در سال آینده

در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، سید جعفر حجازی استاندار خوزستان، آیت‌الله شفیعی، نماینده مردم استان در مجلس خبرگان و حجت‌الاسلام بسی خاسته، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، درباره برگزاری نمایشگاه کتاب و مقوله کتاب و کتابخوانی سخنرانی کردند.

حجازی با اشاره به این که زیرساخت هر توسعه‌ای فرهنگ و مقوله کتاب است، اظهار امیدواری کرد با راه‌اندازی محل جدید نمایشگاه‌های استان، نمایشگاه کتاب سال آینده با وسعت بیشتری برگزار شود. حجت‌الاسلام بسی خاسته نیز گفت: «باعث خوشحالی است که مجموعه فرهنگی و هنری استان تا واپسین روزهای خدمتگزاری دولت ارزشمند نهم، احساس خستگی نمی‌کند و با همان طراوت اولین روزهای کاری دولت، مشغول خدمت به مردم عزیزمان در خوزستان است.»



معرفی و فروش چندین هزار عنوان کتاب با تخفیف ۴۰ درصدی، برنامه‌های جنبی متنوع و متعددی نیز در همین محل شکل بگیرد.

### فعالیت‌های فرهنگی تعطیلی ندارند

در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «ما صدمه دلیلی داشتیم تا نمایشگاه اهواز در این مقطع برگزار شود که مهم‌ترین آنها تعطیل نشدن فعالیت‌های فرهنگی است و این که باید بیاموزیم در هر شرایطی، سختی‌ها را برای خودمان هموار کنیم، اما در خدمت‌رسانی فرهنگی برای مردم تردید نکنیم.»

معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران پس از پایان بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، مقدمات برگزاری نخستین نمایشگاه کتاب استانی سال جاری را فراهم کردند تا یکصد و چهل و سومین نمایشگاه کتاب استانی در اهواز برگزار شود و خوزستان پس از چهار سال چشم‌انتظاری، برای چهارمین بار میزبان حضور چند صد ناشر از سراسر کشور باشد.

این نمایشگاه از جمعه (هشتم خرداد) فعالیت خود را در محل دائمی نمایشگاه‌های استان با حضور بالغ بر ۳۰۰ ناشر در ۱۵۰ غرفه آغاز کرد تا علاوه بر

## گزارشی از نشست کتاب و کتابخوانی در نمایشگاه کتاب استان خوزستان

# فرصت مطالعه را خودمان فراهم کنیم



زمینه علاوه بر رشد و کسب مهارت‌های بیشتر، تبدیل به انسانی خوش‌بین و مثبت خواهیم شد. وی افزود: «انسان علاوه بر نیازهای اعتقادی و شغلی، گرایش‌های روحی و روانی خاصی هم دارد که محل تجلی آنها اغلب در ادبیات، هنر و برخی شاخه‌های دیگر است. در واقع چنین زمینه‌ای باعث می‌شود به دسته دیگری از کتاب‌ها و آثار که مطالعات ذوقی هستند، نیاز داشته باشیم.»

محقق در ادامه گفت: «این سه نوع مطالعه باید در عرض هم صورت بگیرند و ما هم‌زمان مطالعات اعتقادی، شغلی و ذوقی داشته باشیم. شاید بگوییم ما فرصت مطالعه در هر سه زمینه را نداریم، اما چون نیاز داریم باید فرصت را فراهم کنیم و زمان را مدیریت کنیم.»

مهدی کاموس، پژوهشگر و دیگر سخنران نشست کتاب و کتابخوانی چهارمین نمایشگاه کتاب خوزستان، به تشریح چند اصطلاح ادبیات داستانی، فرهنگ و مطالعه و رابطه آنها پرداخت و گفت: «فرهنگ، معانی بسیار پیچیده‌ای دارد و در حوزه‌های مختلفی از آن استفاده شده که از جمله آنها فرهنگ مطالعه است.»

وی گفت: «فرهنگ مطالعه به معنای عادات کتابخوانی نیست بلکه مرتبط با نوع نگاه ما به کتاب و چگونگی اندیشه و طرز تلقی ما از کتاب است.»

کاموس در ادامه گفت: «مطالعه تنها از طریق کتاب میسر نمی‌شود چرا که ما از طریق تلویزیون، سینما، رادیو، گفت‌وگوهای میان فردی، سخنرانی‌ها و ... نیز می‌آموزیم، اما کتاب اساس مطالعه کردن و کسب اطلاعات است.»

برگزاری نمایشگاه‌های کتاب، اهداف مختلفی از جمله توسعه ویرتین کتاب در سراسر کشور و تسهیل دسترسی و استفاده مخاطبان از یارانه در نظر گرفته شده، به همراه دارد. تحقق این اهداف با برگزاری بیش از ۵۰ نمایشگاه کتاب در استان‌های مختلف طی سه سال اخیر و ۱۳۳ نمایشگاه از ابتدای زمان راه‌اندازی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران - سال ۱۳۷۲ - دنبال و همواره تلاش شده با شکل‌گیری برنامه‌های جنبی و نشست‌های مختلف در محل نمایشگاه، این رویدادها به نوعی به جشنواره کتاب تبدیل شوند.

نتیجه این اقدامات، ایجاد شور و شوق مخاطب در استان مورد نظر و در نهایت ترغیب مردم به مطالعه و توسعه فرهنگ کتابخوانی است. در چهارمین نمایشگاه کتاب استان خوزستان نیز برنامه‌های جنبی متنوع و متعددی شکل گرفت که از جمله آنها برگزاری نشست با موضوع کتاب و کتابخوانی با حضور محمود حکیمی، جواد محقق و مهدی کاموس بود.

در این نشست، جواد محقق شاعر و نویسنده در پاسخ به این سوال که چه بخوانیم و چگونه بخوانیم، گفت: «همه ما به سه نوع مطالعه اعتقادی، شغلی و ذوقی نیاز مندیم. هر فردی به دین، مکتب یا مرامی اعتقاد دارد و برای تحکیم باورش باید کتاب‌هایی را در آن حوزه مطالعه کند.»

به عقیده محقق، مطالعات شغلی باید مرتبط با کار یا شغل فرد باشد تا فرد بتواند در زمینه فعالیت خود به روز باشد و به مهارت برسد. وی گفت: «به عنوان مثال اگر محصل یا دانشجو هستیم، مطالعات شغلی ما کتاب‌های درسی است و اگر به حرفه‌ای مشغولیم با مطالعه در آن

وی سپس درباره ادبیات داستانی گفت: «ادبیات داستانی به معنای عام، ابتدا و انتهای مفصل و گسترده‌ای نظیر روایات، خاطرات، مثل‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها و ... را دربرمی‌گیرد.»  
وی در خاتمه اظهار داشت: «فرهنگ مطالعه و ادبیات داستانی را باید در یک مهندسی فرهنگی تعریف کرد که از دوران کودکی آغاز می‌شود، به این صورت که کودک به شنیدن قصه‌ها علاقه مند است، در خردسالی به خواندن قصه علاقه مند می‌شود، در دوران نوجوانی به خواندن رمان‌های عامه‌پسند اشتیاق پیدا می‌کند و در ادامه اگر این سیر شکل گرفته باشد، در سنین جوانی و بعد از آن به خواندن متون جدی‌تر علاقه مند می‌شود و عادت می‌کند و چنین روندی در وجودش به فرهنگ کتابخوانی تبدیل می‌شود.»  
در ادامه این نشست، محمود حکیمی نویسنده و پژوهشگر به توسعه دین اسلام و مذهب تشیع در سراسر جهان اشاره کرد و گفت: «به اعتقاد جامعه‌شناسان، قرن بیست و یکم، قرن ادیان است.»  
وی افزود: «با توجه به چنین فضایی که در جهان ایجاد شده باید بدانیم فقط دوست داشتن اسلام کافی نیست و باید به مطالعه، تحقیق و پژوهش در این زمینه نیز مشغول باشیم.»



مرور سخنان تلخ و شیرین مخالفان و موافقان

# حذف یارانه کاغذ؛ از دیروز تا امروز

فروشنندگان کاغذ و مقوا تحلیل دیگری نسبت به فرایند اصلاح یارانه کاغذ دارند.

داوود رحیمی زاده، رئیس سابق اتحادیه فروشنندگان کاغذ و مقوا، در این گزارش با مثبت دانستن روند حذف یارانه‌ها و تأکید بر اجرای حتمی طرح حذف کامل یارانه‌ها از ابتدای سال ۸۶ گفته است: «قرار بر این بوده است که یارانه تولیدکنندگان داخلی از آذرماه حذف شود و یارانه واردات هم از ابتدای سال ۸۶ حذف خواهد شد.»

در این میان و برخلاف نظر رئیس اتحادیه فروشنندگان کاغذ و مقوا در مصوبه اولیه دولت به حذف یارانه تولیدکنندگان هیچ اشاره‌ای نشده است. پرداخت نقدی یارانه در زمینه‌های محدودی مانند مطبوعات و کتاب و وزارتخانه‌های مختلف دولت، در حال بررسی است و امیدواریم بحث یارانه‌های کاغذ برای همیشه قطع شود.»

وی در پاسخ به سؤال آتیه درباره شرایط جدیدی که پس از حذف یارانه‌ها برای فروشنندگان کاغذ و مقوا پیش می‌آید، می‌گوید: «تعمد ما بر این است که هنگام حذف یارانه، کاغذ را با سودی عادلانه در اختیار مصرف‌کننده قرار دهیم.»

وی پرداخت نقدی یارانه به مطبوعات و بنگاه‌های نشر کتاب را به عنوان یکی از راهکارهای پس از حذف یارانه، مثبت توصیف کرده و گفته است: «سیاست‌های دولت پس از حذف یارانه مثل اختصاص بن کتاب، خرید کتاب و مطبوعات برای مراکز فرهنگی و مواردی از این دست می‌تواند در حذف کامل یارانه‌ها مؤثر واقع شود و این راهکارها هم اکنون در دولت در حال بررسی است. این در حالی است که قیمت کاغذ در ایام انتخابات به میزان بسیار بالایی رسیده بود و اتحادیه نتوانسته بود در مهار قیمت کاری انجام دهد.»

اما در این گزارش، به نارضایتی برخی از اعضای اتحادیه با فرایند اصلاح روند پرداخت یارانه‌های کاغذ، اشاره شده و آمده است: «حاجی آخوندیان که رئیس سابق این صنف بوده است، پرداخت نقدی یارانه را دارای آسیب‌شناسی خاص خود دانسته و می‌گوید: در قانون جدید خلل‌هایی وجود دارد که رانت‌های موجود در بازار کاغذ را از بین نخواهد برد و سوءاستفاده‌ها مهار نخواهد شد. از این رو تنها راه سالم سازی بازار، خریدهای کلان دولت برای مراکز فرهنگی خواهد بود و این گونه می‌توان امیدوار بود دست سوءاستفاده‌کنندگان برای همیشه قطع می‌شود.»

روزنامه ابتکار نیز در ۲۸ آذرماه سال ۸۵ در بخش اخبار کوتاه خود، راهکارهای حذف کامل یارانه کاغذ در دولت را بررسی کرده و آورده است: «قبل از انتخابات به دلیل افزایش قیمت کاغذ با درخواست اتحادیه از تجار مقدار زیادی کاغذ وارد شد که همین امر باعث کاهش حدوداً ۲۰ درصدی قیمت آن شد.»

داوود رحیمی زاده، رئیس اتحادیه فروشنندگان کاغذ و مقوا در گفت و گو با ایسنا با مثبت دانستن روند حذف یارانه‌ها بر اجرای طرح حذف کامل یارانه‌ها از ابتدای سال ۸۶ تأکید کرد. وی ادامه داد: «با شروع ایام انتخابات و با توجه به این که امسال در انتخابات شورایاه در سراسر کشور ۲۰۰ هزار نفر کاندیدا وجود داشت، قیمت کاغذ تا حد زیادی بالا رفت ولی در حال حاضر قیمت کاغذ و مقوا در حال طی کردن روند نزولی خود است.» وی تصریح کرد: «قرار بر این بوده است که برای تولیدکنندگان داخلی از آذرماه، یارانه حذف شود و یارانه واردات هم از ابتدای سال ۸۶ حذف خواهد شد.»



مجرای اصلی خارج شده است. اغلب ناشران نیز قیمت کتاب را با کاغذ آزاد تعیین می‌کنند.»

در این مطلب، همچنین به نام ۱۴۰ نفر از ناشران در سال ۸۴ اشاره شده و آمده است: «سال گذشته در همین ایام بود که بیش از ۱۴۰ نفر از ناشران نامه‌ای را ارائه کردند و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست عدم ارائه یارانه کاغذ را کردند که از این رو پرویز نیز این تغییر نحوه پرداخت یارانه دولت را پاسخی به درخواست برخی ناشران از دولت می‌داند.»

پرویز همچنین ادامه داده است: «این موضوع را بررسی و در نهایت با تشکیل هیأتی از کارشناسان معاونت فرهنگی، فعالیت‌های رامینی برای ایجاد جایگزینی مناسب برای پرداخت یارانه دولتی به ناشران آغاز کرده‌ایم.»

روزنامه سرمایه در ادامه نوشته است: «به نظر می‌رسد محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخلاف مدیرکل اداره کتاب، حمیدزاده قصد ندارد ابتدا با بیان موضوع خود را ناتوان از انجام کار نشان دهد. محسن پرویز درباره جایگزین قطع یارانه کاغذ می‌گوید: در حال حاضر جایگزین پرداخت یارانه دولتی را به ناشران اعلام نمی‌کنم تا نظرات کارشناسی به طور دقیق بررسی شود و بعد از مشخص شدن، حتماً این موضوع به اطلاع ناشران خواهد رسید. در صورت حذف یارانه کاغذ یکی از معضلات در سر راه ناشران از بین می‌رود. معضلی که سال‌هاست ناشران را به عنوان کاغذ فروشان مطرح کرده است. معضلی که سبب شد با عدم ورود کاغذ از سوی وزارت تعاون، چاپ کتاب دچار معضل عمده‌ای شود.»

## ... و رضایت دست اندرکاران

همچنین، نشریه آتیه در دوازدهم دی ماه سال ۸۵، در گزارشی اختصاصی، نقش اتحادیه کاغذفروشان در تنظیم بازار کاغذ را بررسی کرده است. در این گزارش می‌خوانیم: «اصلاح روند پرداخت یارانه کاغذ که از سوی دولت دنبال می‌شود، از سوی اتحادیه فروشنندگان کاغذ و مقوا به عنوان یک سیاست موفق مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس مصوبه دولت که شهریور ماه به دستگاه‌های مجری ابلاغ شد، یارانه کاغذ به سمت تولیدکنندگان داخلی تغییر جهت داد. این اقدام دولت از سوی مطبوعات و شرکت‌های انتشاراتی، با مخالفت‌هایی مواجه شد ولی به نظر، اتحادیه فروشنندگان کاغذ و مقوا با این اقدام دولت موافق هستند و این اقدام را باعث تعادل در بازار کاغذ می‌دانند، هرچند به نظر می‌رسد اتحادیه

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال‌های اخیر، نشانگر این مدعاست.

## امیدواران و ناامیدان

پس از ابلاغ این طرح در کشور، رسانه‌ها طبق وظیفه‌ای که به عهده دارند، به اطلاع‌رسانی گسترده در این موضوع پرداختند. گفت و گوهای خبری، مصاحبه‌های جنجالی و گزارش‌های تحلیلی از وضعیت کاغذ در کشور از چهار سال گذشته تاکنون به صورت سلسله گزارش ادامه دارد.

برخی فعالان حوزه‌های دولتی نیز در مصاحبه با رسانه‌های مختلف، نظرات خود را بیان کرده‌اند. سعید ابوطالب نماینده پیشین مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در چهارم شهریورماه سال ۸۵، در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، از فراموشی پرداخت نقدی به جای یارانه کاغذ در مدت کوتاه سخن گفت. وی در این زمینه اظهار کرد: «پرداخت نقدی یارانه‌های کاغذ به ناشران اگر عملی شود. در مدت زمان کوتاهی به فراموشی سپرده خواهد شد و به نظر می‌رسد این طرح در عمل به اجرا درنیاید و عملاً راهی برای حذف کامل یارانه از کاغذ باشد.»

ابوطالب در این گفت‌وگو، تصمیم شورای اقتصاد را مفسده‌انگیز دانست و افزود: «این اقدام ممکن است موجبات سوء استفاده‌هایی را هم در آینده فراهم کند که در قبل وجود نداشت. این که دولت به این سمت حرکت کند که دیگر کاغذ یارانه‌ای در اختیار ناشران قرار ندهد، تصمیم درستی است اما اگر بنا به پرداخت نقدی باشد، تصمیم درستی نیست.»

روزنامه سرمایه در بیست و هفتم خردادماه سال ۸۵ نیز با انتشار مطلبی با عنوان «حذف یارانه کاغذ؛ وعده‌ای دیگر برای ناشران» به سخنان محسن پرویز معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد. در این روزنامه با درج سخنان دکتر پرویز آمده بود: «پیشنهادات و تمهیدات تازه‌ای برای حمایت از ناشران توسط هیأت کارشناسان معاونت امور فرهنگی ارائه شده، که اگر به این نتیجه برسیم آزادسازی کاغذ به صلاح است، به زودی این کار را انجام خواهیم داد و نحوه پرداخت یارانه دولت به ناشران تغییر خواهد کرد.»

در این مطلب هدف اصلی از پرداخت یارانه کاغذ کاهش قیمت کتاب و عرضه کتاب ارزان قیمت معرفی و آورده شده است: «به نظر می‌رسد پرداخت یارانه دولت از طریق کاغذ دولتی به ناشران، چهره فرهنگی ناشران را خراب و محیطی نامناسب برای حوزه نشر و فرهنگ کشور ایجاد کرده و موضوع از

«با تصمیم شورای اقتصاد، یارانه کاغذ از سال آینده حذف می‌شود.» این خبر ششم خردادماه سال ۱۳۸۵ روی خروجی بسیاری از سایت‌های خبری قرار گرفت و در چند روز متوالی، مانند یک بمب خبری، تیر یک بسیاری از روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری بود.

در این میان، افراد بسیاری، لب به گلایه گشودند و از این اقدام دولت شکوه کردند، در حالی که برخی دیگر، از این طرح حمایت کرده و همراه دولت بودند. طی این مدت، نقدهای بسیاری بر طرح حذف یارانه کاغذ انجام شد. این نقدها گاهی در فضایی خارج از دایره عدل و انصاف قرار داشت و سخنان، آنچه‌آن تلخ بود که با واکنش مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روبه‌رو می‌شد. اکنون چهار سال پس از اجرای این طرح، نگاهی به نقدهای این دوران می‌اندازیم.

## نگاهی به طرح

بر اساس تصمیم شورای اقتصاد، کاغذ چاپ، تحریر و مطبوعات از ابتدای سال ۸۶ از فهرست کالاهای مشمول قیمت‌گذاری حذف و پرداخت یارانه نقدی به واردکنندگان و تولیدکنندگان آن متوقف می‌شود. دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت، در اطلاعیه‌ای با اعلام این خبر آورد: «شورای اقتصاد این تصمیم را پس از بررسی پیشنهاد وزارت بازرگانی در خصوص اصلاح نظام پرداخت یارانه و قیمت‌گذاری کاغذ چاپ، تحریر و روزنامه اتخاذ کرد.»

بر اساس این تصمیم، یارانه مربوط به کتاب‌های درسی و دفترچه مدارس از ابتدای سال ۸۶ به صورت نقدی در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت تا با ساز و کارهای مشخص به تولیدکنندگان کتاب‌های درسی پرداخت و نیز صرف تأمین و تدارک دفترچه برای مدارس دارای دانش‌آموزان بی‌بضاعت شود.

همچنین یارانه کتاب‌های غیردرسی و کاغذ مطبوعات از تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱ و یارانه حمایت از نشر از ابتدای سال ۸۶ به صورت نقدی برای تخصیص یارانه به مطبوعات و تولیدکنندگان کتاب‌های غیردرسی و نیز تجهیز کتابخانه‌های عمومی کشور در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت.

شورای اقتصاد همچنین وزارت بازرگانی را به عنوان مسوول تنظیم بازار کاغذ تعیین کرد و کمیسیون ماده یک مقررات صادرات و واردات را مکلف ساخت نسبت به تنظیم تعرفه کاغذ وارداتی به نحوی اقدام کند که با ایجاد رقابت بین کاغذ تولید داخل و کاغذ وارداتی، از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیز حمایت منطقی به عمل آید.

پس از ابلاغ مصوبه شورای اقتصاد، پرداخت و تحویل هرگونه یارانه و کاغذ یارانه‌ای به ادارات دولتی متوقف و از ابتدای سال ۸۶ نیز پرداخت یارانه ریالی به واردکنندگان و تولیدکنندگان کاغذ با روش فعلی لغو شد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که پیش از این اغلب از تولیدکنندگان حمایت می‌کرد، اکنون با این طرح مصرف‌کنندگان را مخاطبان اصلی خود قرار داده و سعی کرده در طرح‌هایی نظیر بن الکترونیکی خرید کتاب برپایی نمایشگاه‌های استانی، حمایت از نویسندگان و مترجمان و سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها، اقدام مؤثری انجام دهد؛ اقداماتی که تاکنون با نتایج خوب و مثبتی همراه بوده و اقبال عمومی از بن الکترونیکی خرید کتاب، نمایشگاه‌های استانی و

یازدهم شهریور سال ۸۷ نیز نایب رئیس اتحادیه کاغذ و مقوا، در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، گفت: حذف یارانه از هر زرفتن کاغذ جلوگیری کرد. خارج شدن کاغذ از سبد حمایتی دولتی، باعث جلوگیری از هرز رفتن کاغذ و بهینه سازی مصرف آن در داخل کشور شد.

احمد شریفان، با بیان این مطلب افزود: «کاغذ یکی از ضروریات زندگی امروز است که به دلیل در دسترس بودن آن در خانواده یا عموم جامعه، توجهی به مصرف آن نمی شد و این مصرف حتی گاهی فراتر از نیاز بود.»

وی ادامه داد: «اما اکنون خانواده‌ها توجه بیشتری به این محصول دارند و کاغذ به مرور جایگاه خود را در جامعه پیدا کرده است و اصنافی که باین محصول سر و کار دارند، در استفاده از آن دقت بیشتری می کنند.» شریفان با بیان این که کاغذ به درستی و با قیمت مناسب به دست اصناف و نیازمندان این محصول نمی رسد، گفت: «وقتی کاغذ به کشور می آید، در گیر و دار گمرک، معاملات ارزی و ... قیمت آن بالا می رود و این موجب نارضایتی اصناف کاغذ و مقوا می شود.»

وی به برنامه های اتحادیه کاغذ و مقوا اشاره کرد و اظهار داشت: «تاکنون راهکارهای مختلفی را برای بهینه سازی مصرف کاغذ، همچنین توزیع آن در میان صنف پیشنهاد کرده ایم. یکی از این موارد، این است که دولت توزیع هر محصول را به دست مسئول اصناف سپارد یا برای توزیع از آن هامشورت بخواهد.» اما پیش از این ها، روزنامه ایران در شانزدهم بهمن ماه سال ۱۳۸۱ مطلب رابه نقل از حسن کیانیان، عضو هیات مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان کشور در گفت و گو با ایرنا منتشر کرده که بر اساس آن اتحادیه ناشران با حذف یارانه کاغذ موافق است.

وی در سخنان خود گفته است: «اتحادیه با حذف یارانه کاغذ موافق است اما این یارانه باید به شکل منطقی، به مجموعه فرهنگی کشور برگردد و جای دیگری هزینه نشود. باتوجه به این که سیاست اقتصادی کشور در جهت تک نرخی شدن ارز پیش می رود، حذف یارانه کاغذ در هماهنگی باین سیاست و بخش های دیگر اقتصادی است و این گونه مبالغ باید صرف بستر سازی برای فعالیت های فرهنگی و رفع موانع فراروی گسترش صنعت نشر شود.»

### نگاه معقول !؟

روزنامه جمهوری اسلامی بیستم اردیبهشت امسال در صفحه گزارش خود مطلبی باتیتر «بی پول ها به نمایشگاه کتاب نروند» به قلم مجید زند و با نگاه به بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، دستمایه اصلی گزارش خود را دست های خالی مراجعه کنندگان هنگام خروج از نمایشگاه قرار داده و سپس به موضوع حذف یارانه کاغذ می رسد. گزارشگر در گفت و گو با یک دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی از پژوهشکده امام خمینی (ره)، گرانی کتاب را عمده مشکل نمایشگاه کتاب در امسال معرفی می کند و به نقل از وی می آورد: «حقیقتا باید اعتراف کنم که اگر من بن کتاب نداشتم، نمی توانستم ۸۰ هزار تومان پول برای خرید کتاب بپردازم، در حالی که همه کتاب هایی که خریداری کردم، مورد نیازم بوده است.»

بر اساس آن گزارش، این مراجعه کننده، حذف یارانه کاغذ را برای کل جامعه زیانبار می داند و می افزاید: «هم قیمت کتاب بالا رفته و هم یارانه ها حذف شده و به نظر من این مساله عواقب نامطلوبی روی فرهنگ مکتوب جامعه می گذارد زیرا جامعه را از آن سطح مطالعه کتاب که انتظار آن هست، محروم می سازد و افسوس خوردن بسیاری از مردم واقعا مرا هم رنج می داد که چرا نمی توانستند کتاب های دلخواه خود را خریداری کنند.»

در سطور دیگر این گزارش، به هدف دولت از تخصیص یارانه به اهل کتاب و به ویژه دانشجویان اشاره می شود و به نقل از جوان دانشجو می آید: «همه مردم جامعه ما که دانشجو و کتابخوان حرفه ای نیستند، در حالی که دانشجویان و اساتید دانشگاه ها فقط پنج تا هفت درصد جمعیت کشور را تشکیل

می دهند، بیش از ۹۵ درصد از مردم نمی توانند کتاب خریداری کنند و اکنون هم شاهد هستیم اکثریت افرادی که به نمایشگاه کتاب آمده اند، دانشجو نیستند. یارانه کتاب چون مستقیما به بخش فکر اندیشه و فرهنگ جامعه تعلق خواهد گرفت، بسیار لازم است همچنان که دولت هم معتقد است، این بخش از جامعه باید بیشتر فعال شود. در مجموع لازم است حمایت از کتاب حتما برقرار شود چون نمی توان همه اقشار جامعه را فدای یک گروه کرد.»

در بخش دیگر این مطلب، گزارشگر در گفت و گو با محمد حسین نوحه خوان، مولف و مدیر انتشارات مدین علل ضعف فرهنگ کتابخوانی در کشور را بررسی کرده و در این مصاحبه، گرانی کاغذ و سایر هزینه های تولید را دلیل سرعت پایین انتشار کتاب هایش می داند و می گوید: «یارانه کاغذ نباید حذف شود و اگر دولت از تخلف عده ای ناراضی بوده است، باید همانند جرایم رانندگی صرفا ناشران متخلف را جریمه کند نه اینکه همه را به یک چوب براند. نظارت بر عملکردها سخت است ولی عدالت ایجاب می کند که دستگاه حاکمه برای نظارت کیفی هزینه کند اگرچه باید بگویم در کار نشر، دولت باید با دست باز حرکت کند زیرا نشر علم و مکارم اخلاق هزینه می خواهد و این هزینه از سوی دولت ها پذیرفته می شود. یارانه های حمایتی اگر وجود داشته باشد مولفان شوق بیشتری برای تحقیق از خود نشان می دهند، زیرا با حمایت یارانه ای سختگیری ناشران کم و به چاپ عنوان کتاب ها اضافه می شود که در نمایشگاه امسال هم شاهد هستیم کتاب های تالیف جدید کاهش پیدا کرده و ناشران بیشتر به سمت چاپ کتاب هایی رفته اند که در گذشته بازار داشته درحالی که این حرکت یعنی بستن راه برای ورود مولفان جدید که در نهایت به زیان کتاب و فرهنگ کتابخوانی در کشور تبدیل خواهد شد.»

این در حالی است که مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بارها در مصاحبه های خود، اهداف و برنامه های مختلف خود پس از حذف یارانه کاغذ را به وضوح اعلام کرده اند.

جام جم آنلاین، چهارشنبه ششم خرداد ۱۳۸۸ مطلبی را به نقل از ایسنا منتشر کرد. معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این گفت و گو، پرداخت مستقیم یارانه کتاب به طلاب و دانشجویان و افزایش خرید کتاب از ناشران را از جمله تمهیدات جایگزین در این زمینه ذکر کرده و گفته است: «سال گذشته، ۲۵۰ میلیارد ریال کتاب خریداری و حدود ۶۰۰ هزار کارت الکترونیک خرید کتاب برای طلاب و دانشجویان و اهالی فرهنگ صادر شد. در این زمینه، هیأت هایی که قانون مشخص کرده، تشکیل جلسه می دهند و برای صدور مجوز اقدام می کنند.» وی درباره حذف یارانه کاغذ نیز گفت: «ناشران فعال، خود متقاضی حذف یارانه کاغذ بودند که در چارچوب مصوبه مجلس و قانون برنامه چهارم توسعه و بر اساس ابلاغ کمیسیون اقتصاد در این زمینه، مصارف جایگزین کاغذ پیش بینی شده بود.»

### برخی دلگرمی ها

در این میان، بعضی از اخبار و گفت وگوها ناخوشایند بودند، اما برخی خبرها و اظهار نظر های دلگرم کننده نیز وجود داشتند.

علی اصغر فیضی زاده، با بیان این مطلب گفته است: «از فعالیت هایی که وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی در زمینه فرهنگ انجام می دهد، کمک به ناشران است و پیش از این و در دوره های قبلی به صورت یارانه های کاغذ بود که این کار مخصوصا به دلیل تفاوت قیمت کاغذ یارانه ای با کاغذ بیرون زمینه وسوسه های مختلفی را به وجود آورده بود. مثلا کاغذ در جای دیگری غیر از آن چه که باید، استفاده می شد. لذا بحث بر سر این بود که کمک های ارشاد از طریق دیگری صورت بگیرد. فکر می کنم این کار جسارت می خواست و اقدامی جدی را می طلبید که خوشبختانه در دولت نهم انجام شد. اما بحث بر سر این است که صنعت نشر به حمایت دولت نیاز دارد و این حمایت هم باید به شکلی باشد که هم کتاب خوب تولید شود و هم به دست خواننده برسد. همچنین ویرتین برای کتاب کم است و باید به شکلی باشد که توزیع سراسری صورت بگیرد. باید برای کتاب اطلاع رسانی داشته باشیم. در بحث تبلیغات هزینه ها خیلی سنگین است و برای برخی ناشران مقدور نیست که وارد این عرصه شوند. چه خوب است که یارانه ها هم وارد این بخش شود و وزارت ارشاد از تبلیغ کتاب حمایت کند یا سرمایه گذاری داشته باشد.»

### طرح ورشکسته کردن چاپخانه ها!

روزنامه قدس یکشنبه ۲۶ شهریور ماه ۸۵ در گفت و گو با دست اندرکاران صنعت چاپ به موضوع یکسان سازی نرخ کاغذ پرداخته است. گزارشگر در این مطلب به افزایش قیمت محصولات مختلف در مدت زمان های گوناگون اشاره می کند و کاغذ را نیز از جمله محصولات معرفی می کند که نه تنها سالی یک یا دو بار که سه بار در زمان برپایی نمایشگاه کتاب، شهریور و مهر و سرانجام گرانی رایج در اسفند ماه هر سال، گران تر می شود. نویسنده در این گزارش سراغ اتحادیه کاغذفروشان، ناشران و چاپخانه داران رفته و موضوع را بررسی کرده است. در این گزارش رئیس سابق اتحادیه کاغذفروشان تهران با ابراز خرسندی از حذف یارانه کاغذ از سال آینده گفته است: «ما از مصوبه شورای عالی اقتصاد حمایت می کنیم، چرا که از سال آینده کاغذ مصرف کنندگان در بازار آزاد تأمین می شود و دیگر شاهد چند نرخ بودن کاغذ نخواهیم بود. رحیم زاده گفته است: «حذف یارانه، ثبات اقتصادی را به طور صد درصد به بازار کاغذ باز خواهد گرداند. او دلیل این ادعا را ثابت ماندن قیمت کاغذ های گلاسه، مقوا و ... می داند که به دلیل یارانه ای نبودن، سال های سال است از ثبات قیمت در بازار برخوردارند.»

محمد کلاری، رئیس سابق اتحادیه چاپخانه داران نیز در این باره گفته است: «اگر کاغذ گران شود، به نفع چاپخانه داران نخواهد بود، چرا که با افزایش بهای مواد اولیه، تعداد سفارش دهندگان و تیراژ مورد نظر آنان هم کاهش می یابد، بنابراین گرانی کاغذ در هر مقطع و زمانی به ضرر چاپخانه دارهاست. طبعاً کار کردن در چنین فضایی برای چاپخانه دار مقرون به صرفه نیست و آنهایی هم که فعالیت خود را ادامه می دهند، در معرض ورشکستگی قرار دارند.» این سخنان در حالی بیان شدند که اکنون پس از چهار سال، چاپخانه ها به فعالیت عادی خود ادامه داده اند و به گفته مدیرکل دفتر امور چاپ وزارت ارشاد، هنوز هم تقاضا برای دریافت مجوز چاپخانه ادامه دارد و نه تنها شاهد ورشکستگی واحدهای این صنف نبوده ایم، بلکه اوضاع به روند سابق ادامه داشته است اما داستان یارانه کاغذ همچنان ادامه دارد.

### اعتراض ها همچنان ادامه دارد

طبیعی است که با هر اقدام از سوی هر دولتی، افرادی ناراضی و عده ای خشنود می شوند. درباره حذف یارانه کاغذ نیز این موضوع صدق می کند. در حالی که معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بارها در مصاحبه های خود، راه ها و شیوه های مختلف هدایت یارانه کاغذ به ناشران کتاب را بیان کرده است، اما برخی ناشران و رسانه ها. ظاهرا به عمد. بر سر حرف خود درباره ناکارآمدی این طرح باقی مانده اند و افزایش بهای جلد کتاب را دلیل اصلی نامناسب بودن این طرح بیان می کنند. در این

زمینه محسن پرویز، سیاست حذف یارانه کاغذ را در چارچوب برنامه چهارم توسعه کشور معرفی کرده و به ایرنا گفته است: «متأسفانه این یارانه ها که برای رسیدن کالای ارزان به مصرف کننده طراحی شده بود، به تدریج از مسیر اصلی خود خارج شده بود و حتی گاهی این یارانه ها خود نوعی زمینه ایجاد فساد

در این عرصه فرهنگی را باعث شده بود.»

علیرضارئیس دانا، مدیر نشر نگاه نیز در گفت و گو با خبرگزاری مهر گفته بود: «دولت اگر با قصد خیر و صداقت اقدام به حذف یارانه کاغذ کرده است، پس چرا به شکل تبعیض آمیز هنوز اقدام به توزیع کاغذ میان برخی ناشران می کند. تعاونی ناشران تهران مقادیر زیادی کاغذ وارد کشور کرده است که متأسفانه وزارت ارشاد اجازه توزیع آن را میان ناشران نمی دهد و مشخص است چه تصمیمی برای آن گرفته اند. آنها قصد دارند این مقدار کاغذ را میان برخی ناشران نزدیک به خود توزیع کنند و به نظر می رسد در رفتار بخش هایی از وزارت ارشاد صداقت وجود ندارد، زیرا نه تنها از اعلام فهرست خرید کتاب جلوگیری می کنند، بلکه می خواهند هیچ کس در این خصوص سؤالی را مطرح نکند و ناشران مستقل را از بین ببرند.»

بیان سخنانی اینچنین از سوی برخی ناشران، اما با اقدامات وزارت ارشاد که معمولا فهرست کتاب های خریداری شده را روی سایت های مختلف خبری و اطلاع رسانی منتشر می کند، متناقض است و جستجو در صفحات روزنامه ها و سایت ها خبری می تواند این ادعا را ثابت کند.

با حذف یارانه کاغذ، دست بسیاری از سودجویان کاغذ قطع شده و به گفته مسئولان سابق و کنونی اتحادیه فروشندهگان کاغذ و مقوا، با اجرای این طرح، فساد که در زمینه تهیه کاغذ با قیمت یارانه ای و فروش در بازار آزاد درباره کاغذ تحریر. یکی از پر مصرف ترین محصولات از بین رفته است. محسن دولتی. نایب رئیس وقت اتحادیه فروشندهگان کاغذ و مقوا. ۲۲ فروردین ماه سال ۸۶ نیز در گفت و گو با ایسنا با بیان این مطلب با تاکید بر این که حذف یارانه ها تاثیری در وضعیت ناشران نگذاشته است، گفت: «در حال حاضر ناشران از قدرت انتخاب در نوع کاغذ مصرفی شان برخوردار هستند و قیمت ها نشان می دهد تغییر چندانی در نرخ کتاب به وجود نیامده، چون آن زمان هم که از کاغذ یارانه ای استفاده می شد، کتاب ارزان نبود.»

### و ... انصاف!

نگاه به شیوه های برخورد مسئولان، دست اندرکاران و فعالان حوزه های مختلف چاپ کشور به موضوع حذف یارانه کاغذ و انعکاس برخی از این مطالب در رسانه ها و شیوه های برخورد با این طرح، در این مطلب گنجانده شد و امروز با نگاه به فعالیت های انجام شده تاکنون، می توان نتایج بسیاری گرفت.

در حالی که بخش خصوصی نشر کشور می تواند بازوی دولت در امور فرهنگی باشد، گاهی و برخی با نقدهای غیر منصفانه، حتی تا زمان اجرای طرح نیز صبر پیشه نمی کنند.

مطابق نظرات موافقان و مخالفان طرح حذف تخصیص یارانه کاغذ به ناشران طی چند وقت اخیر و به ویژه مصاحبه های برخی افراد خاص که روزی موافق بودند و حالا بر طبل مخالفت می کوبند، هر فرد منصفی را معتقد می سازد که برخی از نقدهای صورت گرفته بر سیاست و هدف از حذف یارانه کاغذ، نه تنها بر مبنای انصاف و نظرات کارشناسی نبوده، بلکه نقدهایی صرفا هدمند از بیایی می شوند که ریشه و صحت تحقیقی ندارند؛ کاری که از برخی فعالان حوزه کتاب انتظار نمی رود.

برگزاری موفقیت آمیز بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و استقبال چشمگیر مردم از آن و همچنین ثبت رکورد جدید خرید کتاب در این نمایشگاه، همه و همه دلیلی بر عملکرد صحیح در راستای طرح حذف یارانه کاغذ ناشران است؛ یارانه ای که به گفته بسیاری از ناشران، در موارد فراوانی باعث ایجاد مفسده در چرخه تولید و نشر کتاب می شد.



سایر محمدی

«فرهنگنامه فارسی» جدیدترین فرهنگنامه‌ای است که استاد غلامحسین صدری افشار به همراه دو تن از همکارانش؛ نسرین و نسترن حکمی آن را در سه جلد تدوین و اخیراً نشر فرهنگ معاصر آن را منتشر کرده است. صدری افشار بیش از چهل سال است که در حوزه‌های مختلف فرهنگ قلم می‌زند و آثار بسیاری را چه در حوزه فرهنگ و فرهنگنامه و چه در حوزه‌های دیگر علوم، تالیف و ترجمه کرده است. وی متولد ۱۳۱۳ ارومیه است و از سال ۱۳۴۵ تاکنون با لغت نویسی سروکار دارد. نخستین کتاب صدری افشار «تاریخ در ایران» در سال ۴۵ توسط انتشارات ابن سینا منتشر شد. «سرگذشت نهادهای علمی و آموزشی در ایران»، «کتابنامه علوم ایران»، «مقدمه بر تاریخ علم» در شش مجلد، «کاگل طاووس»، «تاریخ ریاضیات» در دو جلد، «معماری ایران» اثر آرتور پوپ و «انگلیسیان در ایران» اثر سردیس رایت از جمله آثار این نویسنده در عرصه ترجمه به شمار می‌آید. صدری افشار در زمینه فرهنگ نگاری نیز کارنامه‌ای درخشان دارد که اغلب این آثار توسط نشر فرهنگ معاصر منتشر شده‌اند.

غلامحسین صدری افشار از فرهنگنامه فارسی می‌گوید

# فرهنگ نویسی، ادبیات نیست

فرهنگنامه نویسی، محدودیت‌هایی دارد که بخش دولتی ندارد و در امر سرمایه‌گذاری از توان بیشتری برخوردار است.

متأسفانه در بخش دولتی هم با تغییر رؤسا، مدیران موسسات و مسئولان، سیاست‌ها عوض می‌شوند. دوم این که با تغییر مسئولان، حتی افرادی که متولی کار فرهنگ‌نویسی هستند عوض می‌شوند. علاوه بر این، مسئولانی را که بر سر این کار می‌گذارند چون خودشان اهل این کار نیستند، عملاً نمی‌توانند برآورد درستی از وضعیت کار به دست می‌دهند و بگویند کار در چه مرحله‌ای قرار دارد؛ افرادی که در این گونه موسسات دولتی کار می‌کنند، بعد از مدتی تبدیل به یک کارمند می‌شوند. از منظر بعضی‌ها، کارمند هم کسی است که کمتر کار می‌کند اما حقوقش را می‌گیرد! به این دلیل است که کار در موسسات دولتی پیش نمی‌رود و پس از چندی هم رها می‌شود. در حالی که در بخش خصوصی ناگزیر، پیگیری‌هایی وجود دارد تا بلکه کار به سرانجام برسد. اما در مجموع، هر یک از این دو بخش - چه خصوصی و چه دولتی - کمبودها و ضعف‌های خاص خودشان را دارند و امتیازات خاص خودشان را. در هر حال، فرهنگ‌نویسی ما هنوز به هیچ‌جا نرسیده است. واقعیت این است.

**اغلب آگاهان و صاحب‌نظران در بحث فرهنگنامه نویسی، موضوع فرهنگنامه نویسی علمی را در غرب مورد توجه قرار می‌دهند و آن را با فرهنگ‌نویسی در ایران مقایسه می‌کنند. مولفه‌های یک فرهنگنامه علمی چیست؟**

فرهنگ‌نویسی، خلق ادبیات نیست. خودش شاخه‌ای مستقل از علم است و در واقع شاخه مستقلی از زبان‌شناسی است. فرهنگ‌نویسی علمی مولفه‌هایش بر چند نکته تکیه دارد که در زیر به شرح آن خواهم پرداخت. اول آن که باید فرهنگ دامنه داشته باشد. یعنی مشخص شود این فرهنگ قرار است چه چیزهایی را دربرگیرد و چه حوزه‌ای را تحت پوشش قرار دهد. دوم این که در آن دامنه، فرهنگنامه باید جامع و مانع باشد؛ یعنی باید مشخص شود که آن چیز چه هست.

از سویی فرهنگ باید مصور باشد که متأسفانه فرهنگ‌های ما واقعا مصور نیستند. حتی فرهنگ معین تصویرهایی بیهوده دارد و تا حدود زیادی، یعنی تصویر به صرف تصویر در لغت‌نامه آمده است نه این که صرفاً چیزی را مشخص کند. تنها تعداد کمی از تصویرهای فرهنگ معین یا فرهنگ عمید مشخص کننده‌اند. حتی «فرهنگ بزرگ سخن» نیز که در هشت جلد به سرپرستی دکتر حسن انوری چندی پیش منتشر شده تعداد کمی تصویر دارد که مشخص کننده و شرح دهنده موضوعی است.

**در حال حاضر چه کاری در دست تالیف یا چاپ دارید؟**

ما الان یک فرهنگ فارسی دو جلدی را هم آماده انتشار داریم که همه ویژگی‌ها و امتیازات «فرهنگنامه فارسی» را دارد غیر از این که اسامی اعلام را ندارد و به زودی توسط نشر فرهنگ معاصر منتشر می‌شود. البته ویرایش دوم «فرهنگ اعلام» هم به صورت جداگانه در آستانه انتشار است.



لغات باید توسط زبان‌شناسان بررسی و استخراج شوند و به ثبت و ضبط برسند. سوم این که هنوز در فرهنگ فارسی، مترادف‌ها و متضادها به قدر لازم و کافی بررسی و پژوهش نشده‌اند. یعنی ما دقیقاً بررسی نکرده‌ایم که چه واژه‌هایی مترادف‌اند و چه واژه‌هایی متضاد؟ تفاوت‌های ظریف آنها در کجاست؟ مثلاً واژه‌هایی مانند «خوب»، «قشنگ»، «خوشگل» و «زیبا» هر یک در عین این که با هم مترادف‌اند، تفاوت‌هایی هم با یکدیگر دارند که باید مشخص شوند و ببینیم که این تفاوت‌ها در کجا هستند؟ اینها مواردی هستند که باید در فرهنگ‌نویسی علمی مورد توجه قرار گیرند و روی اینها کار شود. **به نظر شما متولی این فرهنگنامه‌ها باید بخش خصوصی باشد یا دولتی؟ نتیجه کار در کدام بخش بهتر است؟**

متولی فرهنگنامه‌ها هر کس و هر نهادی - چه بخش خصوصی و چه بخش دولتی - می‌تواند باشد. مسئله این است، هر نهادی که این مسئولیت را متقبل می‌شود، کارکنند و نتیجه کارش رضایت فرهنگنامه‌نویسان را به دست آورد. یک سیاست کاری جدی باید پشت این مسئولیت‌پذیری باشد. در این مدت ما چندین مؤسسه متولی فرهنگ‌نویسی داشتیم و یکی از آنها، مرکز نشر دانشگاهی بود که سال‌ها روی این موضوع کار کرده بود که کار خود را نیمه‌کاره رها کرد و آن را به فرهنگستان سپرد. بعد مرکزی درست شد به اسم مرکز دانشنامه بزرگ فارسی؛ آنها هم حرف «آ» را چاپ کردند که بسیار آشفته بود. بعد موسسه لغت‌نامه دهخدا آمد و یک فرهنگ فارسی به نام «لغتنامه فارسی» چاپ کرد که در همان حرف الف در ماند و کار را دنبال نکرد (منظورم لغت‌نامه دهخدا نیست). حالا فرهنگستان مدعی است که شروع به نگاشتن فرهنگنامه تازه‌ای کرده است. موسسات خصوصی هم چندان بهتر نیستند. مثلاً زمانی نشر آگاه کار بزرگی را شروع کرد که در همان مراحل اولیه متوقف ماند. موسسات دیگر هم همین‌طور. به هر حال، مشکل اینجاست که پیگیری و جدیت در این کارها به چشم نمی‌خورد. **در هر صورت بخش خصوصی به لحاظ تامین منابع مالی و سرمایه‌گذاری در امر**

جمله همین فرهنگنامه‌ای که خود ما تالیف کرده‌ایم. یکی از اشکالات اساسی این است که ما هنوز برای ریشه‌شناسی واژه‌ها با مشکل مواجهیم و هنوز در هیچ فرهنگنامه‌ای ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی بررسی نشده است تا بتوانیم از آن استفاده کنیم. فرض کنید که بفهمیم واژه «قالیاق» دقیقاً از چه زبانی و به چه معنایی است؟ یاد مورد دیگر واژه‌ها بخواهیم این اطلاعات را به دست بیاوریم. علاوه بر این مسأله «فرهنگ‌نویسی تاریخی» مطرح است. یعنی این که به عنوان مثال بدانیم واژه «قالیاق» از چه زمانی وارد زبان فارسی شده است؟ اینها چیزهایی هستند که ما لازم داریم و نشان از آن دارد که در فرهنگ‌نویسی هنوز در اول راهیم.

**به عقیده شما مهم‌ترین کمبودهایی که در زمینه فرهنگ‌نویسی وجود دارد شامل چه مواردی است؟** هنوز منابع نوشتاری و گفتاری فارسی، درست بررسی و پژوهش نشده‌اند. برای این که بسیاری از آثار هنوز چاپ نشده‌اند و در دسترس فرهنگنامه‌نویسان قرار نگرفته‌اند و بسیاری از لغاتی که در این منابع وجود دارند، دور از چشم ما هستند. دوم این که در این فرهنگنامه‌ها، گویش‌ها خوب بررسی نشده‌اند و از آنجایی که بسیاری از واژه‌های فارسی در گفتارهای محلی باقی مانده و وارد فرهنگ رسمی نشده‌اند و مورد استعمال قرار نمی‌گیرند، لازم است که این واژه‌ها و اصطلاحات بررسی شوند. فرض کنید در این زمینه اسم محله‌ها، شهرها و روستاها همراه خود، کلی لغت و اسم دارند. این

**یکی از اشکالات اساسی این است که ما هنوز برای ریشه‌شناسی واژه‌ها با مشکل مواجهیم و هنوز در هیچ فرهنگنامه‌ای ریشه‌شناسی واژه‌های فارسی بررسی نشده است**

**آیا مجموعه «فرهنگنامه فارسی» گسترش یافته «فرهنگ فارسی» یک جلدی است یا شیوه‌ای متفاوت دارد؟**

«فرهنگنامه فارسی» که در سه مجلد تالیف شده، در حقیقت تفاوت‌های اساسی با فرهنگ فارسی تک جلدی دارد. چون در این مجموعه واژه‌های قدیم و واژه‌های ادبیات فارسی را هم داریم. به علاوه، اعلام‌راهم در این فرهنگنامه آورده‌ایم. این فرهنگنامه هم، مانند اغلب فرهنگ‌هایی که منتشر کرده‌ایم نتیجه تلاش و کوشش گروهی سه نفره است. **ویژگی‌های «فرهنگنامه فارسی» چیست و در مقایسه با فرهنگنامه‌های موجود در بازار دارای چه امتیازاتی است؟**

«فرهنگنامه فارسی» واژه‌های جدید و قدیم را توأم‌ان دارد. دیگر این که واژگان ادبیات فارسی مشتمل بر واژه‌های گفتاری، علمی، فرهنگی، فنی و واژگان تخصصی را نیز دربرمی‌گیرد. ضمن این که فرهنگ اعلام هم در این مجموعه جای گرفته و در آن برخلاف یکی، دو «فرهنگ اعلام» که منتشر شده و فقط به افراد می‌پردازند به همه زمینه‌ها پرداخته شده؛ از کشورها، اعلام جغرافیایی و تاریخی، آثار، بناها و آهنگ‌ها گرفته تا سایر چیزها، مثل ادیان، مذاهب، عقاید فلسفی، احزاب، گروه‌ها و ... همه این موارد به ترتیب الفبایی تالیف و تدوین شده‌اند. مثلاً در مورد واژه «آبادان» هم آبادان به معنای صفت و هم به معنای جزیره و شهر آمده است. یعنی آبادان تحت چهار عنوان توضیح داده می‌شود. در واقع فرهنگ فارسی در این فرهنگنامه تصحیح و تکمیل و ویرایش شده است. فرهنگ اعلام هم که قبلاً در یک مجلد به صورت جداگانه و مستقل منتشر شده بود، در این مجموعه، باز ویرایش و تصحیح شده است. در حقیقت، «فرهنگنامه فارسی» محصول ۸- ۲۷ سال کار مشترک ماست که به صورت جامع درآمده و به بازار عرضه شده است.

**فرهنگنامه نویسی یا تالیف آثار مرجع، به صورت کار گروهی بهتر و کامل‌تر است یا به صورت انفرادی؟**

علی‌الاصول کارهای مرجع و به ویژه فرهنگ‌نویسی باید گروهی باشند و هیچ راه دیگری ندارد برای این که فرهنگ جامع و کاملی داشته باشیم. در واقع یک فرهنگنامه باید شامل تخصص‌های متعدد و مختلفی باشد چون هیچ‌کس به تنهایی به همه حیطه‌های علوم تسلط ندارد و در حوزه فرهنگ با همه حیطه‌ها آشنا نیست. مثلاً در زمینه زبان‌شناسی علاوه بر آن که شامل شناسایی لغت‌ها می‌شود، مسأله ماهیت دستوری آنها نیز باید مشخص و روشن شود. همچنین باید ریشه لغات، سابقه تاریخی کاربرد آنها و این که به چه مقوله‌ای تعلق دارد مورد بررسی قرار گیرد. طبعاً، وقتی موضوع به مقوله خاصی مربوط است، دقیقاً لازم است که از آن تخصص استفاده شود و با این که ما در تلاش نزدیک به سی ساله خود سعی کردیم در نوشتن هر بخشی از این فرهنگنامه از متخصصان و صاحب‌نظران همان بخش استفاده کنیم، هنوز در اول راه فرهنگنامه نویسی هستیم. هنوز، همه فرهنگ‌هایی که به زبان فارسی نوشته و منتشر شده‌اند، اشکالات اساسی دارند. از





کمدی الهی در گفت و گو با محسن نیکبخت

# ترجمه‌ای امروزی از یک کتاب کلاسیک

تأثیر آن در امانت ترجمه واهمه دارند، اما ویراستاران در این زمینه کمی بی‌رحم تر عمل می‌کنند. ویراستاران معتقدند حتی اگر کلمه‌ای درست باشد اما زیبا به نظر نیاید باید تغییر کند و کلمه را عوض می‌کنند. در این میان مترجم و ویراستار دچار نوعی ستیز هستند که کدام واژه درست تر است. معمولاً من پیشنهادها می‌دهم و ویراستار کار را پذیرفته‌ام چون سعی داشتم که ابیات را کمی به صورت آهنگین و شعرگونه درآورم. در ترجمه پیشین شفا شعرها خیلی سنگین و گاهی مسجع هم بود، اما ابیات حالت شعرگونه نداشت. به همین دلیل برای انتخاب کلمات درگیر و سواس و تا حدی دچار مشکل هم شدم. بیشتر نگران بودم که مبدا کل متن تحت تأثیر قرار بگیرد، چرا که شاعر بنا به حیطه کارش متن را کاملاً آهنگین می‌کند، اما ما تاجایی که توانستیم آن را شعرگونه کردیم که به بدنه اثر آسیب نرسد. اما شاعر علاوه بر آهنگین کردن به فکر قافیه، ردیف، هجا و... هم هست.

در این زمینه به شاعر خاصی هم فکر کرده بودید؟  
بله. من این کار را به یک شاعر سپردم، اما چون دیدم چنین مسائلی پیش می‌آید منصرف شدم و به همین شعرگونه بودن و راحت خوانده شدن جمله‌ها بسنده کردم. اما اگر روزی خودم بتوانم، با توجه به آشنایی و علاقه‌ای که به شعر دارم، این کار را انجام خواهم داد. اما هنوز جرات آن را نیافته‌ام.

لطفاً کمی درباره زمان ترجمه و روند کار توضیح دهید. آیا به صورت کتاب به کتاب پیش رفته‌اید یا فصل به فصل ترجمه کرده‌اید؟

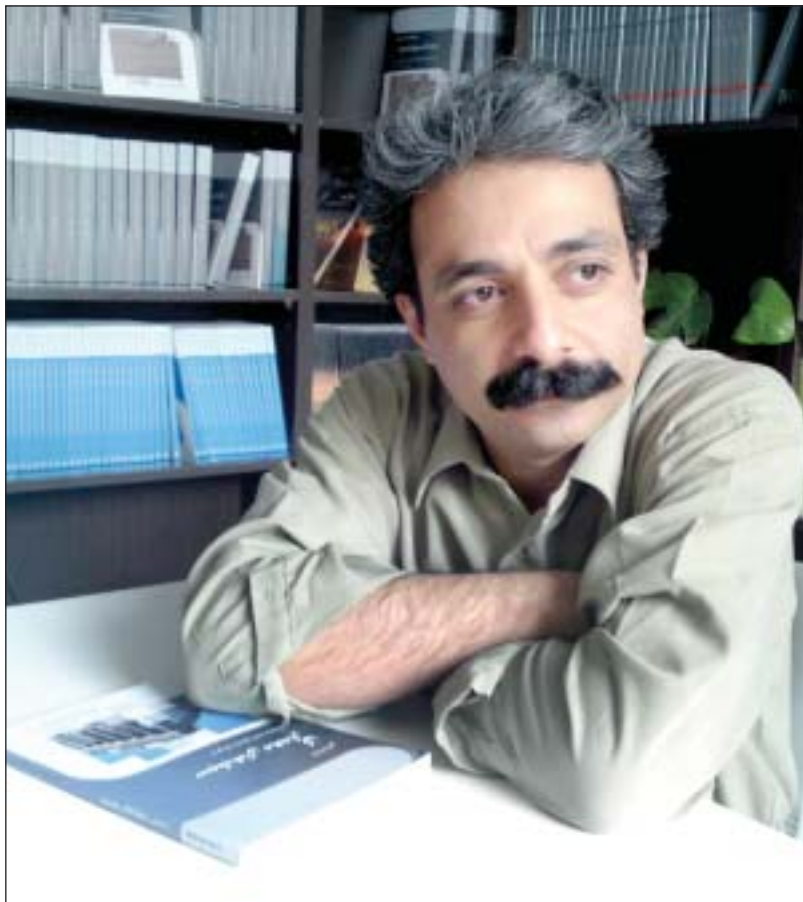
از سال ۸۳ شروع به ترجمه کتاب کردم و اوایل سال ۸۷ آخرین کلمات از جلد سوم (بهشت) را نوشتم. در مورد دوزخ، چون از دانته شناسان شنیده بودم که بسیار دشوار نوشته شده، به صورت گام به گام پیش رفتم. در کل، هر شعری سه قسمت است؛ ابتدا توضیحات کلی در مورد شعر و بعد بدنه اصلی و در انتها توضیحات درباره اصطلاحات خاص. در فصل مرتبط با «دوزخ» طبق روال خود کتاب پیش رفتم، اما در برخی ابیات شعرها را انجام می‌دادم و بعد توضیحات و در بهشت هم شعرها و توضیحات را به صورت جداگانه ترجمه کردم.

درواقع برحسب نوع کار، روند ترجمه شما هم تغییر می‌کرد.

بله. گاهی این امر بسیار خسته‌کننده بود، برای مثال پیش می‌آمد که برای یک بند دوزخ، چند هفته فکر می‌کردم که چه واژه‌ای استفاده یا خلق کنم تا هم ملموس باشد و هم مفهوم را به طور کامل برساند. در این باره چند بار از ترجمه قبلی استفاده می‌کردید؟  
از ترجمه قبلی به صورت مستقیم استفاده نکرده‌ام. اما از بعضی جاهایی که بسیار لذت برده بودم و ملکه ذهنم شده بود، به صورت ناخودآگاه استفاده کرده‌ام و درواقع می‌توانم بگویم که از آن تأثیر گرفته‌ام.

کتاب کلاسیکی مثل کمدی الهی که حتی ترجمه آن هم سختی‌های خاص خودش را دارد برای چه مخاطبانی مناسب است؟

مخاطبان کتاب در گروه‌های مختلفی قرار می‌گیرند؛ بعضی‌ها به ادبیات کلاسیک و این سبک کتاب علاقه مندند و ممکن است بخوانند ببینند در این ترجمه و متن اصلی چه تفاوت‌هایی وجود دارد. بعضی‌ها هم ممکن است به مسئله ماوراءالطبیعه علاقه مند باشند. بعضی‌ها هم با این کار آشنا هستند و می‌دانند سرشار از نکته‌های نغز است. به هر حال هر کسی می‌تواند در زمینه‌های گوناگون مثل میتولوژی یونان باستان و... از آن بهره ببرد.



حالا در ترجمه جدید، تقریباً همه بخش‌ها را کامل آورده‌ام.

برای ترجمه تنها از یک نسخه انگلیسی استفاده کردید یا اثر را با متون دیگر هم مطابقت دادید؟

تقریباً همین یک نسخه بود، اما در بعضی ابیات که به مشکل برمی‌خوردم به نسخه اصلی ایتالیایی آن رجوع می‌کردم که یکی از دوستان در این زمینه به من کمک بسیاری کرد. اگر در مصرع یا بند یا اسم خاصی مشکل پیدا می‌کردم یا احساس می‌کردم که ممکن است برای خواننده ناملموس باشد سعی می‌کردم از متن ایتالیایی کمک بگیرم که البته این مسئله به ندرت پیش آمد. در مواردی نیز از هماهنگ‌کننده متون و متن فرانسه کمک گرفتم.

متن نسخه انگلیسی که شما از آن استفاده کردید چطور بود؟ آیا همان دشواری‌های باستان‌شناسانه را داشت؟

خیر. مترجم انگلیسی هم سعی کرده بود ساده و روان بنویسد، به جز قسمت‌هایی که خود مترجم انگلیسی هم نتوانسته بود آن دشواری‌ها را تغییر دهد که البته هم در فارسی و هم در متن اصلی به همین صورت دشوار و رمزآلود آمده است.

با توجه به این که در ابتدای کتاب نام ویراستار ذکر شده، درباره ویرایش کمدی الهی توضیح بفرمایید و این که مطابقت با متن انگلیسی انجام شده یا ویرایش در حد ساختار جمله و کلمه صورت گرفته است؟ در کل نظر شما در مورد ویرایش ترجمه‌ها چیست؟

درواقع ویرایش این کتاب یک بار صورت نگرفته، بلکه سه ویراستار روی آن اعمال نظر کرده‌اند که ما تنها نام ویراستار اول را در کتاب ذکر کرده‌ایم که تا حدی ترجمه را با متن انگلیسی مطابقت داده بود. معمولاً مترجم‌ها کمی از عوض کردن کلمات و

بله. من متن اولیه را تلطیف و ساده‌فهم‌تر کرده‌ام تا به دانشجویانی که تحقیقی در این زمینه دارند یا حتی کسانی که سوادچندان بالایی ندارند، اما دوست دارند بفهمند کمدی الهی چیست، کمک کرده باشم؛ خود من در دوران نوجوانی از این کتاب و نثر دشوار آن وحشت کرده بودم. بنابراین با امروزی کردن آن می‌خواستم خواننده در آن رها باشد و امیدوارم که از عهده این کار برآمده باشم.

همان‌طور که فرمودید یکی از نکاتی که شما در این متن مد نظر قرار داده‌اید، حفظ امانت ترجمه در عین ساده‌سازی بوده است. علاوه بر این، چیز دیگری در متن حاضر وجود دارد که به ترجمه قبل اضافه شده باشد؟

قبل از ترجمه، فکر نمی‌کردم که چیزی بر ترجمه قبل اضافه شده باشد. اما بعداً متوجه شدم که ابیاتی در ترجمه انگلیسی که من از آن استفاده کردم وجود دارد که در ترجمه فارسی قبل نیست یا قسمت‌هایی تغییر یافته یا بنا به دلایلی حذف شده است. به هر

قبل از ترجمه، فکر نمی‌کردم که چیزی بر ترجمه قبل اضافه شده باشد. اما بعداً متوجه شدم که ابیاتی در ترجمه انگلیسی که من از آن استفاده کردم وجود دارد که در ترجمه فارسی قبل نیست یا قسمت‌هایی تغییر یافته یا بنا به دلایلی حذف شده است. به هر

قبل از ترجمه، فکر نمی‌کردم که چیزی بر ترجمه قبل اضافه شده باشد. اما بعداً متوجه شدم که ابیاتی در ترجمه انگلیسی که من از آن استفاده کردم وجود دارد که در ترجمه فارسی قبل نیست یا قسمت‌هایی تغییر یافته یا بنا به دلایلی حذف شده است. به هر

قبل از ترجمه، فکر نمی‌کردم که چیزی بر ترجمه قبل اضافه شده باشد. اما بعداً متوجه شدم که ابیاتی در ترجمه انگلیسی که من از آن استفاده کردم وجود دارد که در ترجمه فارسی قبل نیست یا قسمت‌هایی تغییر یافته یا بنا به دلایلی حذف شده است. به هر

قبل از ترجمه، فکر نمی‌کردم که چیزی بر ترجمه قبل اضافه شده باشد. اما بعداً متوجه شدم که ابیاتی در ترجمه انگلیسی که من از آن استفاده کردم وجود دارد که در ترجمه فارسی قبل نیست یا قسمت‌هایی تغییر یافته یا بنا به دلایلی حذف شده است. به هر

قبل از ترجمه، فکر نمی‌کردم که چیزی بر ترجمه قبل اضافه شده باشد. اما بعداً متوجه شدم که ابیاتی در ترجمه انگلیسی که من از آن استفاده کردم وجود دارد که در ترجمه فارسی قبل نیست یا قسمت‌هایی تغییر یافته یا بنا به دلایلی حذف شده است. به هر

«کمدی الهی» نوشته دانته یکی از آثار مطرح و کلاسیک تاریخ ادبیات است که بارها در سطح جهان و به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. این اثر کلاسیک سال‌ها قبل به فارسی ترجمه شد، اما از آنجا که تغییر و تحولات زبانی اغلب ترجمه دوباره‌ای را از اثر طلب می‌کند، ترجمه‌ای دیگر از این کتاب در روزهای پایانی نمایشگاه کتاب تهران وارد بازار کتاب شد. این ترجمه توسط محسن نیکبخت انجام شد که پیش از این بیست عنوان ترجمه از جمله ترجمه مجموعه آثار جبران خلیل جبران را در کارنامه‌اش دارد. گفت و گویی که با او انجام داده‌ایم درباره آخرین ترجمه‌اش «کمدی الهی» است.

«کمدی الهی» قبلاً هم به فارسی ترجمه شده بود. چطور شد که شما دست به کار ترجمه دوباره شدید؟

شيفته این کار بودم و هستم، اما با وجود ترجمه قبلی، این ترجمه را یک کار تکراری می‌دیدم و چون اغلب با کار تکراری مخالفم، می‌خواستم از این کار سر باز بزنم که با یک سری توجهات از طرف نشر پارسه، پیشنهاد را پذیرفتم. پس برای جلوگیری از تکرار، تصمیم گرفتم با سواس و دقت ترجمه را شروع کنم. بنابراین جرقه اولیه این کار را ناشر زد. پس از پیشنهاد ناشر، برای ترجمه کتاب سراغ ترجمه قبلی هم رفتید؟

کمدی الهی درواقع برای من یک اثر خاطره‌انگیز است. در دوران دبیرستان، در بخش ادبیات کلاسیک، کمدی الهی دانته را هم تعریف کرده بودند و من وقتی تصویر پیرمرد قایقران در دوزخ را دیدم، بسیار به آن جلب شدم تا حدی که این کتاب برای من نوعی خوف ایجاد می‌کرد و چون نام کمدی الهی را هم داشت برام بسیار جالب بود که تعریف کمدی الهی چیست؟ چون در ذهن نوجوان من، این ترکیب همخوانی نداشت. به هر حال نام مترجم و توضیحات کلی در مورد اثر، باعث شد که آن کتاب را تهیه کنم و حتی بعد از فارغ‌التحصیلی بارها و بارها این سه کتاب را مطالعه کنم. با توجه به علاقه به کتاب و نوشتن و پس از انتشار چند مقاله در مجلات مختلف، بالاخره تصمیم به نوشتن گرفتم؛ اول «آموزش زبان» و بعد پله پله بالا آمدم تا در نهایت اولین کار ترجمه من مجموعه «جبران خلیل جبران» بود. پس از آن یک سری کتاب‌های دیگر هم ترجمه کردم تا به این کتاب رسیدم.

با توجه به این که نقد چندانی درباره ترجمه قبلی این کتاب به میان نیست، چه عاملی به جز تشویق‌های ناشر سبب شد که پیشنهاد ترجمه این کتاب را بپذیرید؟

اگر شما متن ترجمه پیشین را ملاحظه کنید، درک آن برای نسل امروز به دلیل نوع عبارت‌ها و نحوه نگارش آن زمان دشوار است. بنابراین ما فکر کردیم اگر می‌خواهیم این کتاب را دوباره ترجمه کنیم، متن آن را هم امروزی کنیم. درست است که بعضی‌ها معتقدند چنین کتابی را نباید تا این حد ساده نوشت و بهتر است به همان دشواری زبان دانته باشد، اما من فکر می‌کنم اگر بناست این کتاب را برای نسل امروز ترجمه کنیم، بهتر است آن را امروزی کنیم. اگر قرار باشد همان گفتار را همان قدر غامض و دشوار ارائه کنیم، همان ترجمه قبلی کافی است.

درواقع شما می‌خواهید در عین حال که جملات حالت باستانی خود را حفظ می‌کنند، آنها را ساده کنید؟

آسیب شناسی نشر ورزشی در میزگرد کتاب هفته با ناشران ورزشی

# فرصتی برای چند ورق حرف حساب



دنیای پرهیجان ورزش و تربیت بدنی، میلیون ها نفر از ساکنان کره خاکی را به خود جذب کرده است؛ از تماشاگران رشته های مختلف ورزشی گرفته تا ورزشکاران غیر حرفه ای و حرفه ای. در کنار این قشر وسیع، افراد زیادی نیز در حوزه علوم تربیت بدنی و ورزش فعالند؛ نظیر استادان دانشگاه، دانشجویان، نویسندگان و مترجمان آثار مکتوب ورزشی و همچنین ناشران ورزشی. در کشورمان نیز عده ای از ناشران - هر چند انگشت شمار - به فعالیت تخصصی در عرصه چاپ و نشر کتاب های حوزه تربیت بدنی و ورزش مشغولند.

در حالی که برخی از ناشران، تربیت بدنی و ورزش را به عنوان یکی از حوزه های فعالیت خود برگزیده اند، ناشران تخصصی در دو گروه ناشران دولتی و خصوصی در این حوزه فعالیت می کنند. ناشران خصوصی تخصصی حوزه تربیت بدنی و ورزش سال ها است که به انتشار کتاب در زمینه های دانشگاهی، تخصصی رشته های مختلف و عرصه سلامت و تندرستی عمومی می پردازند.

هفته در نشست صمیمی که در محل نشریه کتاب هفته برگزار شد، سه تن از ناشران تخصصی تربیت بدنی و ورزش حضور یافتند و به آسیب شناسی نشر ورزش و تربیت بدنی پرداختند. چکیده سخنان مهدی صادقی، مدیر مسئول نشر بامداد کتاب، روبن شاهوردیان، مدیر مسئول نشر علم و حرکت و حسین غیائی، مدیر مسئول نشر فرزین را با هم می خوانیم.

## جایگاهی در میانه راه

بررسی جایگاه فعلی نشر ورزشی ایران و فاصله موجود با جایگاه آرمانی این نشر آغازگر این گفتمان بود و حاضران در جلسه نظرانشان را در این باره ابراز کردند.

**شاهوردیان:** طی سال های اخیر، وضعیت کتاب های ورزشی از نظر کمی و کیفی بهتر شده است، اما هنوز به جایگاه مطلوب نشر ورزشی نرسیده ایم و هنوز با آن سطحی که بتوان گفت کتاب های ورزشی در جایگاه ممتازی قرار دارند، فاصله داریم. به نظر من ناشر تخصصی ورزشی هنوز معنا و جایگاه ویژه خود را پیدا نکرده است، زیرا هنوز تشکلهای ساختارهای حقوقی و اجتماعی خودشان را ندارند. امیدوارم در آینده نزدیک به جایگاهی که شایسته نشر و ناشران تخصصی ورزشی است، برسیم.

**صادقی:** از وقتی که کار به طور جدی در این زمینه شروع شده، روند روبه رشدی داشته است، اما این رشد هنوز کمتر از ۵۰ درصد است و ما هنوز به نیمه راه هم نرسیده ایم. به نظر من ناشران این حوزه نیز مثل سایر ناشران نیازمند حمایت اند. ناشران خصوصی تا حد مشخصی می توانند سرمایه گذاری اقتصادی کنند و وقتی از نظر فروش کتاب ها با مشکل برخورد می کنند، روند کاری آنها به شدت کند می شود.

**غیائی:** به نظر من در جریان آسیب شناسی، ابتدا باید درد و نیاز را شناخت و سپس به درمان پرداخت. در عرصه ورزش ایران همه می گویند ورزش باید علمی شود، اما کمتر کسی به این موضوع توجه دارد که علمی شدن باید بر اساس اصول مشخصی انجام شود. یکی از این اصول، حمایت از صاحبان دانش و علم ورزش و همه دست اندرکاران تولید کتاب به ویژه ناشران ورزشی است؛ حمایتی که الان از سوی مسئولان ورزشی انجام نمی شود، لذا نمی توان

را ندارند. به طور مثال، سپهر حیدری، بازیکن نام آشنای فوتبال کشورمان وقتی امسال به غرفه بامداد کتاب آمد، آثار متعددی را خرید و به ما گفت که فرصتی برای سر زدن به کتابفروشی ها ندارد و اگر فدراسیون ها شرایطی را فراهم کنند که کتاب در دسترس ورزشکاران باشد، آنها هم به مطالعه می پردازند - به ویژه در اردوهای ورزشی - هم به تهیه کتاب های ورزشی علاقه مند می شوند.

در عرصه تندرستی و سلامت نیز تا به حال کتاب های زیادی منتشر شده است که در صورت اطلاع رسانی صحیح، از آنها استقبال خواهد شد. واقعا برای ناشری که از یک کتاب ۳۰۰۰ شمارهگان به قیمت هر جلد مثلا ۳۰۰۰ تومان منتشر کرده است، این امکان وجود ندارد که هزینه تبلیغات تلویزیونی و حتی روزنامه ای آن را نیز بپردازد.

## پاشنه آشیل

هنگامی که صحبت از اطلاع رسانی در حوزه کتاب به ویژه کتاب های ورزشی به میان می آید، به نوعی به پاشنه آشیل عرصه کتاب، توزیع و فروش آن اشاره می شود. به راستی چرا در حالی که صادقی، شاهوردیان و غیائی از عملکرد کتاب هفته و خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در امر اطلاع رسانی حوزه کتاب به ویژه کتاب های ورزشی اظهار رضایت می کنند و سهم رادیو را نیز در این میان ارزشمند می دانند، اما باز هم از بی توجهی بقیه رسانه ها گله مندند.

**غیائی:** اگر ما خاصیت هر رشته ورزشی را بشناسیم و سهم مطالعه و کتابخوانی را در موفقیت در آن رشته و حتی حوزه های دیگر بدانیم، آنگاه به این نتیجه نیز می رسیم که به عنوان ارباب رسانه ها، به اطلاع رسانی کتاب های ورزشی نیز بپردازیم. به طور مثال، رشته ورزشی شطرنج به تقویت تمرکز، رشد ارتباطات جدید پیوندگامی در مغز و رشد شاخه های متعدد سلول های عصبی، سرعت عمل در تصمیم گیری، جست و جوی راه های مختلف برای پیروزی و... می انجامد. تمامی این موارد باعث می شود که یادگیری شطرنج نه تنها برای علاقه مندان این رشته، بلکه تمامی رشته های ورزشی و همچنین

(هر چاپ ۳۰۰۰ نسخه) رسید. البته قبل از این کار، نشر امیرکبیر چند کتاب از جمله در رشته های یوگا و شطرنج چاپ کرده و نشر مرکز هم یک کتاب درباره دو میدانی به چاپ رسانه بود. پیش خودم گفتم چرا خودمان کار را شروع نکنیم. به همین دلیل مجبور شدم اول اصول کار را یاد بگیرم و در این راه زحمات زیادی کشیدم تا بالاخره نشر علم و حرکت را راه اندازی کردم.

**غیائی:** کمبود کتاب های ورزشی ما را با آن داشت که به این عرصه وارد شویم؛ عرصه ای که هنوز نیازمند حمایت سازمان تربیت بدنی و همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. هنوز هم نیاز فراوانی احساس می شود که کتاب های تربیت بدنی و ورزش بیشتر مورد توجه قرار گیرند، اما وضعیت به گونه ای نیست که بتوان ریسک کرد.

**صادقی:** واقعیت این است که در حیطه ورزش، بازارهای ناشناخته ای وجود دارند که زمینه فعالیت ناشران به ویژه ناشران خصوصی را فراهم می کنند. اما فراموش نکنیم که در حال حاضر، با توجه به وضعیت ضعیف کتابخوانی اهالی ورزش، دیگر فرصتی برای افزایش تعداد ناشران ورزشی وجود ندارد. کتاب های ورزشی در سه بخش دانشگاهی، رشته های تخصصی ورزشی و سلامت و تندرستی منتشر می شوند. با توجه به کاهش دانشجویان رشته تربیت بدنی و ورزش در دانشگاه آزاد به خاطر هزینه بالای تحصیلی، ما نیز مجبور شده ایم میزان انتشار کتاب های درسی دانشگاهی را پایین بیاوریم. زمانی بود که دانشگاه آزاد ۴۸۰۰ دانشجوی رشته تربیت بدنی و ورزش می پذیرفت، اما اکنون ۳۰۰۰ متقاضی هم برای تحصیل در این رشته وجود ندارد.

در حوزه رشته های تخصصی ورزشی نیز ضرورت دارد نهضت کتابخوانی بین اهالی ورزش راه بیفتد. باید کتاب های ورزشکاران را به ورزشکاران معرفی و آنها را با این کتاب ها آشنا کرد. بسیاری از ورزشکاران و مربیان معتقدند که وقت مطالعه ندارند، اما در همین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران بارها به ما ثابت شده که این طور نیست. آنها وقت مطالعه دارند، اما فرصت پیدا کردن و آشنا شدن با کتاب های خوب

مدعی شد که نشر ورزشی و تربیت بدنی ما به جایگاه آرمانی خودش رسیده است. اگر بخواهم درباره رشته تخصصی خودم یعنی نشر کتاب های شطرنج حرف بزنم، باید بگویم که فتوای تاریخی امام خمینی (ره) درباره شطرنج که سال ۱۳۶۷ صادر شد، کمک بسیار بزرگی به ورزش شطرنج کرد، به نحوی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران تنها یک استاد بزرگ شطرنج داشت، اما پس از انقلاب و صدور فتوای امام (ره) تاکنون هفت استاد بزرگ شطرنج در ایران پدید آمده اند که دو نفر از آنها نیز از بانوان هستند. ما تازه می فهمیم که مفهوم و ارزش فتوای امام (ره) چه بوده است. متاسفانه در مقابل رشد رشته ورزشی شطرنج، آثار مکتوب این رشته رشد قابل قبولی نداشته است، چون از ورزش شطرنج حمایت شد اما از ناشران و نویسندگان و مترجمان این حوزه حمایت نشده است.

## نیاز، کمبود و ضرورت

یکی از سوالات مهم، چگونگی روی آوردن ناشران خصوصی به عرصه تربیت بدنی و ورزش است، آیا حرکتی سازمان یافته، عده ای را به این سمت سوق داده است؟ آیا تدبیری در این باره اندیشیده شده؟ آیا نشر ورزشی هم به نوعی می تواند در مجال مناسبی برای فعالیت یک ناشر باشد؟ شاید هم موضوعات مهم تری در میان باشد؟

**شاهوردیان:** از قدیم گفته اند که نیاز، مادر اختراع است. این موضوع درباره ورود ناشران خصوصی به عرصه تربیت بدنی و ورزش نیز صدق می کند. در دوره ای که به طور حرفه ای به ورزش رزمی می پرداختم، کتاب ورزشی و تخصصی خیلی کم بود و در سال ۱۳۵۸ دومین کتاب ورزشی به رشته تحریر درآمد. من نیز نیاز به آثار مکتوب ورزشی را کاملا احساس کردم لذا کتابی را در حوزه تکواندو پومسه - البته با ترس و لرز - ترجمه کردم! چون می دیدم کتاب های ورزشی موجود در بازار کتاب ایران نیز تقریبا همگی به زبان انگلیسی اند. با خودم گفتم تکلیف خیل عظیم اهالی ورزش که زبان خارجی نمی دانند، چیست؟ بنابراین دست به کار ترجمه شدم. این کتاب در کمتر از هشت ماه به چاپ دوم



**حسین غیاشی: کمتر کسی به این موضوع توجه دارد که علمی شدن باید بر اساس اصول مشخصی انجام شود. یکی از این اصول، حمایت از صاحبان دانش و علم ورزش و همه دست اندرکاران تولید کتاب به ویژه ناشران ورزشی است؛ حمایتی که الان از سوی مسئولان ورزشی انجام نمی شود**



**مهدی صادقی: یک ناشر خصوصی با هزینه خودش کتاب را تولید می کند تا بلکه به مرور کتابش را بفروشد، اما یک ساختار ستادی کتاب را با استفاده از بودجه دولتی و تسهیلات خاص، با قیمتی پایین تولید می کند و بعد هم آن را هدیه می دهد!**



**روبن شاهوردیان: ناشر تخصصی ورزشی هنوز معنا و جایگاه ویژه خود را پیدا نکرده است، زیرا هنوز تشکلهای و ساختارهای حقوقی و اجتماعی خودشان را ندارند. امیدوارم در آینده نزدیک به جایگاهی که شایسته نشر و ناشران تخصصی ورزش است، برسیم**

از طرفی، اهمیت ورزش علمی و علمی کردن ورزش در دستگامی مانند سازمان تربیت بدنی تا حدی با تاکید مسئولان آن به مطالعه کتاب های ورزشی سنجیده می شود. باید کتاب های ورزشی به اردوهای ورزشکاران راه یابند. ما اعلام آمادگی کرده ایم که در ورزشگاه آزادی نمایشگاه تخصصی کتاب برپا کنیم و همه نیرو و هزینه اش را نیز خودمان بپردازیم، اما به ما گفته اند که برای این کار باید متری ۳۰ هزار تومان اجاره محل بدهیم!

**غیاشی:** یکی از وظایف هر فدراسیون این است که کتاب های ورزشی فاخر موجود در بازار کتاب را به تمامی هیات های ورزشی سراسر کشور بفرستد، زیرا هیات های ورزشی، بازران اجرایی فدراسیون هادر عرصه آموزش اند اگر در این سطح از ما کتاب بخواهند، حتی حاضریم کتاب ها را با تخفیف ۴۰ درصد نیز در اختیارشان قرار دهیم.

**صادقی:** ما از سه فدراسیون بدمینتون، بینگ پنگ و تیسیس خاکی خواستیم نمونه کتاب های ارسالی به آنها را مطالعه کنند، نظر بدهند و در صورتی که آنها را مناسب تشخیص دادند، فقط آنها را به هیات ها و باشگاه های ورزشی معرفی کنند تا اگر آنها خواستند، ما کتاب ها را برایشان بفرستیم، اما هیچ یک از مسئولان این سه فدراسیون در این باره اظهار نظر نکردند. یعنی نه تنها کتاب های ما را معرفی نکردند، بلکه از اظهار نظر ساده نیز دریغ ورزیدند!

قرار گرفتن کتاب در سبد جایزه ورزشکاران نیز یکی از پیشنهادهای ما به سازمان تربیت بدنی و فدراسیون هاست. ما ناشران ورزشی توان مالی نداریم که آثارمان را تبلیغ هم کنیم و این کار برایمان اصلا مقرون به صرفه نیست.

#### کجا نمایشگاه برپا کنیم؟

سوالی که شاید به مذاق ناشران تخصصی ورزشی خوش نیاید، این است که آیا خود آنها که مدعی اند باید مورد حمایت واقع شوند، توانسته اند حتی یک نمایشگاه تخصصی با همکاری یکدیگر برگزار کنند؟! پاسخ حاضران در این نشست البته خواندنی تر از سوال ماست.

**صادقی:** بله، با همکاری اداره کل تربیت بدنی استان تهران این کار را انجام داده ایم، زیرا آنجا یک نفر علاقه مند به کتاب و کتابخوانی وجود دارد! البته ما در نمایشگاه های بین المللی کتاب تهران و برخی نمایشگاه های استانی نیز شرکت می کنیم. در نمایشگاه استانی خوزستان نیز که هفته قبل در اهواز برگزار شد، نشر علم و حرکت در گرمای ۴۷ درجه شرکت کرد، حتی در نمایشگاه چند باشگاه ورزشی هم شرکت کرده ایم. البته، زمانی هم بوده که در یک روز فقط به اندازه هزینه همان روز درآمد داشته ایم! اما فراموش نکنید که اگر ما به کتاب هفته و این جلسه آمده ایم، با دعوت شما بوده است، در صورتی که در جاهای دیگر به ما امکان حضور نمی دهند.

**شاهوردیان:** حتی اگر ماتشکل خاصی نیز داشته باشیم، باز هم همین مشکل وجود دارد. بالاخره سازمان تربیت بدنی، شهرداری یا یک سازمان، اداره، وزارتخانه یا نهاد باید به ما اجازه برگزاری نمایشگاه را بدهد که متأسفانه این گونه نیست. مشکل اینجاست که گاهی ورزش بخشی از فرهنگ به حساب نمی آید!

**صادقی:** ما انتظار نداریم که به ما ماهی بدهند یا ماهیگیری را بیاموزند؛ ما هم کار را بلد هستیم، فقط اجازه کار و فعالیت می خواهیم. ما کتاب با کیفیت تولید می کنیم و تنها می خواهیم در فروش آن به ما کمک کنند. اگر اطلاع رسانی در حوزه ورزش با همکاری مسئولان ورزشی صورت بگیرد، ما نیز در ارائه آثار کیفیت تلاشمان را خواهیم کرد.

**شاهوردیان:** حرف پایانی این که باید در ورزش فرهنگ مکتوب را جایگزین فرهنگ شفاهی کنیم و در این راه بخش فرهنگی سازمان تربیت بدنی وظیفه سنگینی برعهده دارد.

باعث می شود آنها نتوانند به برنامه های کتابی خود عمل کنند. اشتباه دیگری که رخ می دهد این است که مسئولان دست اندرکار فکر می کنند و به طور مثال استفاده از یک متخصص فیزیولوژی برای تالیف یا ترجمه کتاب تخصصی ورزشی کافی است، در صورتی که بارها مشاهده شده که کتاب منتشر شده، به درد مربی یا ورزشکار نمی خورد. در این بین یک حلقه مفقوده وجود دارد که بتواند جماعت ورزشی و دانشگاهی و متخصص را در حوزه نشر به خوبی با هم متصل کند و آن هم ناشران تخصصی ورزشی اند.»

**صادقی:** باید تشکلی از ناشران ورزشی براساس یک نظام کارآمد به وجود بیاید که افراد عضو آن در قالب کارشناسی فعالیت کنند. مراکز یا نهادهایی نظیر کمیته ملی المپیک که ساختاری ستادی دارند، نمی توانند در عرصه تولید و نشر کتاب های ورزشی موفق شوند. یک ناشر خصوصی با هزینه خودش کتاب را تولید می کند و سپس به اطلاع رسانی، توزیع، انبارداری و سایر امور می پردازد تا بلکه به مرور، کتابش را بفروشد، اما یک ساختار ستادی کتاب را با استفاده از بودجه دولتی و تسهیلات خاص، با قیمتی پایین تولید می کند و بعد هم آن را هدیه می دهد! این کار اصلا به سود فرهنگ کشور نیست، این نبرد نابرابر باعث می شود که ناشران خصوصی دلزده شوند. این سوال نیز پیش می آید که با چنین فعالیت هایی، تکلیف اصل ۴۴ قانون اساسی چه می شود؟ چنین مراکزی می توانند کارهایشان را به ناشران خصوصی سفارش بدهند تا آنها با توجه به تخصص در امر چاپ و نشر و بهره گیری از دانش و مهارت نویسندگان همراه با علم متخصصان ورزشی، کتاب منتشر کنند و آنگاه با حمایت نهادها و مراکز دولتی ورزشی، کتاب ها را حتی با تخفیف بالا توزیع کنند.

**غیاشی:** ما با کارشناسان فن بیشتر در ارتباط هستیم. شاید هر مترجمی بتواند یک کتاب ورزشی را با هر کیفیتی ترجمه کند، اما او ناشران خصوصی مترجمانی را به کار می گیرند که بسیار از پس ترجمه آثار بزرگ جهان برآمده اند و ثنیا خود ناشران نیز با آگاهی به مسائل چاپ و نشر و همچنین رشته های ورزشی، بر کار آنها نظارت می کنند. من ادعا دارم کتابی را که منتشر کرده ام، هرگز بیش از ۱۰ غلط ندارد، اما می توانم کتاب هایی را نام ببرم که غلط هایی پر شمار دارند.

#### حمایت برای منفعت دو جانبه

وقتی ناشران خصوصی یک کار مخصوصی را انجام می دهند، شاید قابل قبول نباشد که از دستگاه ورزش انتظار کمک های شایان داشته باشند اما وقتی فواید کار آنها متوجه سازمان تربیت بدنی و سایر نهادهای ورزشی می شود و همچنین درخواست آنها حمایت مالی نیست، بحث حمایت از آنان منطقی به نظر می رسد. البته آنها نظراتی هم درباره کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه دارند.

**شاهوردیان:** حمایت از ناشران ورزشی و سایر دست اندرکاران تهیه کتاب های ورزشی باید از طرف سازمان تربیت بدنی و سازمان های مرتبط با آن، نظیر کمیته ملی المپیک، آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک و پژوهشکده تربیت بدنی صورت بگیرد. سازمان تربیت بدنی با بودجه ای که در اختیار دارد، می تواند علاوه بر تجهیز و به روز کردن کتابخانه های فدراسیون، به تهیه کتاب های آموزشی ویژه مربیان بپردازد. همچنین کمیته آموزش فدراسیون هان نیز باید در راه تامین کتاب های مورد نیاز مربیان و ورزشکاران هزینه کند.

**صادقی:** اگر سازمان تربیت بدنی در جریان تولید کتاب از ما حمایت نمی کند، در عرصه فروش کتاب که قادر است حمایت کند. ما خواستار برگزاری نمایشگاه های تخصصی کتاب هستیم. هر بار که در این باره با سازمان تربیت بدنی نامه نگاری کرده ایم، کار به جایی نرسیده است و طی سه سال هنوز نتوانسته ایم از حمایت آنها در این زمینه برخوردار شویم.

سایر افراد فعال در عرصه های مختلف جامعه ضروری باشد. در چنین شرایطی آیا باز هم حاضریم از اطلاع رسانی درباره کتاب های این حوزه طفره برویم؟

**شاهوردیان:** اکنون شبکه های مختلف رادیو در این زمینه بسیار فعال تر از شبکه های تلویزیونی اند. در تلویزیون یکی دو برنامه معرفی کتاب وجود دارد که در آنها نیز کتاب های ورزشی هیچ جایگاهی ندارند. ما تاکنون چند جلسه نیز با برخی مسئولان سازمان صداوسیما گذاشته ایم و آنها مدعی شده اند که بخش بازرگانی به آنها اجازه اطلاع رسانی درباره کتاب های ورزشی رانمی دهد! به طور مثال، آنها می گویند وقتی ناشران کتاب های کمک آموزشی برای تبلیغ آثارشان پول می دهند، چرا درباره کتاب های ورزشی اطلاع رسانی شود، درحالی که این دو مقوله اصلا با یکدیگر قابل مقایسه نیستند.

باید بپذیریم که در اکثر خانواده ها، تلویزیون عضو اصلی خانواده است، عضوی که از همه بیشتر حرف می زند و حتی به صاحب خانه یا میهمان نیز دستور می دهد که سکوت کنند. در چنین شرایطی اطلاع رسانی از طریق تلویزیون بسیار ارزشمند است. تلویزیون رقیب بزرگ فرهنگ مکتوب به حساب می آید و باید در رقابت این دو رسانه، به کتاب و فرهنگ مکتوب فرصت خودنمایی داد. برخی نشریات هم در قبال دریافت یکی دو نسخه از هر کتاب، معرفی کوتاهی از کتاب ها انجام می دهند. اینجا جا دارد از نشریه کتاب هفته و خبرگزاری کتاب ایران و نشریاتی مثل کیهان ورزشی، دنیای ورزش و روزنامه همشهری که به اطلاع رسانی در حوزه کتاب می پردازند، تشکر کنم. به خاطر می آورم هنگامی که رئیس کمیته آموزش فدراسیون کاراته بودم، سازمان تربیت بدنی به تمام فدراسیون ها اعلام کرده بود که باید ۲۰ درصد بودجه خودشان را به آموزش اختصاص دهند. جالب اینجاست که هیچ فدراسیونی از این بودجه برای تجهیز کتابخانه اش اگر داشته باشد. یا خرید کتاب استفاده نمی کند و فقط گاهی یک فدراسیون یکی دو کتاب را تهیه می کند، همین! این در حالی است که در کلاس های آموزش فدراسیون ها نیز اغلب به مربیان جزوه ای داده می شود که هیچ چیز از آن نمی آموزند. وقتی یک مربی به گفته برخی اهالی ورزش، فرصت کتاب خواندن و مطالعه ندارد، چرا ما باید بچه هایمان را به دست او بسپاریم و آنگاه شاهد انواع مصدومیت ها باشیم؟ متأسفانه، سازمان تربیت بدنی هیچ نظارتی بر این امر ندارد. با خودتان فکر کنید هنگامی که وضعیت مطالعه و علم آموزی یک مربی این گونه باشد، شاگرد او چقدر رشد خواهد کرد؟! وضعیت در آموزش و پرورش هم بهتر از این نیست. جالب این که گاهی معلم ورزش مدارس که هنگام تدریس اصلا از یافته های علمی و کتاب استفاده نمی کند، خودش به عنوان شغل دوم، کتابی را می نویسد که اتفاقاً پر فروش هم می شود؛ پس باید بپذیریم که سیستم آموزشی ما مشکل دارد و بچه ها را با کتاب آشنا نمی کند.

موضوعی که گاهی آزاردهنده می شود، انتشار کتاب های تربیت بدنی و ورزش توسط نهادهای ورزشی نظیر کمیته ملی المپیک است درحالی که برخی از آثار این نهادها بسیار ارزشمندند، برخی از آثارشان نیز فاقد ارزش های کیفی یک کتاب از جهات گوناگونند.

#### حلقه مفقوده

حال این سوال پیش می آید که اگر افراد ورزشی از متخصصان ورزشی کمک می گیرند، چرا گاهی کتاب های منتشر شده توسط آنان از کیفیت لازم به دور است؟

**شاهوردیان:** از رئیس یک فدراسیون شنیدم که می گفت: «مربی فشار می آورد که فقط کتاب خودش بین ورزشکاران تقسیم شود!» ضمن این که تغییر متعدد و مکرر مدیر فدراسیون های ورزشی



## تأثیرات منفی کتاب سازی



کتابسازی یا به تعبیر یکی «متاب»، یعنی کتاب هایی که شکل و ظاهر کتاب را دارند و گاه حتی خیلی تر و تمیز و شکیلند، اما وقتی اهل کتاب بازشان می کنند، انگشت حیرت به دندان می گیرند...

به عبارت دیگر همان گندم نمای جو فروش است. متاب ها را می توان کلا به دو دسته تقسیم کرد. اول تالیف. در این زمینه متاب از اعتبار و تحقیق علمی برخوردار نیست و نویسنده، گاه حاصل تلاش دیگران را به یغما می برد و بعضا با تغییر برخی جملات و کلمات سرهم بندی می کند و به نام خود جا می زند یا زحمت کافی نمی کشد یا اصولا در زمینه ای که می نویسد از صلاحیت، دقت و وسواس برخوردار نیست.

دوم ترجمه. مترجم یا توان، فرهنگ و دانش لازم را برای ترجمه ندارد و یا شتابزدگی و عجله به خرج می دهد (یا هر دو با هم) و حاصل کار سطحی و بی مایه از آب درمی آید و وقت، پول و انرژی عده ای را تلف می کند. (اینها را که گفتم عمومیت دارد و شامل اکثر کتاب ها نیز می شود) حال شاید این پرسش به ذهن متبادر شود که چه شرایطی باید فراهم شود تا دیگر شاهد این گونه حرکات نباشیم؟ آنچه را در بالا گفتم معکوس بفرمایید، تا شرایط لازم حاصل آید. فقط در اینجا می خواهم بر اهمیت ویرایش یا دست کم یک بار خواندن خواننده ای آگاه و حتی الامکان متخصص را پیش از چاپ تأکید کنم.

کتابسازی یا همان متاب، متأسفانه بر اوضاع نشر و کتابخوانی تأثیر منفی هم می گذارد. مثالی می زنم: هنگامی که چاپ کتاب «تانگوی تک نفره: زندگی نامه آنتونی کوئین» با ترجمه من مراحل نهایی کار را طی می کرد، نماینده ناشر محترمی به من تلفن کرد و بیش از سه ربع ساعت وقتم را تلف کرد و پرسید کتاب من در چه مرحله ای است و الی آخر و با توجه به شواهدی که در دستم بود او را راهنمایی کردم که کتاب به زودی چاپ خواهد شد، اما پس از گرفتن اطلاعات از من، ترجمه ناقص و مغلوطن همان کتاب را به سرعت تمام و کم و بیش همزمان با کتاب من منتشر کرد.

کتاب این ناشر طرحی بازاری و به ظاهر چشمگیر هم دارد و چون ۲۵۰ صفحه از متن حذف شد و قیمت آن ارزان تر درآمد، فروش بیشتری کرد یا به چاپ دوم رسید، (حال آن که کتاب اول من هنوز به فروش نرسیده) خواننده عادی که نمی داند این همه از کتاب حذف شده، به علاوه بسیاری اسامی آن غلط نوشته شده و جملات بسیاری از نظر دستوری و ترجمه غلط است، آن را می خرد و به خانه می برد و ظاهراً کتاب را به دست ویراستار هم داده، اما ویراستار هم مانند مترجم اولین بار نامش در کتابی آمده و معلوم نیست واقعا کتاب را ویرایش کرده است یا نه! از این مثال ها از موی سر زیاد تر است، اما فقط یکی را می گویم. کدام مترجم یا ویراستار آگاه هست که نام ژان آنوی نمایشنامه نویس فرانسوی را - که تصادفاً چند نمایشنامه اش در روزگار جوانی ما به فارسی هم ترجمه شده - نداند و بنویسد و ضبط کند: جین آنوله! دست کم اگر چنین کسانی نمی دانند، می توانند از دیگران بپرسند. این مشتبی بود نمونه خروار که از برنوشتن یکی از راه های روشن کردن این موضوع نوشتن نقد و نظر در مطبوعات به دست آدم های صاحب صلاحیت است. البته راه های دیگر هم هست.



پدیده کتاب سازی در گفت و گو با جمال میرصادقی و نصرالله حدادی

# پاهای کوتاه و گلیم های دراز



نصرالله حدادی



جمال میرصادقی

دو نمونه ختم می شد. ما امروزه با رواج کتاب دزدی مواجهیم. کتاب مولف بخت برگشته را به اسم خود چاپ می کنند بی آن که آب از آب تکان بخورد. مولف هم بعد از چند سال متوجه می شود که چه اتفاقی افتاده، تازه آن وقت هم قاعدتا دستش به جایی بند نیست. یا کتاب خاطرات عبدالله بهرامی که ۴۰ سال پیش چاپ شده و در سال ۶۲ به چاپ مجدد رسیده را منتشر می کنند و رویش می نویسند به کوشش فلانی! به کوشش کی؟...

### چه کسی از آگاتا کریستی می ترسد؟

عجالتاً قسمتی از یادداشت حدادی درباره کتاب سازی را بخوانید و برای این که نویسنده این گزارش را به گزارش سازی یا تحریف تاریخ متهم نکنید، این چند خط را هم از پی اش بد نیست بیاروم. خود حضرت حدادی بنده را به دیدن این یادداشت ارجاع داده است: «حکایت کتاب ملاصدرا هانری کربن و جعلی که به نام این نویسنده نامدار اروپایی صورت گرفت، آنقدر شهره است که نیاز به بازگویی ندارد. سال ها پیش آگاتا کریستی نویسنده مشهور رمان های دلهره آور سفری به ایران کرده بود. به او گفتند از شما این کتاب ها به زبان فارسی چاپ شده است. اسامی ای که به آگاتا کریستی ابراز شد، چند تایش غریبه بودند. او گفت: «امن چنین کتاب هایی ندارم. گفتند: شاید اشتباه شده و برای آن که کتاب برای خواننده ایرانی جذاب تر شود نام کتاب را عوض کرده اند. گفت: مقداری از متن کتاب را برابرم بخوانید و ترجمه کنید. این کار را کردند و این بار با تعجب دو صد چندان گفت: «نه! من چنین کتابی را ننوشته ام. سر نوشتی که گویا یقه عزیز سنین ترک را نیز گرفته بود و معلوم شد که به نام او چندین و چند کتاب نوشته اند، به گونه ای که روح او هم خبر نداشت! اگر تا دو سه دهه پیش کتاب سازی به این گونه بود، در روزگار ما با عنوان «گردآوری»، «اهتمام»، «به کوشش»، «به تصحیح» و کلماتی از این دست کتاب سازی رواج یافت... این، همه امنیت شغلی را از بین می برند و کافی است گاهی برخی معیارها و ملاک ها تغییر یابند. آن که بیش از همه ضرر می کند، کسی است که سال های عمر را همراه با سرمایه اش تلف کرده و به خطر انداخته است، تاخلمتی به فرهنگ انجام داده باشد. ترجمه های غلط و نارسا، کتاب های بدون هویت، سوء استفاده از قانون سی سال، عدم عضویت در پیمان جهانی کپی رایت و عدم وجود قوانین شفاف، کارا و قابل اجرا در زمینه تالیف و ترجمه، سبب ساز وجود آفتی به نام «کتابسازی» شده است.

کتابی می ساختند و به اسم مصحح دیگری روانه بازار می کردند، ولو این مصحح جدید سرش به تنش نیرزد.» میرصادقی که دوست دارد توی روایت این ماجراها از تکنیک های داستان نویسی استفاده کند و در جاهایی که آدم انتظارش را ندارد یک دفعه مخاطب را غافلگیر کند، با این که بعید می داند به رغم گرانی کاغذ و افزایش قیمت کتاب، ناشری حاضر به این جور سمبل کاری ها باشد، ماجرای جالبی را تعریف می کند: «می دانید که من روی قصه های عامیانه کار کرده ام. چند وقت پیش دیدم در یکی از نشریات، خانمی که حاضر نیست اسمش را بیاروم، از مطالب کتاب ادبیات داستانی من استفاده کرده بود و بی آن که حتی زحمت عوض کردن جملات را بر خود هموار کند، عینا همان نوشته ها را با بعضی تغییرات جزئی در یک مقاله مفصل به اسم خودش جازده است. خوب، وقتی برای بسیاری از افراد یک جامعه، کتاب خواندن جزو حواشی زندگی است، چنین اتفاقاتی، طبیعی است!»

### کتابسازان، عاقبت کتاب دزد می شود

شنیده بودم نصرالله حدادی که در مطبوعات جزو فعالان حوزه کتاب به شمار می آید، اطلاعات خوبی درباره کتاب سازی و سابقه آن دارد.

با او تماس گرفتم. اطلاعات مفیدی در اختیارم گذاشت و در عین حال، مرا به مقاله ای ارجاع داد که پیش از این در یکی از روزنامه های صبح به چاپ رسانده بود.

اومی گوید: «برخی ناشران، اغلب کتاب های امتحان پس داده و بی بو و بی خاصیت را که از ظرفیت های سودرسانی اش اطمینان دارند، مدام به دست چاپ می سپرند. البته نباید فراموش کرد که کتاب سازی در ایران شکل های گوناگونی دارد. این که برخی از ناشران کنکوری کار می آیند و چند تا سوال از کتاب های درسی می قاپند و به عنوان سوال کنکور به بچه های مردم قالب می کنند، خودش مصداق آشکار کتاب سازی است. اگر چه کار به این دست اقدامات محدود نمی شود. به عنوان مثال، «چهار مقاله» نظامی عروزی را که مرحوم دکتر معین سال ها پیش تصحیح کرده، برمی دارند و چاپ می کنند و غافل از این که معین چند سال بعد از تصحیح اولیه، کار را پالایش کرده و حواشی قابل ذکری بر آن نوشته است. الان چند چهارمقاله در بازار موجود است که از بازنگری های نهایی دکتر معین در آنها خبری نیست. یا کتاب «تاریخ ایران» مرحوم مشیرالدوله را در چاپ های متعددی روانه بازار می کنند، بی آن که به اصل کتاب وفادار باشند. البته کاش این تقلب های فرهنگی به همین یکی

اعتراف می کنم که هنگام نوشتن این گزارش به شکل کسالت آوری تردید داشتم که چگونه می توانم این چند خط را به گونه ای بنویسم که چیزی از قلم نیفتد یا دست کم حق مطلب را آن طور که شایسته است ادا کنم یا آنقدر آشفته و درهم و برهم بنویسم که مخاطبم همان اول کار عطای مطلب را به لقایش ببخشد و بگذارد برود. توی دنیای ما چیزهایی وجود دارند که قلابی بودنشان از دو کیلومتری پیداست، ولو این که بخوای پوسیدگی آنها را پشت یک ظاهر پوشالی و موجه پنهان کنی. یکی از آنها «کتاب سازی» است. اگر مخاطب گزارش من فقط کتابخوانان حرفه ای بودند، با خیال راحت می نشستم پشت میز و عین مرحوم ژان پل سارتر پییم را روشن می کردم و با یک ژست سراسر روشنفکرانه، کتاب سازی را نه تنها به باد تمسخر می گرفتم بلکه درباره آفات و عوارض خطرناکی که این پدیده مضحک به جامعه فرهنگی ما تحمیل می کند، داد سخن می دادم. موضع گیری سختی می کردم، ولی حقیقت این است که ما در سرزمینی زندگی می کنیم که برای ۷۰ میلیون آدمیزاد کتاب هایی با شمارگان دو یا سه هزار نسخه به چاپ می رسد. در این شرایط عوامل زیادی مثل تب تند بازار، سلیقه مخاطب، نگاه صرف اقتصادی برخی ناشران، مشکلات بعضاً مالی ناشر و نویسنده، نوسان قیمت کاغذ و انگیزه حضور در نمایشگاه سالانه کتاب در چاپ و انتشار یک اثر بسیار مؤثرند. پس واقعیت تلخ تر و جدی تر از آن است که بشود با اداهای فاضل مایانه از کنارش رد شد. آدمیزاد هم که می دانید معمولاً با واقعیت زندگی می کند.

### نسبت مستقیم کتابسازی و پول قلمبه

یکی از واقعیت ها این است که به هر دلیلی، کتاب سازی در بازارهای فرهنگی ماشیوع و رواج روزافزونی یافته است. ارائه تعریف های روشن برای کتاب سازی کار سختی است زیرا چیزی که قاعده و قواره درست و درمانی ندارد و بهتر است بگویم به بی قاعدگی و بی قوارگی پهلو می زند، به سختی در دایره تعریف می گنجد. شاید هر کتابی که بیرون از روند درست و اصولمند تالیف، تهیه می شود، جزو کتاب سازی به شمار بیاید. مثلاً کثرت رفتن ترجمه های دیگران و گردآوردن آن در یک مجموعه و کاشتن نام مصححی پای کتاب، بی آن که آن مصحح استحقاق این عنوان را داشته باشد، یا کپی برداری غیر مجاز از کتاب های دیگران و حاصل زحمت دیگران را به پای خود نوشتن یا گزینش چهار تا مقاله و ترجمه و داستان و شعر از این ور و آن ور و شیرازه بستن یک مجموعه قلابی که قطعاً جزو مصادیق کتاب سازی به حساب می آیند.

جمال میرصادقی، داستان نویسی که کتاب های زیادی از او درباره تئوری داستان نویسی در بازار کتاب موجود است، درباره سابقه این شارلاتانیسم فرهنگی، حرف های جالبی دارد: «وقتی ما جوان بودیم، کتاب سازی شیوع فراوانی داشت کاغذ ارزان بود و کسانی که از ترجمه دو خط داستان بی غلط و غلوطن ناتوان بودند، برمی داشتند و ترجمه دیگران را با عوض کردن چند عبارت و اصطلاح و به اسم خودشان چاپ می کردند. البته می دانید که یکی از دلایل این پدیده خجالت بار، نبود وجود قانون کپی رایت در ایران است که به برخی ناشران و نویسندگان این اجازه را می دهد که ۳۰ سال بعد از مرگ مولف کتاب او را چاپ کنند و از این راه پول قلمبه ای به جیب بزنند. قبلاً از این دست شارلاتانی ها به وفور یافت می شد، به طوری که گاهی کتاب سازی جایش را به کتاب دزدی می داد. مثلاً می آمدند و از روی دیوان حافظ خانلری یا سایه،



تاریخ هنر معاصر جهان: نوشته علیرضا سمیع آذر

# اوج و افول مدرنیسم



نام علیرضا سمیع آذر برای هنرمندان عرصه هنرهای تجسمی با تصویر دورانی همراه است که او مدیریت موزه هنرهای معاصر را بر عهده داشت.

سمیع آذر در واقع آشتی دهنده هنرمندان با فضای موزه هنرهای معاصر و فراهم آورنده شرایطی بود که آثار مدرن فرصت دیده شدن و رفتن روی دیوارهای موزه را پیدا کنند. او حتی در آخرین روزهای مدیریتش نمایشگاهی با عنوان جنبش هنر مدرن را بر پا کرد و در واقع نمایشگاهی از گنجینه‌های موزه را در برمی گرفت که شامل ارزشمندترین آثار نقاشان بزرگ جهان مثل پیکاسو، دالی، مونش، ونگوگ و... بود که سال‌ها در گنجینه موزه هنرهای معاصر خاک می‌خوردند.

سمیع آذر پس از پایان دوران مدیریتش در موزه به تدریس، ترجمه و تالیف روی آورد که همواره بخشی از علاقه‌اش محسوب می‌شد. او در چند سال گذشته سخت مشغول تالیف کتابی چندجلدی در حوزه تاریخ هنر بود که در نهایت اخیراً رونمایی شد و به بازار کتاب آمد.

جلد اول تاریخ هنر معاصر جهان با عنوان «اوج و افول مدرنیسم» توسط نشر نظر به روی پیشخوان کتابفروشی‌ها آمد تا هنرمندان و هنرجویان عرصه هنرهای تجسمی را با روند مدرنیسم از بدو پیدایش تا افول آن آشنا کند.

## جست و جو در چیستی هنر معاصر

علیرضا سمیع آذر، متولد سال ۱۳۴۰ تهران در رشته معماری از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده و سال ۱۳۷۵ در همین رشته دکتری خود را از دانشگاه مرکزی انگلستان گرفته است. او از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ ریاست موزه هنرهای معاصر تهران را بر عهده داشت و اکنون بیشتر وقت خود را به تدریس و تالیف می‌گذراند. وی سال ۱۳۸۲ از سوی باشگاه ملی هنرهای آمریکا به خاطر کسب دستاوردهای چشمگیر در عرصه هنر موفق به دریافت مدال طلا شد و سپس نشان افسری هنر و ادبیات دولت فرانسه را نیز دریافت کرد. سمیع آذر پیش از تالیف تاریخ هنر معاصر جهان، سه کتاب با عنوان‌های تاریخ تحولات مدارس در ایران در زمینه معماری، آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم و جهانی شدن و هنر جدید را نیز به بازار نشر فرستاده بود.

او در جلد نخست تاریخ هنر معاصر جهان اوج و افول مدرنیسم را پس از جنگ جهانی دوم بررسی می‌کند. درست زمانی که پایتخت هنری جهان از پاریس به نیویورک منتقل می‌شود و شیوه مدرنیسم با حضور سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی و پدیدار شدن هنرمندان نوجو، راه خود را باز می‌کند. در عین حال ریشه‌های شکل‌گیری و چگونگی واگیری این سبک زیر ذره‌بین رفته و سپس با فرا رسیدن دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و ظهور جریان‌های آوانگارد انتقادی علیه مدرنیسم، پست مدرن پا به عرصه وجود می‌گذارد. در این کتاب علاوه بر کالبدشکافی «چیستی هنر معاصر» به چرایی شکل‌گیری آنها در بجهت تحولات سیاسی اجتماعی نیز توجه شده است و رفت و آمدهای سبک‌های هنری را در سایه روابط علت و معلولی قابل لمس و رصد کرده است.

## تلاش برای درک زمینه‌های فکری مدرنیسم

سمیع آذر درباره هدفش از تالیف تاریخ هنر معاصر جهان می‌گوید: «وقتی از تاریخ سخن می‌گوییم، انتظار داریم به گذشته‌ها برگردیم و از این جهت عنوان تاریخ معاصر می‌تواند اشتباه باشد، اما تحولات اخیر دنیای هنر آنقدر عظیم بوده که گویی قرن‌ها از آن

فاصله گرفته‌ایم و از سوی دیگر کشور ما در عرصه‌ای قرار داشت که درهای بسته به روی آن زیاد بود و سرگرم تلاطم سیاسی و جنگ، کمتر با این عرصه برخورد کرد. به طوری که کتاب‌ها در این زمینه کمتر در اختیار ما بود و نمایشگاهی نیز در این عرصه برپا نمی‌شد. بنده احساس کردم که ما درست در زمانی که به تاریخ هنر نیاز داشتیم، از این فرصت بی‌بهره بودیم و با همه امکانات در این کتاب این دوره را مورد ارزیابی قرار دادم.»

وی با اشاره به این که «تعریف دوره معاصر به‌زعم من به یک مقطع خاص زمانی و یک دوره‌بندی مشخص تاریخی بر نمی‌گردد، بلکه از یک درک جدید نسبت به هنر صحبت می‌کند»، تأکید می‌کند: «این دوره‌ای است که قبل از این که یک تعلق هنری داشته باشد، از یک دگرگونی فکری صحبت می‌کند. دوره معاصر، دوره رویارویی با ارزش‌های مدرنیسم و از سوی دیگر معاصر بودن لفظی بود که به نفع مدرنیسم و یورش‌های نظری علیه آن نسبت داده می‌شد. به همین دلیل برای درک تمام زمینه‌های فکری مدرنیسم مستلزم بود که کتاب را با این مبحث آغاز و این عرصه را به خوبی معرفی کنم تا از درون آن، ضعف و بحران‌های تئوریک و انگیزش‌هایی را که علیه آن بر خاسته بود، درک کنیم.»

این محقق و پژوهشگر در ادامه ادامه می‌دهد: «در زمینه هنر معاصر کم و بیش نوشته‌هایی وجود دارد، اما به‌زعم من هیچ‌یک از این کتاب‌ها به پس زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و سیاسی هنر مدرن، به‌ویژه در دوره افول آن نمی‌پردازد و رابطه علت و معلولی میان اوج و افول مدرنیسم را ارزیابی نمی‌کند که من سعی کردم این ضعف را در کتاب جبران کنم. از سوی دیگر در منابع خارجی که بسیار عمده مطرح شده است، اختلاف نظرهای بسیاری دیده می‌شود که هر کدام از یک آیشخور نظری نشأت گرفته است و از این رو پیدا کردن سره از ناسره کار دشواری بود که سعی کردم با درک خودمان از دنیای معاصر ایران آن را ارائه دهم.»

**تألیف دست اول از تحولات قرن بیستم**  
آیدین آغداشلو هم به عنوان یکی از نقاشان مدرنیست ایران، نه تنها تأثیر تاریخ هنر معاصر جهان، بلکه هر کتاب روشنگری را در زمینه هنر قرن بیستم برای اهل مطالعه و تحقیق و هنردوستان یک فرصت قابل توجه و مهم می‌داند و می‌گوید: «چون می‌دانیم درباره تحولات قرن بیستم جهان کمتر تالیف دست اولی تدوین شده و بیشتر به ترجمه‌های متون گاهی پیچیده اکتفا شده است، بنابراین برای نخستین بار ما با تالیف کتابی درباره هنر در قرن بیستم مواجه شده‌ایم که نه تنها دقیق و روشنگر است بلکه شامل نگاهی از این سو و با نقد و داوری، فرهنگی که خود در این میان بیشتر مصرف‌کننده بوده است، به نوعی نگاه تازه و خاص می‌رسیم و این خود مغتنم است.»

او تفاوت اصلی این کتاب را با نمونه‌های مشابهش در تنظیم و ترتیب مطالبی می‌داند که بیشتر مورد نیاز جوانان و هنردوستان ما بوده است. اگر در نظر بگیریم مولف خود سال‌هاست به تدریس تاریخ هنر برای دانشجویان و هنرجویان ایرانی اشتغال داشته، آنگاه درمی‌یابیم که نوع جنس این تالیف با در نظر گرفتن نیازها و کمبودهایی بوده که جوانان ما در طول این سال‌ها با آن مواجه بوده‌اند. آغداشلو درباره تأثیر این کتاب در جریان مدرنیسم ایرانی معتقد است: «توقع مفید واقع شدن این کتاب را به صورت مستقیم و بلافاصله نباید در این میان داشت و هر تأثیری از این دست به گذشت زمان نیاز دارد و در طول حداقل یک دهه می‌تواند تأثیر خود را به صورت روشنگری و ارتقای سطح آگاهی مخاطبان هم‌هنرمند و هم‌هنردوست باقی بگذارد.»

عنايت سمیعی که سال‌ها در دانشگاه و هنرستان هنرهای تجسمی تاریخ هنر تدریس کرده با اشاره به این که شمار کتاب‌های تاریخ هنر در پیش از انقلاب به زحمت به تعداد انگشتان یک دست می‌رسید، می‌گوید: «تاریخ هنر نوشته «جنسن» و اوایل دهه ۵۰ پس از انقلاب کتاب ترجمه شد. هنر در گذرگاه زمان و تاریخ هنر «نوناز» دیگر ترجمه‌هایی بودند که بعدها به بازار کتاب آمدند. فکر می‌کنم کتاب‌هایی نظیر تاریخ هنر معاصر جهان، در شناخت هنر مدرن، به‌ویژه شناخت درست از دوره‌ای که امپرسیونیست‌ها چهره نقاشی را به کلی تغییر دادند، موثر است. این منتقدان هستند که به کمک نقاشی مدرن می‌آیند و این هنر را به مردم معرفی می‌کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «کتابی که سمیع آذر تالیف کرده، هم‌اکنون آموزشی و هم‌اکنون مطالعه‌برای علاقه‌مندان هنر موثر است و دیدگاه‌های تازه‌ای را معرفی می‌کند. البته نباید فراموش کنیم که این کتاب‌ها تئوری‌ها و هنر غربی را به ما معرفی می‌کنند. اگر هنرمندان ما از این تئوری‌ها زاویه نگرش مناسبی به دست نیاورند که به کمک آن نگاهی دوباره به هنر خودمان بیندازیم و سنت‌های نقاشی مان را دگرگون کنیم، تأثیر زیادی نخواهند داشت. درست است که هنر، زبان جهانی است اما هر قوم و ملتی زبان متفاوتی برای بیان هنرش دارد که ما هم باید به زبان خاص خودمان برسیم.»



تازه‌های هنرهای تجسمی

## از هنر هند تا زیبایی‌شناسی ژاپنی

«تاریخ مختصر هنر هند» تالیف حسن بلخاری، «زیبایی‌شناسی مدرن ژاپنی» اثر مایکل مارا با ترجمه هاشم رجب‌زاده و «موشکافی در هنر» اثر گیلیان ولف با ترجمه هادی تقوی از تازه‌ترین کتاب‌های منتشر شده در عرصه هنرهای تجسمی‌اند که افقی تازه پیش روی هنرپژوهان جوان می‌گشایند.

«تاریخ مختصر هنر هند» جلد هفتم از مجموعه «دنیای هنر» است که مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری فرهنگستان هنر با همکاری گروه هنر شرق پژوهشکده هنر برای آشنایی جامعه هنری با کلیات هنر جهان منتشر کرده است.

این کتاب مصور به هنر هند اختصاص دارد و اثری فراگیر در مورد سرچشمه‌های هنر هند، مباحث و شاخه‌های متعدد آن است و در یازده فصل، با واکاوی بنیان‌های کهن هندی از دوره ودایی و فرهنگ بومیان هند، به سیر تاریخی و اندیشه‌های مذهبی و تأثیر آن‌ها بر معماری، نقاشی و نگارگری پرداخته است. همچنین نقش جامعه، سیاست حاکمان و رستاخیزهای دینی در شکل‌گیری انواع هنر در این کتاب بررسی شده است.

«زیبایی‌شناسی مدرن ژاپنی» نوشته مایکل مارا با ترجمه هاشم رجب‌زاده که توسط انتشارات فرهنگستان هنر به چاپ رسیده است، مکاتب فکری ژاپن و دیدگاه اندیشمندان این سرزمین را از دیدگاه زیبایی‌شناسی در چهار فصل با نام‌های «موضوع زیبایی‌شناسی»، «مفروضه‌های زیبایی‌شناختی»، «بیان شعری» و «پست مدرنیسم و زیبایی‌شناسی» بررسی می‌کند.

مایکل مارا در بخشی از مقدمه این اثر می‌نویسد: «زیبایی‌شناسان مفولات زیبایی‌شناسی را برای کاستن از آشفتگی‌هایی در کار آوردند که به جزئیت بر حسب امر کلیت راه می‌دهد. مساله جدل‌طرفینی و احکام ذوقی در کانون مباحث زیبایی‌شناسی باقی ماند و فئونی بنیادی در روش‌های زیبایی‌شناختی بار آورد...»

به باور این نویسنده، زیبایی‌شناسان ژاپنی ناگزیر بوده‌اند کلمه‌های تازه برای مفاهیمی مانند «زیبایی‌شناسی»، «ذهنیت»، «عینیت»، «حساسیت» و «تصور» وضع کنند تا مفاهیم بیگانه را برای دستاوردهای هنری محلی به کار نینداند.

«موشکافی در هنر» اثر گیلیان ولف با ترجمه هادی تقوی از سلسله کتاب‌های «نگاه کن» از مجموعه «هنر برای همه» موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر است.

این کتاب مصور شامل ۱۵ بخش است و نویسنده در آن به گونه‌ای سعی در تحلیل آثار هنری دارد که مخاطب را با زوایایی که می‌توان از آن‌ها به این آثار نگاه کرد، آشنا و چشم و ذهن خواننده را برای تجزیه ساختاری و مفهومی آثار هنری تربیت کند. در بخش‌های مختلف این کتاب، آثاری از چارلز شیلر، ژرژ شرایبر، پیت موندریان، فردریک جرج کاتمن، یان استین، ویلیام هوگارت، سرادوین لندسیر، پیتر بروگل، جاکو موبالا، ونسان ونگوگ، بریجیت رایلی و واسیلی کاندینسکی تحلیل و بررسی شده‌اند. لایه‌های متن این تحلیل‌ها، کادرهایی با رنگ سبز روشن مشخص شده‌اند که در آن‌ها نویسنده به طور مستقیم ذهن خواننده را با سوالاتی درباره آثار یا پیشنهادهایی برای خلقی مشابه، درگیر می‌کند؛ سوالاتی چون «به نظر شما چهره باغبان زشت است؟» در بخش «دوباره نگاه کن» (در تحلیل اثری از ژوزپه آرکیم بالدو باغبان نیست) ذهن خواننده را به ساختن تصویری از باغبان ترغیب می‌کند.



## نیاز به کتاب‌های کوچک پزشکی



۱. کتاب به عنوان یکی از نخستین و ریشه دارترین وسایل ارتباط جمعی همواره نقش بی بدیل و ممتازی در انتقال دانش و معارف بشری داشته است.

چنانچه با گسترش حیرت آور رسانه های جدید، هنوز هم به عنوان رکن اساسی انتقال، اثبات و بسط تجربیات معرفتی شناخته می شود.

۲. کتاب های جیبی و کم حجم سال هاست که در بسیاری از کشور های توسعه یافته نقش مهمی در توسعه مطالعه و افزایش دانش و آگاهی های عمومی و کمک به چرخه نشر دارند؛ از کتاب های جیبی شعر و داستان گرفته تا اطلاعات عمومی و حتی تخصصی اما به زبان قابل فهم.

۳. در کشور ما نیز اگرچه این روش (چاپ کتاب های کوچک) هیچ گاه از دید ناشران دلسوز و معتبر پنهان نبوده، اما همچنان نیازمند اهتمام بیشتر و برنامه ریزی شده تری است.

۴. در غیاب برنامه های آموزش همگانی موثر، فراگیر و نظام مندی که متکی بر اصول پذیرفته شده دانش و علوم دانشگاهی باشد، کتاب های مستند به اصول علمی و معتبر، نقش موثری در رشد آگاهی ها و آموزش های صحیح به عامه مردم خواهند داشت. با این منطق، می توان فهرست بلندی از حوزه هایی را یافت که تاکنون هم کمتر بدان ها پرداخته شده و هم از نیازمندی های اصلی مردم کشور ما هستند؛ از پزشکی و روان شناسی گرفته تا آموزش های رفتار مدنی، رفتار شهروندی، آداب اجتماعی و بسیاری افرادی که بایک بیماری، اختلال، معضل یا حتی گرفتاری ذهنی ریشه دار مواجه اند اما به دلیل اطلاع نداشتن از منابع معتبر مکتوب (یا غیر مکتوب) برای درمان یا حل مشکل خود، هم راه های بی فایده زیادی را با صرف هزینه های فراوان طی می کنند و هم با بر طرف نشدن ریشه ای مسئله خود، پدید آورنده تبعات بعضا سنگین دیگری می شوند.

۵. کتاب های کم حجم، کوچک و ارزان پزشکی از آن دست کتاب هایی اند که راهگشای بسیاری از افراد در به دست آوردن اطلاعات جامع و موثق خواهند بود. این افراد می توانند ضمن مطالعه آنها، هم آگاهی های خوب و ارزشمندی درباره بیماری خود به دست آورند، هم راه صحیح درمان را با مراجعه به پزشک مربوط براساس راهنمایی های کتاب ببینند و از ریشه دار شدن آن نیز جلوگیری کنند.

۶. کتاب «پارکینسون» از آن دست کتاب هایی است که در حجمی نه چندان بزرگ، اطلاعات مستند پزشکی و کارشناسانه ای را از چندین متخصص به دست می دهد و از همه مهم تر، تفاوت این بیماری را با نشانگان مشابه پارکینسون شرح می دهد. تاکید نویسندگان کتاب بر شناخت درست و اصولی بیماری، انواع آن، روش های دارویی و غیر دارویی درمان و درمان های کمکی از نکات برجسته کتاب است. تداوم انتشار این قبیل کتاب ها، نقش مهمی در پیشگیری از هزینه های غیر مفید و گزاف درمانی خواهد داشت.



ضرورت آشنایی کودکان با میراث فرهنگی ایران زمین

# بزرگترها مقدم اند

علاقه مند شدند، او می گوید: «برای آشنا کردن این گروه سنی با جاذبه های گوناگون تاریخی و فرهنگی، وجود یک عزم ملی و فرهنگ سازی جدی لازم است و گرنه چرا کودکان نباید شهر و دیار خود را بشناسند و با زبان، فرهنگ، آداب و رسوم خود آشنا نباشند.»

### شناخت دنیای کودکان

«بی گمان با کودکان باید به زبان آنها سخن گفت و کسانی که می خواهند این گروه سنی را با میراث فرهنگی و صنایع دستی شان آشنا کنند، باید علاوه بر شناخت ذهن و زبان بچه ها، فرهنگ و پیشینه تاریخی این سرزمین را هم بشناسند.»

محمدرضا شمس، نویسنده کودک و نوجوان، علاوه بر بیان این مطلب، انتشار کتاب در زمینه میراث فرهنگی و صنایع دستی را در آشنا کردن کودکان با پیشینه تاریخی و فرهنگی شان، موثر می داند و علت کم توجهی نویسندگان به این مقوله را وجود موضوعات گوناگون درباره این گروه سنی می داند و می گوید: «اگرچه ادبیات کودک ماهمچنان ناپاست و هنوز دوران کودکی خود را پشت سر نگذاشته اما فراموش نکنیم که پرداختن به میراث فرهنگی، تنها توجه به بناها و اشیای تاریخی نیست چرا که افسانه ها و ترانه های عامیانه نیز در شمار میراث معنوی ما هستند و منبع عظیمی برای نویسندگان بزرگ دنیا به شمار می آیند.»

نویسنده کتاب «من، زن بابا، دماغ بابام» برای باور است که «بزرگترها بیشتر از بچه ها به شناخت میراث فرهنگی و ارزش آن نیاز دارند، زیرا این بچه ها نیستند که به آثار تاریخی آسیب می رسانند، بلکه بزرگترها هستند که با رفتار بدشان موجب تخریب بناهای تاریخی می شوند!»

شمس معتقد است: «کودکان باید خود را بخشی از طبیعت بدانند و به این حقیقت دست پیدا کنند که همه اشیا و پدیده های پیرامونشان، زنده و جاندارند و آسیب به آنها، صدمه به خودشان است.»

گردآورنده افسانه های ایران و جهان، اخلاق را آموختنی و اکتسابی می داند و می گوید: «هیچ کس به طور فطری، اخلاقی آفریده نشده و انسان، طبیعت، میراث تاریخی و طبیعی را از اطرافیان خود فرارنگرفته است از این رو اگر صفات انسانی را به کودکان بیاموزیم و آنان را به طی کردن این مسیر تشویق کنیم، همچنین به تولید صنایع دستی کاربردی و نه تزئینی روی آوریم، کام مثبتی برداشته و به پاسداشت ارزش های فرهنگی خود پرداخته ایم.»

شمس، توجه به افسانه و ادبیات عامیانه را ضروری می داند و معتقد است: «ادبیات تخیلی، ذهن کودکان را پرورش می دهد و به آنها کمک می کند تا در جهانی به موازات این جهان، که همان دنیای تخیل است، به آرزوهای خود برسند، از این رو، فانتزی برای آشنا کردن آنها با میراث فرهنگی و تاریخی لازم و درخور است.»

اوبه ضرورت بازآفرینی و نوکردن افسانه ها و ترانه های عامیانه که بخش مهمی از میراث معنوی ما را تشکیل می دهند، اشاره می کند و می گوید: «اگرچه کودک امروز، بسیار متفاوت با گذشته است، اما ویژگی های فطری او بدون تغییر باقی مانده است، بنابراین نویسندگان از یک سو باید این میراث معنوی بشر را به روز کنند و با نیاز کودک امروز تطبیق دهند و از سوی دیگر، مسئولان سازمان میراث فرهنگی و دیگر نهادهای مرتبط نیز باید به ثبت و ضبط و مستندنگاری این ارزش ها بپردازند.»



### آشتی بزرگترها با میراث فرهنگی

«هویت از عناصر و مولفه های گوناگونی تشکیل شده و فرهنگ، بخش عمده ای از آن را دربر می گیرد. میراث فرهنگی به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می شود؛ آثار و بناهای تاریخی در شمار میراث مادی و افسانه ها، مثل ها، ضرب المثل ها و قصه ها در دسته میراث معنوی جای می گیرند. صنایع دستی، هر دو ویژگی را شامل می شود به این معنی که هم می توان آن را دید و لمس کرد و هم به عشقی که در ذره اش به کار رفته اندیشید.»

محمد فرهنگدیان، کارشناس بازنشسته طرح و برنامه وزارت آموزش و پرورش و یکی از مولفان کتاب های درسی، چنین عقیده ای دارد.

او انتشار کتاب هایی در زمینه میراث فرهنگی را شدنی اما دشوار می داند و می گوید: «کسانی می توانند به انتشار کتاب در این زمینه بپردازند که هم با جاذبه های مختلف تاریخی و طبیعی آشنا باشند و جغرافیا و پیشینه این سرزمین را به خوبی بشناسند و هم ذهن و زبان بچه ها را بدانند. به همین دلیل، پیش از انتشار این گونه کتاب ها برای بچه ها باید به آموزش نویسندگان و معلمان توجه کرد.»

فرهنگدیان به نقش موثر خانواده ها و آموزش و پرورش در آشنا کردن کودکان با میراث فرهنگی و صنایع دستی اشاره می کند و بر این باور است: «ریشه های فرهنگی و عناصر هویتی بچه ها در خانواده شکل می گیرد، پدر و مادری که برای فرزند خود قصه می گوید یا در گفتار خود از ضرب المثل های فارسی استفاده می کند، آگاهانه یا ناآگاهانه، فرهنگ ریشه دار خود را به نسل بعد انتقال می دهد. آموزش و پرورش هم نقش موثری در این زمینه دارد و با روش های گوناگون می تواند کودکان را با میراث فرهنگی خود آشنا کند.»

فرهنگدیان کتاب های درسی را یکی از بهترین و مهم ترین ابزارها برای انتقال دانش و فرهنگ برمی شمرد و معتقد است: «نویسندگان کتاب های درسی می توانند با زبانی غیرمستقیم و در قالب های گوناگونی چون شعر، قصه و داستان، کودکان را با مولفه های فرهنگی خود آشنا کنند و هنرهای سنتی را که در جای جای ایران وجود دارد، به آنها نشان دهند. البته از کنار رسانه و زبان تاثیرگذاری چون سینما و تلویزیون هم نمی توان به راحتی گذشت. بسیاری از افراد با دیدن فیلم «گبه» به این هنر سنتی

هزاران سال زندگی مادی و معنوی نیاکان ما، هزاران میراث مادی و معنوی برایمان به یادگار گذاشته است. از بناها و محوطه های تاریخی چون تخت جمشید و پاسارگاد گرفته تا ترانه ها، افسانه های عامیانه، قصه ها و لالایی ها. و در این میان، چگونگی می توان آن چیزی را که مردان و زنان عاشق این دیار با سرانگشتان هنرمند خود آفریده اند، فراموش کرد؟ هر سال، روزی و هفته ای را به گرامیداشت این میراث کهن می گذرانیم و هر سال، ماهها و روزها را به دور شدن بیشتر از ریشه های خود به غفلت وامی گذاریم، بدون آن که قدر و ارزش میراث فرهنگی خود را بشناسیم و آن را به کودکان خود نیز بشناسانیم.

فریبرز دولت آبادی، معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ایرانیان را مردم متمدنی می داند و بر این باور است که این تمدن سابقه دار، بدون شک، ما به ازاهای فرهنگی خود را داشته و دارد. آنچه گاه جنبه مادی و ملموس دارند، چون بناها و محوطه های تاریخی و حتی صنایع دستی و گاهی غیرملموس بوده اند، نظیر شعر، ادبیات و موسیقی، در شمار میراث معنوی ما به شمار می روند.

وی معتقد است: «اگرچه میراث فرهنگی ما غنی است و به راحتی از بین نمی رود چرا که مردم ما با این ارزش ها خو گرفته و به آن دل بسته اند و خود در نگهداری آن می کوشند اما پرداختن به این یادگار ارزشمند، عزمی ملی را می طلبد که اگرچه سازمان میراث فرهنگی، متولی آن است اما به همکاری مدام سازمان هایی چون آموزش و پرورش، صدا و سیما و دیگر نهادهای مرتبط نیاز دارد تا کودکان را با پیشینه تاریخی و فرهنگی شان آشنا کند.»

دولت آبادی معتقد است: «بسیاری از بچه ها به کمک کتاب های درسی، دنیای پیرامون خود را می شناسند و با آداب و رسوم و پیشینه خود آشنا می شوند، از این رو بهتر است کسانی که ذهن و زبان کودکان را می شناسند به زبانی شیرین کودکان را با میراث فرهنگی خود آشنا کنند یا تصویرگران، صنایع دستی مختلفی را که در گوشه و کنار سرزمینشان وجود دارد چون قالی، گلیم، گبه، ظروف سفالی، فیروزه کاری و... در کتاب های باورند و به بچه ها نشان دهند.»

حسین جعفری، معاون فرهنگی سازمان میراث است و انتشار کتاب با موضوعات مرتبط با میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، یکی از وظایف اوست. او آموزش حفظ و معرفی میراث فرهنگی به کودکان را یکی از روش های موثر در تقویت هویت ملی می داند و می گوید: «کودکان را علاوه بر کتاب از طریق رسانه ها، به ویژه تلویزیون نیز می توان با میراث فرهنگی و گذشته شان آشنا کرد و این یکی از وظایف معاونت فرهنگی سازمان است، اما همه این موارد به تاملین بودجه وابسته است.»

اگرچه در سال های اخیر، کتابی برای کودکان از سوی معاونت فرهنگی سازمان میراث فرهنگی منتشر نشده ولی برخلاف گفته حسین جعفری که می گوید تاکنون کتابی برای این گروه سنی منتشر نشده، در دهه ۱۳۸۰ آثاری برای بچه ها و به همت انجمن دوستداران یادگارهای فرهنگی انتشار یافت تا در قالب قصه، کودکان را با موزه های شاخص، چون موزه ملی آشنا کنند.



گزارشی از فعالیت‌های انتشارات موزه عبرت و وقایع نگاری از روزهای اسارت

# ورق ورق تا مرز مرگ



چند قدم مانده به میدان تویخانه اینجا ساختمان توقیف خانه است؛ همان کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی دوران شاه. اینجا اگر گوش بخوابانی، تاریخ به هزار زبان سخن می‌گوید، هزاران مرد و زن مبارز با اندیشه‌های انقلابی مختلف در این ساختمان با ۹۰ شیوه پیشرفته شکنجه تا مرز مرگ پیش رفته‌اند و خیلی‌هاشان هم از این مرز گذشته‌اند. این روزها اینجا موزه عبرت است و علاوه بر موزه، کتاب‌هایی را هم با مضمون خاطرات زندانیان آن سال‌ها منتشر می‌کنند.

درباره کتاب‌های منتشر شده در این مرکز با مدیر این موزه، قاسم حسن پور گفت و گوی کوتاهی انجام داده‌ایم.

## برگ برگ کتاب از خشت خشت زندان

می‌گویند ملتی که گذشته خود را فراموش کند، آینده را نخواهد دید. موزه عبرت جایی است برای یادآوری گذشته. درست از زمانی که این موزه تاسیس شد و کسانی به تماشای آن آمدند که در جست‌وجوی انعکاس صدای خود و هم‌زمانشان بودند و به بیان خاطرات خود در موزه پرداختند، فصل تازه‌ای در تدوین تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی گشوده شد، گروه‌های پژوهشی در موزه شکل گرفت تا از لایه لایه خشت خشت موزه عبرت برگ برگ تاریخ انقلاب بیرون کشیده شود و حاصل این تلاش تاکنون انتشار شش جلد کتاب مرتبط با مبارزات سیاسی قبل از انقلاب با محوریت زندان، اسارت، شکنجه و پایمردی است.

قاسم حسن پور، مدیر موزه عبرت که از بدو تاسیس تاکنون در این مرکز فعالیت می‌کند، درباره نخستین جرقه‌های تولید کتاب‌های تاریخ شفاهی می‌گوید: «ما اینجا یک میراث معنوی داریم و همه این دغدغه‌ها را داشتیم که این میراث معنوی که مشتمل بر خاطرات زندانیان سیاسی قبل از انقلاب و نمای سازمانی، نحوه شکل‌گیری ساواک و کمیته امنیت و فعالیت‌های آن است، به گونه‌ای در قالب کتاب و سایر ابزارهای رسانه‌ای منتشر شود. این کار با انتشار «یادداشت‌های زندان» آغاز شد و حالا به «تاریک روشن» و «سپیده سحر» رسیده است.»

از میان این مجموعه کتاب‌ها، سه اثر تاریخ شفاهی است؛ «از دانشگاه تهران تا شکنجه گاه ساواک»، «آن روزهای نامهربان» و «تاریک روشن».

معمولاً قشر جدی کتابخوان در مواجهه با یک اثر تاریخ شفاهی در مستند بودن آن تردید می‌کند چه در این کتاب‌ها نه سند مکتوبی هست نه شهادتی و گواهی.

با این همه روایت این کتاب‌ها چنان صادقانه و

صمیمی است که مخاطب بی‌اختیار محتوایش را می‌پذیرد.

حسن پور درباره تطبیق و راستی آزمایی محتوای این کتاب‌ها می‌گوید: «راویان این کتاب‌ها ابتدا با تواضع ویژه‌ای از روایت آنچه بر ایشان رفته است، خودداری می‌کردند. با این همه هنگام روایت خاطرات خود اسناد زیادی را ارائه کرده‌اند ضمن آن که مولفان نیز گفته‌های ایشان را با اسناد موجود در پرونده‌ها مطابقت داده‌اند و تا آنجا که مقدور بوده، از انحراف تاریخی جلوگیری کرده‌اند. شاید به همین دلیل است که موزه عبرت کتاب‌های اندکی را در این چند سال منتشر کرده. البته باید بگویم از مجموع این شش کتاب سه کتاب نیز تحقیقی و مبتنی بر اسناد و مدارک غیر قابل انکار است.»

## تعلق خاطر به واقعیت

کتاب‌های انتشارات موزه عبرت در مدت کوتاهی توانسته است جای خود را در میان قشر کتابخوان و علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب اسلامی باز کند. طی دو سال شرکت پیاپی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، آثار ارائه شده از سوی این انتشاراتی با استقبال فزاینده مخاطبان روبه‌رو شده است، تا آنجا که کتاب «شکنجه گران می‌گویند» (اعترافات شکنجه‌گران عصر پهلوی) به چاپ پنجم نیز رسیده است و بقیه کتاب‌ها نیز دومین چاپ خود را پشت سر گذاشته‌اند. قاسم حسن پور در توضیح دلایل این استقبال می‌گوید: «یکی از دلایل این موضوع، وسواسی است که نویسندگان و پژوهشگران در واقع‌نمایی تاریخ انقلاب داشته‌اند تا آنجا که برای تدوین کتاب

«شکنجه گران می‌گویند» گفته‌ها و اعترافات دژخیمان رژیم پهلوی در هنگام محاکمه را بانوشته‌ها و نقدهای روزنامه‌های آن دوران و اعترافات دیگر سران رژیم و اسناد موجود مطابقت داده‌اند تا خالی از هرگونه شبهه و تاریخ‌سازی نباشد. از سوی دیگر ما در انتخاب سوژه‌های تحقیقی و پژوهشی به هیچ وجه ملاحظات سیاسی نداشتیم و دایره تحقیق و تاریخ‌نگاری ما تمام کسانی را که در این ساختمان زندانی بودند. حتی برای چند ساعت. دربرمی‌گیرد. تعلق خاطر ما تنها به واقعیت است، نه به اشخاص و جناح‌ها. به همین دلیل نام و مشخصات تمام کسانی که به عنوان متهم وارد این ساختمان شده‌اند، روی یک پلاک حک شده است. بنابراین در تدوین منابع تاریخی هم مطلبی را سانسور نکرده‌ایم یا از قلم نینداخته‌ایم. البته برای قبول‌اندن این ایده با مشکلاتی نیز مواجه بوده‌ایم و تلاش بسیاری کرده‌ایم و نگرش آزادمنشانه جمهوری اسلامی نیز به تحقق این ایده کمک کرده است.»

## هشت هزار نام بر جلد و جدار زندان

اکنون سازمان‌های انتشاراتی مختلفی دست‌اندرکار تولید و تدوین کتاب‌هایی با موضوع تاریخ انقلاب هستند؛ از انتشارات سوره مهر که پیش‌از این عرصه است تا مرکز اسناد انقلاب اسلامی با توان فراوان در این حوزه کار می‌کنند.

تعامل انتشارات موزه عبرت با این سازمان‌ها موضوعی است که مدیر موزه به آن می‌پردازد و می‌گوید: «تاکید ما در تولید منابع تاریخی انقلاب بر زندان و شکنجه است. ممکن است سایر ناشران نیز در حوزه تاریخ انقلاب کار کنند، اما ما کار آنها را تکرار نمی‌کنیم و بیشتر گرایش ما به اتفاقاتی است که در کمیته مشترک رخ داده است. هنوز خیلی از مسائل وجود دارد که به آنها نپرداخته‌ایم و هر چه پیش می‌رویم، درهای تازه‌ای از این زندان گشوده می‌شود. اینجا نام هشت هزار نفر ثبت شده و بخشی از تاریخ انقلاب در این ساختمان رقم خورده است.»

## اقتصاد کتاب فراموش نمی‌شود

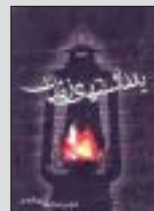
نکته‌ای که در انتشارات موزه عبرت جالب توجه است، این که برای هیات مدیره این انتشارات تولید کتابی که بتواند مخاطب را جلب کند و او با اشتیاق بپذیرد که برای کتاب هزینه کند، یک اصل به حساب می‌آید. به همین دلیل، رویکرد این انتشارات در ماه‌های اخیر تولید کتاب‌هایی بوده که به صورت موضوعی به مبارزات انقلابی پرداخته‌اند و مسلماً در آینده نزدیک باید منتظر انتشار کتاب‌هایی با موضوع «شعر در زندان»، «ورزش در زندان»، «فرهنگ اصطلاحات زندان» و... از سوی این انتشارات باشیم.

زندانی در موزه عبرت به بیان خاطرات خود پرداخته‌اند. این کتاب نیز در سال ۱۳۸۵ با عنوان «آن روزهای نامهربان» منتشر شده است.

جلال رفیع از زندانیان فرهیخته سیاسی در کمیته مشترک ضد خرابکاری نیز در گفت‌وگو با برادرش رضا رفیع به بیان خاطرات خود از روزهای زندان پرداخته است. این کتاب با عنوان «از دانشگاه تهران تا شکنجه گاه ساواک» نیز در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است.

شاید یکی از خواندنی‌ترین کتاب‌های این مجموعه «سپیده سحر» باشد. این کتاب مجموعه‌ای است از شعرهایی که زندانیان در زندان‌های مخوف ستم‌شاهی زمزمه می‌کردند یا خود می‌سرودند. محمود رضویان از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب است که این سروده‌ها را در دوران اسارت یادداشت کرده و به انتشارات موزه عبرت سپرده است.

کتاب «تاریک روشن» نیز یکی دیگر از آثار این ناشر است که امسال در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد. این کتاب در حوزه تاریخ شفاهی به نقل خاطرات علمی دانش‌پژوه، هادی غفاری و محمد مهر آیین می‌پردازد.



## دنیایی از درد در ۶ کتاب

چهاردهم خرداد سال ۱۳۴۲ است و رژیم پهلوی جمعی از روحانیان مبارز موثر را بازداشت می‌کند و به کمیته مشترک ضد خرابکاری می‌آورد. آقایان غفاری، فلسفی، مطهری، مکارم شیرازی و ۶۶ نفر دیگر، هم‌زمان در این کمیته بازداشت‌اند و هر یک شروع به نوشتن می‌کنند. این نوشته‌ها هنگام آزادی ضبط و ضمیمه پرونده آنها می‌شود. کتاب «یادداشت‌های زندان» حاوی ۱۵۵ یادداشت از علمای زندانی براساس همین دستنوشته‌ها جمع‌آوری شده و در سال ۱۳۸۲ از سوی انتشارات موزه عبرت چاپ و منتشر شده است.

کتاب «شکنجه گران می‌گویند» نوشته قاسم حسن پور نیز مجموعه‌ای است مشتمل بر اعترافات دژخیمان پهلوی و اسناد مربوط به شیوه‌های شکنجه در موزه عبرت که در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است. همچنین فاطمه جلالوند نیز کتابی را به همت این انتشارات منتشر کرده است که در آن ده تن از زنان مبارز



## اینجا، شکنجه

### کسب و کار بوده است

سال ۱۳۵۷ در تب و تاب پیروزی انقلاب اسلامی، دیگر نمی‌شد خیلی چیزها را پنهان کرد. خروش عمومی مردم علیه ظلم، دکور فریبنده نظام فاسد سیاسی را در هم شکسته بود و از پشت این ماکت متلاشی شده، پنهان و پیدای استبداد هویدا شده بود. آن وقت دیگر همه مردم می‌دانستند که ساختمان کمیته مشترک ضد خرابکاری چیست و کجاست. حالا که پس از ۳۰ سال برای بازدید به موزه عبرت می‌روی انگار با کتاب گشوده تاریخ روبه‌رو می‌شوی. حالا ظاهر آجری ساختمان، با آن محیط دوار و حجره‌های آهن‌پوش تنها یک بنای تاریخی نیست؛ بلکه به تجسم عینی جنایت و مهم‌ترین و کتمان‌ناپذیرترین سند تاریخی در دوره معاصر تبدیل شده است، نام‌ها و نشانه‌ها هر یک چشم‌انداز تجربه‌ای در دل تاریخ را می‌گشاید و از کنار مجسمه‌هایی که صدای فریادشان را نمی‌توان نشنیده گرفت عبور می‌کنی و کارشناس موزه به تو می‌گوید اینجا غرفه‌ای است که اسناد ویژه‌ای در آن نگهداری می‌شود. اسنادی که به رسوایی شاه‌آخر ایران دلالت می‌کند. تازه اینجاست که اهمیت این فضای فیزیکی بیشتر برایت روشن می‌شود. اسناد و بناها می‌توانند آینه حقیقت تاریخ باشند اگر دستی به درایت غبار سال‌ها را از صفحه‌شان بزداید. محمدرضا شاه پهلوی که همواره با تظاهر و پابندی پوشالی به حقوق بشر و مخالفت با اعمال غیر انسانی برای حفظ ارکان سلطنت از همه جریان‌های ددمنشانه زندان‌های مخوف ساواک اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد، حالا اگر هم زنده بود نمی‌توانست مقابل این همه اسناد که ردپای پاک نشدنی او را نمایان می‌کند از خود دفاع کند. آثار تاریخی و اسناد و مدارک به دست آمده از گذشته که تنها بخشی از آن در موزه عبرت دیده می‌شود دستمایه بسیار غنی و پرمحتوایی برای تولید کتاب‌های حوزه تاریخ معاصر است. از این منظر، اهتمام انتشارات موزه عبرت در گردآوری، تفحص و جست‌وجو در این اسناد و تبدیل آنها به کتاب تلاش از زنده‌ای است؛ چرا که مخاطب کتاب در هر گوشه‌ای از دنیا می‌تواند موزه عبرت را با تمام اسرار پنهان این جغرافیای مخوف و رازهای نهفته در سینه زندانیان عصر پهلوی که در کلمه کلمه کتاب‌های انتشارات موزه عبرت لمس کند. گذشته از آن که بعید نیست پژوهشگران و مورخان در شیوه تولید برخی از این کتاب‌ها و روش‌های تحقیق آن ایرادهای کارشناسانه‌ای هم وارد بدانند، اما استفاده از ظرفیت‌های تاریخی برای توسعه و رشد تولید کتاب و کتابخوانی در این عرصه جای تقدیر دارد.

از جمله فواید مکتوب کردن خاطرات زندانیان در بند در این مکان، این است که اولاً افراد با خواندن چنین خاطراتی، علاوه بر پی بردن به رنج‌هایی که بسیاری از افراد برای به ثمر نشستن نهال انقلاب تحمل کردند و جنایت‌هایی که رژیم طاغوت در مقابله با آنها انجام داد، با ذهنی آماده به سراغ موزه عبرت می‌آیند تا دیدار آنها از این موزه تاریخی، تنها به دیدن یک مکان و شنیدن سخنان هرچند دقیق مسئولان آنجا محدود نشود، بلکه با دیدار از این موزه، لحظه به لحظه آن خاطرات در ذهنشان زنده شود. شاید کمی سخت باشد، اما باید بدانیم و امدار چه کسانی هستیم.



## تئاتر ملی، نمایش ملی

جای تاسف است که ماحتی در جامعه علمی مان با نوعی عوام زدگی روبه رو هستیم. نمی دانم اصطلاح نادرست «تئاتر ملی» را چه کسی باب کرده است اما از این متعجبم که افراد بسیاری، مدام بدون فکر، آن را تکرار می کنند. گویی همه هنرمندان یا صاحب نظران تئاتر مجبورند با این اصطلاح جمله سازی کنند. تئاتر یک واژه غربی است که از اساس با اندیشه و فرهنگ غرب درآمیخته است. تئاتر، اساساً دراماتیک است، در حالی که در هیچ یک از نمایش های ایرانی اثری از درام و کنش نمایشی دیده نمی شود. اصطلاح تئاتر ملی ایران، مانند عرفان ایالات متحده آمریکاست! حال آن که در آمریکا، عرفانی وجود ندارد. این پدیده، متعلق به دیگر حوزه های تمدنی است. تئاتر ایرانی نیز مانند عرفان آمریکایی وجود ندارد. در این میان برخی با عنوان تئاتر ملی تلاش می کنند ویژگی های درام یونانی را بر نمایش های ایرانی تحمیل کنند و مثلاً بگویند ما در تئاتر ایرانی درام، همارتیا یا شخصیت داشته ایم. آنها بر این تصورند که با این کار برای نمایش ایرانی آبرویی دست و پا کرده یا آن را حائز ارزش می کنند. فارغ از این که همین برخوردها، سبب کج فهمی از نمایش ایرانی و در طول زمان، از میان رفتن هرگونه دانش نسبت به نمایش های ایرانی می شود. این دسته از صاحب نظران، به جای اتکا به بستر فکری فرهنگی ایرانی و بررسی پژوهشگرانه نمایش ایرانی از منظر غربی، هرگونه نمایشی را تحلیل می کنند و چنانچه اشاره کردم، در واقع در پی تحمیل ارزش های تئاتر غربی به نمایش های ایرانی اند. چنین ارزش هایی با نمایش ایرانی منطبق نمی شوند. اگر از منظر غربی نمایش ایرانی را تحلیل کنیم، با هایتی ناسازه روبه رو خواهیم شد؛ از این روست که دانشجویان هنرهای نمایشی، نسبت به نمایش های ایرانی خوش بین نبوده و تصور می کنند این نمایش ها از هیچ نظام منسجمی برخوردار نیستند.



چنین برخورد هایی با تعزیه صورت گرفته است و سبب شده تانشانه ها و قواعد تعزیه کاملاً مخلدوش شوند و در نهایت، ما با چیزی روبه رو می شویم که نه تعزیه است و نه تئاتر.

از دیگر سو، در حوزه نمایش های ایرانی هیچ پژوهش محکم، استوار و دقیقی وجود ندارد. من، گاهی با پایان نامه هایی برخورد می کنم که هیچ یک از اصول روش تحقیق را رعایت نکرده اند. حتی بیرون از دانشگاه وقتی با کتاب های بزرگ ترین اسطوره های نمایش معاصر روبه رو می شویم، می بینیم که آثارشان - به رغم ارزشمند بودن - از یک روش تحقیق منسجم برخوردار نیست. بسیاری از بخش های کتابی چون «نمایش در ایران» بهرام بیضایی نیز متکی به نقل قول هاست. گرچه در مواردی حرجی هم به این پژوهشگران وارد نیست چرا که در طول تاریخ ما بسیاری از مورخ الدوله ها به جای توجه و عنایت به تاریخ اجتماعی و ابعاد فرهنگی جامعه، تنها مشغول دربار بوده اند. به این ترتیب، ما از بسیاری از نمایش های ایرانی هیچ سندی در دست نداریم و پژوهشگران ما هم هنگام تحقیق، مجبورند به منابع نه چندان استوار تکیه کنند.



یکی از مهم ترین نهادهایی که به طور ساختاری با حوزه کتاب و نشر ارتباط دارد، دانشگاه است و از همین رو دانشگاهیان، دانشجویان و استادان، همیشه از کیفیت و کمیت کتاب در هر حوزه ای متأثرند و بنابر جایگاه شغلی خود، با کتاب های حوزه تخصصی شان آشنایی دارند. به این منظور و برای سنجیدن فضای کتاب های حوزه نمایش، سراغ مدیر گروه تئاتر دانشکده سینما - تئاتر رفتیم و به بررسی آثار نمایشی در سه حوزه نظریه، نمایشنامه و نقد پرداختیم. دکتر اسماعیل شفیعی که تحصیلات خود را در رشته تئاتر در دانشگاه مسکو به پایان برده، اکنون علاوه بر تدریس در دانشگاه هنر، در حوزه کارگردانی نیز فعال است.

## در گفت و گو با مدیر گروه تئاتر دانشگاه هنر عنوان شد

# کمبود جدی آثار تألیفی در حوزه نمایش



برخی از استادان دانشگاه از میزان کتاب هایی که در حوزه نمایش منتشر می شود، راضی نیستند. نظر شما راجع به تعداد عناوین کتاب های حوزه تئاتر چیست؟ برخی ناشران از چند سال پیش حرکت قابل توجهی را در زمینه انتشار کتاب های حوزه تئاتر آغاز کرده اند و موجب تحولی در این حوزه شده اند. انتشارات قطره، نمایش، افراز، نیلا، تجربه و چند ناشر دیگر بیشترین هم و غم خود را روی چاپ آثار یادگذاشته اند که به نوعی با حوزه هنرهای نمایشی مرتبط است. به عنوان مثال، انتشارات قطره یک تیم تخصصی و یک هیأت علمی به سرپرستی دکتر قطب الدین صادقی تشکیل داده که این هیأت علمی، نیازهای تئوریک ما در حوزه تئاتر را شناسایی و برای رفع آنها آثاری را منتشر می کند اما با توجه به میزان فارغ التحصیلان ما در حوزه تئاتر - که اکنون به رقم ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ نفر رسیده - و با عنایت به پیشرفت های بسیار سریع در عرصه هنرهای نمایشی، کتاب هایی که در حوزه نمایش منتشر می شوند، بسیار اندک اند. مدت هاست که پست مدرنیسم با تئاتر دیجیتال در تئاتر دنیا مطرح شده اما ما در این زمینه ها، کتاب نداریم یا آثار بسیار اندکی در این زمینه ها وارد بازار شده اند.

### کیفیت کتاب هایی را که منتشر می شوند، چگونه ارزیابی می کنید؟

اجازه دهید در وهله اول به این نکته اشاره کنم که بیشتر آثاری که در عرصه نمایش در ویرتین کتابفروشی ها دیده می شوند، آثار ترجمه ای هستند. به این ترتیب در زمینه آثار تألیفی به شدت ضعف داریم. از دیگر سو، بسیاری از همان آثار ترجمه ای - چه در حوزه نظری و چه در حیطه نمایشنامه - ضعف ها و حتی خطاهای فاحشی دارند، چرا که بسیاری از مترجمانی که در حوزه نمایش کار می کنند، تخصص تئاتری ندارند و بر حسب علاقه یا دلایل دیگری نمایشنامه یا آثار نظری در حوزه تئاتر را ترجمه می کنند. چندی پیش، با یک نمایشنامه ترجمه ای روبه رو شدم که اصل آن را به زبان روسی خوانده بودم و واقعا از اشتباهات مترجم متعجب شدم. مسیری که قهرمان نمایشنامه ترجمه شده در روند داستان طی می کرد، کاملاً با نمایشنامه اصلی متفاوت بود.

### آیا این ضعف ها به تدریس تئاتر در دانشگاه آسیب نمی زند؟

مشخص است که نمی توان بدون کتاب هایی وزین و درخور، انتظار شکل گیری یک نظام آموزشی استاندارد را داشت؛ به همین دلیل، ضعف در تولید کتاب های نمایشی، تأثیری مستقیم بر ضعف آموزش این رشته دارد و دانشگاه نمی تواند از این کاستی هابرحذر بماند. علم به زمینه های اجتماعی وابسته نیست، به این معنا که ترجمه یا واردات علم، به دلیل عدم وابستگی های فرهنگی کم خطر تر از ترجمه یا واردات هنر است. از دیگر سو، بنا به گفته شما، بیشتر آثار ما در زمینه تئاتر ترجمه اند و این امر چندان مطلوب به نظر نمی آید. شما این تقابل را چگونه می بینید؟

البته من چندان از ترجمه، به شرط آن که درست انجام شود، نگران نیستم؛ چرا که تئاتر علاوه بر وجه هنری، رویه ای علمی و پژوهشی هم دارد و در این باره وابستگی های فرهنگی که به آن اشاره کردید چندان پررنگ نیستند. از این گذشته، ترجمه آثاری که هنر محض هستند باعث تعامل و آشنایی مابا دیگر فرهنگ ها می شود. به اعتقاد من این هم نگران کننده نیست. اما بیان این مسائل به معنی مطلوب بودن شرایط نیست.

نگرانی وقتی به وجود می آید که می بینیم فرآیند ترجمه کاملاً یک طرفه است یعنی ما چیزی برای ارائه به جهان تولید نمی کنیم و این در حالی است که در روزگاری، ما صادرات فرهنگی داشته ایم. حافظ یکی از شاعران بزرگ ما برای بزرگ ترین شاعر آلمان، گوته، الهام بخش بوده و بر او تأثیر گذاشته است اما اکنون کدام شاعر، نمایشنامه نویسی یا داستان نویسی ما چنان تأثیری عمیق و گسترده بر فرهنگ غرب دارد؟ منظور این است که ترجمه وقتی نگران کننده است که فرآیندی دوسویه نباشد و در حال حاضر، باید تمام تلاش و برنامه های ما معطوف به تولید و تالیف آثاری در حوزه نمایش و ترجمه آنها به دیگر زبان ها شود.

### آیا کتاب های موجود در حوزه تئاتر که در حوزه تئاتر، به وجوه عملی تئاتر هم نزدیک اند، یا تنها به طرح مباحث نظری محض می پردازند؟

پاسخ به این پرسش را از نقطه ای دیگر آغاز می کنم. در کشور ما تعریف و خط و مرز مشخصی میان دانشگاه و آکادمی وجود ندارد. آکادمی در دیگر کشورها محل آموزش هنر است و فارغ التحصیلان آن هنر مندند. آکادمی کارگردان و بازیگر تربیت می کند و دانشگاه وظیفه اش، تربیت کارشناس هنر است ولی ما دانشگاه هایی داریم که کار آکادمی را هم انجام می دهند یعنی مثلاً کارگردان و بازیگر تربیت می کنند. کتاب هایی هم که در حوزه تئاتر چاپ می شوند، کتاب هایی دانشگاهی اند یعنی تنها به مسائل نظری می پردازند فارغ از این قضیه که دانشگاه ها تنها به کتاب های نظری احتیاج ندارد؛ بلکه آثاری که به وجوه عملی تئاتر هم بپردازند، مورد نیاز دانشگاه هاست. در بسیاری از کشورها، ابتدا دانشجویان تئاتر در آکادمی دوره کارشناسی را می گذرانند و با وجوه عملی تئاتر کاملاً آشنا می شوند و پس از آن، در دوره کارشناسی ارشد به مطالعه آثار نظری می پردازند و رویکردهای نظری را در حوزه تئاتر بررسی می کنند اما کتاب هایی که در ایران و در حوزه تئاتر منتشر می شوند، اکثر ابرای دوره کارشناسی ارشد مناسبند.

### تعداد نمایشنامه ها در سال گذشته بسیار معدود بود. علت این کمبود چیست؟

علت اصلی ضعف در این زمینه، پایین بودن امکان اجراست. مادر کل کلان شهر تهران با اغماض، هشت سالن مناسب برای اجرای تئاتر داریم، در حالی که در

شهری مانند مسکو که جمعیتی به اندازه تهران دارد ۴۹۰ سالن برای اجرای نمایش وجود دارد. نمایشنامه نویسی نیز با هدف اجرا صورت می گیرد و تا وقتی که ما امکان اجرا برای نمایشنامه ها را بالا نبریم، نمایشنامه نویسی به لحاظ کمی رشد نخواهد کرد.

### نظر شما در مورد کتاب هایی که در حوزه اصول و قواعد نمایشنامه نویسی منتشر می شوند، چیست؟

این نوع کتاب ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد؛ آثاری که به زعم نویسنده چگونه نوشتن را آموزش می دهند و آثار پژوهشی که منعکس کننده تحلیل های محققانه در مورد نمایشنامه اند. به نظر من، آثاری که اصول نمایشنامه نویسی را آموزش می دهند، اساساً در تضاد با ذات هنرند. هنر در ذات خود به دنبال نوآوری و شکستن اصول پیشین است. اما این آثار اصول وقواعدی را بر نمایشنامه نویسی تحمیل می کنند. آثاری هم که با تحلیل نمایشنامه های دیگران به نمایشنامه نویسی کمک می کنند، اندک هستند چرا که ما نمایشنامه نویسان پرکاری نداریم و در نتیجه، آثار تحلیلی نمایشنامه نیز کم نوشته می شوند.

### به نظر شما در زمینه نقد تئاتر چه وضعیتی داریم؟

ما با تئوری های تئاتر بیگانه ایم. هنوز مسئله درام در کشور ما و در میان هنرمندان و تحلیلگران حل نشده است. هر کسی یک برداشت سطحی و ساده از درام به دست می دهد و گمان می کند که همین برداشت برای کارگردانی یا نمایشنامه نویسی کافی است. در چنین شرایطی، نمی توان انتظار داشت که نقد قدرتمندی داشته باشیم. آنچه که امروز با عنوان نقد تئاتر در برخی از مجلات می بینیم بیشتر اظهار نظر است تا یک نقد علمی و منسجم. منتقد، علاوه بر آن که باید اصول هنری را بشناسد، باید دانشی نسبی در زمینه های جامعه شناسی، روان شناسی، تاریخ، سیاست، اخلاق، دین و دیگر زمینه های علوم انسانی نیز داشته باشد. نقد، ترسیم کننده افق کار هنری برای هنرمندان و در نگاه کلی تر برای جامعه هنری است و جامعه ای که نقد فعال نداشته باشد نمی تواند در هیچ عرصه ای، افقی را برای کار هنری تعیین کند. متأسفانه آثاری که به نقد تئاتر می پردازند، رویکردهای دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را منعکس می کنند و کمتر به کتابی در حوزه نقد تئاتر برمیخوریم که نظریه های نقد را در دهه های اخیر مطرح کرده باشند.

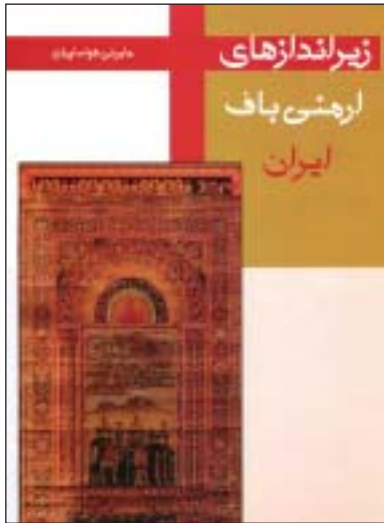


# تار و پود صنایع دستی در کتاب‌ها

مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بر این اساس، سفال و سفالگری در فلات مرکزی ایران از آغاز نوسنگی تا دوران معاصر طی هشت فصل تدوین شده است.

کتاب «منبت کاری» نوشته حمید طوجی (نشر ارمنستان - ۱۳۸۷) و «آموزش معرق کاری» (۱۳۸۷) نوشته دیگری از طوجی و نیز کتاب «کاشی کاری ایران» از انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۵) نیز از کتاب‌هایی هستند که درباره صنایع دستی ایران نگاشته شده‌اند و نمایانگر گوشه‌ای از فعالیت‌های علمی نویسندگان و محققان ایرانی به شمار می‌آیند. یکی از نخستین پژوهش‌هایی که در زمینه هنر نماد مالی صورت گرفته، کتاب «پژوهشی در نمادهای ایران، منطقه گرگان و دشت» نوشته محمود جوادی پور است (انتشارات سازمان میراث فرهنگی و فرهنگستان هنر - ۱۳۸۶). کتاب «نمادهای ایران» به مناسبت برگزاری گردهمایی «گنجینه‌های از یادرفته هنر ایران» منتشر شده است. «فرش‌های کردی کردستان» نوشته شیرین صوراسرافیل (نشر تاریخ ایران ۱۳۸۶) یکی دیگر از کتاب‌های صنایع دستی است که فرش‌های اصیل ایرانی در این کتاب، مجموعه‌ای جذاب و فریبنده را به تصویر می‌کشند.

نویسنده، مهم‌ترین انگیزه از تألیف این کتاب را دو نکته می‌داند؛ نخست آن که مردم کرد که از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین اقوام ایرانی‌اند، امروزه در بسیاری از نقاط این سرزمین پراکنده‌اند و بر فرهنگ و هویت بسیاری از شهرها و روستاها تأثیر گذاشته یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. نکته مهم دیگر این است که در این کتاب، تصویر فرش‌هایی دیده می‌شود که لزوماً کردی نیستند و نقوش و رنگ‌های مناطق دیگر بر آن‌ها مشاهده می‌شود. پژوهشگر، این مسأله را به دلیل زمستان‌های طولانی و عدم استقرار صنایع می‌داند که هر چند مقطعی است ولی پیوندی کهن و باارزش با صنایع و حرفه‌های دستی داشته‌اند. «اطلس صنایع دستی کشور» یکی از دانشنامه‌های شاخصی است که دفتر حفظ و احیای معاونت هنرهای سنتی و صنایع دستی با هدف محافظت از صنایع دستی کشور آن را گردآوری می‌کند. پراکندگی جغرافیایی تولیدات صنایع دستی، صنعتگران و رشته‌های فعال صنایع دستی از موارد قابل ذکر در اطلس صنایع دستی استان‌ها است که در این مجموعه به آن اشاره می‌شود. تاریخچه، محل استقرار، حجم تولید و معرفی مکان‌های تولیدی از دیگر مواردی هستند که در اطلس صنایع دستی درج خواهند شد تا پژوهشگران بتوانند در یک اطلس جامع تاریخچه صنایع دستی را در دسترس داشته باشند. این اطلس به کشور ایران اختصاص دارد و صنایع دستی هر شهر در آن به صورت جداگانه ذکر خواهد شد.



فرانسوی که کتاب‌های بسیاری در زمینه هنر، صنایع دستی و باستان‌شناسی ایران دارد، باورمند است که حدود ده هزار سال پیش، در کوچه‌های بختیاری، افرادی، ضمن پرداختن به شکار و تهیه خوراک، به ساخت ظروف سفالی نیز اشتغال داشته‌اند. این نظریه که بیشتر باستان‌شناسان آغاز صنعت سفال‌سازی را از ایران می‌دانند، درخور توجه است.

«سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر» تألیف سیف‌الله کامبخش (نشر ققنوس) نیز از شمار کتاب‌هایی است که به مبحث سفالگری در ایران می‌پردازد و خواننده را با این رشته از صنایع دستی آشنا می‌سازد. در کتاب «سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر» مراحل تکوینی سفال

هنر اسلامی حوزه هنری چاپ و پخش شده است و شامل یک گفتار و پنج فصل است. این کلیات دربردارنده تعریف شیشه، ساختار شیشه، خصوصیات و ویژگی‌های شیشه است. دکتر یآوری در فصل دوم نگاهی به پیشینه شیشه‌گری در ایران می‌اندازد و در فصل سوم مباحثی مانند بررسی تجهیزات، ابزار کار و مواد اولیه مصرفی و چگونگی ساخت محصولات شیشه‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند. فصل چهارم به انواع محصولات شیشه‌ای دست‌ساز و کارهای تکمیلی روی شیشه اختصاص دارد. فصل پایانی نیز نگاهی به موقعیت کنونی شیشه‌گری در ایران انداخته است.

نویسنده باور دارد که شیشه‌گری، هنوز هم جایگاه بلندی در میان سایر هنرهای دستی دارد و در شهرهایی مانند تهران، میمند، قمصر، شیراز و جهرم از رواج بسزایی برخوردار است. این کتاب که حاصل پژوهش طولانی مدت دکتر حسین یآوری است، همراه با مثال‌ها و تصاویر بر استفاده و سودمندی کتاب می‌افزاید.

کتاب «پیشینه سفال و سفالگری در ایران» نوشته محمدیوسف کیانی (نشر نسیم دانش) هم در این رشته از صنایع دستی قابل ذکر است. در این کتاب به مباحثی درباره سابقه سفالگری در ایران (پیش از تاریخ دوران باستان و دوران اسلامی) و نیز گزینه‌های از سفالینه‌های ادوار گوناگون ایران برمی‌خوریم.

در این کتاب به هنر سفال‌سازی اشاره شده و اینکه این هنر نزد باستان‌شناسان قدر و منزلت خاصی دارد و همین قطعه‌های کوچک سفال که به ظاهر ناچیز به نظر می‌رسند، ما را به زمانه و زندگانی مردم روزگاران کهن می‌رسانند. فن سفال‌سازی در ایران، از ابتدای تمدن تا امروز ادامه یافته و طی این مدت، تغییرات گوناگونی به خود دیده است. رومن گیرشمن؛ باستان‌شناس مشهور

صنایع دستی یکی از میراث‌های کهن فرهنگی بشری است که بایستی توسط اقوام مختلف محافظت شود. یکی از راه‌های ماندگاری این میراث گرانبها گردآوری آثار صنایع دستی در کتاب‌ها و آثار هنری است. به همین دلیل به مناسبت ۲۰ خرداد؛ روز جهانی صنایع دستی، مروری بر کتاب‌های متنوع و جذاب این حرفه کهن داشته‌ایم تا خوانندگان علاقه‌مند را با برخی از کتاب‌هایی که در این زمینه منتشر شده‌اند، بیشتر آشنا کنیم.

بنابر مستندات تاریخی، صنایع دستی ایران پیشینه‌ای قریب به ۹ هزار سال دارد. از سویی دیگر نزد هنرمندان ایرانی، این صنعت، همواره شیوه‌ای از آداب و معانی ویژه‌ای وجود داشته است که هر یک از آنان، خود را پایبند به حفظ و نگهداری چنان آداب و مناسباتی می‌دیده‌اند. این آیین‌ها و دستورالعمل‌ها در قالب کتاب‌هایی که به آن‌ها «فتوت‌نامه» می‌گفته‌اند، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شده‌اند. برای نمونه، می‌توان به فتوت‌نامه‌های بنیانیان، چیت‌سازان، آهنگران و شیشه‌گران اشاره کرد. در چند دهه اخیر که زندگی ما با ورود مظاهر جدید همراه بوده و تجربه زندگی مدرن استفاده از ابزار دستی را کمتر ممکن ساخته است، صنایع دستی اهمیت خود را تا حد بسیاری از دست داده‌اند و استفاده از آن فرآورده‌ها در زندگی روزمره، کاستی آشکاری گرفته‌اند اما به همان میزان بر ارزش هنری و تجاری آن‌ها افزوده شده است.

یکی از کتاب‌هایی که در این زمینه فراهم آمده و با همکاری صنایع دستی و هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری به دو زبان فارسی و انگلیسی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته، کتاب «بانک اطلاعات صنایع دستی ایران» است. این کتاب اطلاع‌رسانی جامعی از صنایع دستی استان‌های مختلف کشور در اختیار خواننده قرار می‌دهد و به آثار هنرمندان کشور می‌پردازد. معرفی صنایع دستی ایران به تفکیک استان‌ها و بر اساس رشته‌های فعال و بومی هر استان نیز بخشی از کتاب مذکور را در برمی‌گیرد. فصل پایانی کتاب نیز اطلاعاتی کامل از هنرمندان فعال استان‌ها و رشته فعالیت آن‌ها ارائه می‌دهد.

کتاب درخور توجه دیگر «مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و معاهدات سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری» گروه برنامه‌ریزی و نشر اداره کل سازمان مذکور است که انتشار آن پاسخ به کمبود مرجعی است که دربردارنده مجموعه قوانین جاری کشور درباره صنایع دستی باشد.

در زمینه شیشه‌گری، کتاب «شیشه‌گری دستی در ایران» تألیف دکتر حسین یآوری (۱۳۸۳) از آثار قابل توجه است. این کتاب با همکاری پژوهشگاه فرهنگ و

## کار با گل و سبک‌های جدید سفالگری

سوزان پترسون در کتاب «کار با گل» (انتشارات سفیر اردهال ۸۶) سبک‌های جدید سفالگری را به تصویر می‌کشد و به معرفی هنر سرامیک جهان، سنت‌های کهن ملل و سبک‌های جدید سفالگران می‌پردازد. پترسون در این کتاب به تاریخ ساخت سفال توسط مردمان باستان می‌پردازد و هدف از ساخت اشیای گلی را برآوردن نیازهای روزمره می‌داند اما معتقد است که امروزه، هنرمندان و علاقه‌مندان به سفالگری در کنار استفاده از موارد و روش‌های سنتی، در حال ابداع کارهای هنری جدیدی هستند. هنرمندان با ساخت کارهای انتزاعی و روی آوردن به سبک‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم، همگام با پیشرفت علم و تکنولوژی قدم برداشته‌اند و در ساخت محصولات سرامیکی، جنبه زیبایی آن‌ها را بیشتر مدنظر قرار می‌دهند. این کتاب در راستای آشنایی با هنر سرامیک مدرن جهان و سنت‌های کهن ملل به قلم محمد جوادی ترجمه شده و علاوه بر استفاده از روش‌ها و سبک‌های جدید سفالگران از سراسر جهان و معرفی تکنیک‌های نو به علاقه‌مندان، روش‌های استفاده شده توسط هنرمندان و مردمان دوره‌های گذشته را نیز معرفی می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب که آن را از کتاب‌های دیگر متمایز کرده، می‌توان به سبک نگارش قابل فهم آن برای تمام اقشار جامعه از جمله مبتدیان، علاقه‌مندان، دانشجویان، مجموعه‌داران و سفالگران اشاره کرد.

## زیراندازهای ارمنی باف ایران

یکی از کتاب‌هایی که در زمینه هنر و صنایع دستی ایران منتشر شده و نگاهی متفاوت به زیراندازها، گلیم و فرش دارد، «زیراندازهای ارمنی باف ایران» پژوهش و تحقیق مایرنی هواساپیان است که نشر تاریخ ایران با همکاری شورای خلیفه‌گری ارمنه تهران و شمال ایران آن را منتشر کرده است.

این کتاب نگاهی اجمالی به فرهنگ، آداب و رسوم روستاهای مناطق ارمنی نشین بریا، چهار محال و بختیاری، بربود (بوروری)، کمره، کزاز و خرقان ایران دارد. این مناطق دارای هنر، صنعت قالی، گلیم و زیرانداز بوده و پژوهشگر کتاب به تفسیر انواع قالی، گلیم، رج‌شمار، نوع گره، تاریخ بافت، نام طراحان و بافندگان آن پرداخته است.

از جمله نکات مورد توجه در این بررسی، طرز رنگرزی خامه با مواد رنگرزی گیاهی است که مورد توجه و دقت نظر قرار گرفته است. انگیزه اصلی نگارش این کتاب، علاقه اجداد نویسنده به هنر قالی

«قالی ارمنی» توسط طراحان فرش ارمنی، با سبک «باروکو» طراحی می‌شده‌اند.

بخش اصلی کتاب به تصاویر قالی‌ها، گلیم‌ها، جاجیم‌ها و زیراندازها اختصاص دارد و نام بافنده آن نیز ذکر شده است. طرح کلیسای وانک جلفای نو، قالی مام میهن، طرح قره کلیسای طاطا و وس مقدس، لباس سنتی زنان منطقه روستانشین، ابزار صنایع دستی در قالی بافی و ریسنده‌گی، از جمله تصاویری هستند که به زیبایی کتاب می‌افزایند. پژوهشگر کتاب «زیراندازهای ارمنی باف» هنر، صنایع دستی، آداب، سنن و عادات، افسانه‌ها و اساطیر، حکایت‌ها و داستان‌های هر قوم را فرهنگ معنوی آن قوم می‌داند که به صورت نمادها و نقوش در هنر و به ویژه هنر کاربردی منعکس می‌شود.

هنر هر ملتی طی قرون و اعصار تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته و به صورت مختلفی تجلی می‌یابد که در این میان مردم ارمنی نیز با قرار گرفتن در کنار مردم فارسی‌زبان طی قرون متمادی، فرهنگ دیرینه و هنر کاربردی خود را حفظ کرده و در شکوفایی هنر ایران سهمیه بوده‌اند.

اعم از طراحی، بافت و تجارت آن بوده و پرسشی که همواره برای پژوهشگر مطرح می‌شده، این است که چرا این هنر والا تداوم نیافت و اندک آثاری هم که امروز باقی مانده، توسط بازاریان به اروپا و آمریکا صادر می‌شود. وی با درک اهمیت بار فرهنگی این هنر، صنعت و نقش موثر آن در رشد و توسعه اقتصادی جامعه، تصمیم می‌گیرد به تحصیل این رشته به صورت آکادمیک و علمی بپردازد و موضوع پایان‌نامه خود را نیز «زیراندازهای ارمنی باف ایران» انتخاب کند تا با تحقیق و مطالعه درباره آنها، بتواند زیراندازهای ارمنی باف را از فراموشی نجات داده و در توسعه و تکامل آن بکوشد.

نویسنده در ابتدای کتاب، تاریخچه ارمنه در ایران و سوابق مختصری از ویژگی‌های فرهنگی روستاهای ارمنی نشین را مطرح می‌کند و ارمنستان و ارمنیان را از روزگاران کهن و تحت استیلای هخامنشیان، پارت‌ها و ساسانیان تا ابداع کتابت در میان ارمنیان و دولت عثمانی، شرح می‌دهد. هواساپیان دوران شاه عباس را اوج هنر قالی بافی در ایران می‌داند. زیرا در این زمان به سفارش دولت لهستان، قالی‌های «پولونز» طراحی و بافته می‌شدند که به گفته مانیان قازاریان در کتاب



بیست و دومین نمایشگاه کتاب بر اساس آمار

# شاهین ترازوی نمایشگاه، ثابت نماند

هزار و ۴۲۰ مورد اطلاع رسانی انجام شد. به طور کلی در این بخش ها بیش از ۹۰۰ هزار جست و جو انجام گرفت.»

او درباره اطلاع رسانی محیطی نیز می گوید: «گرفتن آمار دقیق در بخش اطلاع رسانی محیطی ممکن نیست اما به صورت تخمینی یک میلیون و ۵۰۰ هزار مورد مراجعه و راهنمایی در این بخش صورت گرفت. استنباط ما این است که در این بخش نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد افزایش پاسخگویی داشتیم.»

## نمایشگاه امسال و دستگاه های کارخوان

حسین صفری، مدیر کمیته اجرایی نمایشگاه کتاب تهران، پیش از آغاز بیست و دومین نمایشگاه کتاب تهران در گفت و گو با کتاب هفته ابراز امیدواری کرده بود که به خاطر هماهنگی های انجام شده درباره نصب دستگاه های کارخوان، در این نمایشگاه با کمترین مشکل از این دستگاه ها استفاده شود.

او درباره عملکرد این دستگاهها در نمایشگاه بیست و دوم می گوید: «سال گذشته هزار و ۳۶۰ دستگاه کارخوان در نمایشگاه وجود داشت که امسال به ۲ هزار دستگاه رسید. در مجموع ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان خرید از طریق این دستگاه ها صورت گرفت در حالی که در سال گذشته این رقم کمی بیش از ۲ میلیارد تومان بود.»

او درباره تعداد تراکنش های دستگاه های کارخوان نیز می گوید: «امسال ۴۷۰ هزار تراکنش از طریق این دستگاه ها انجام شد، در حالی که در سال گذشته تنها ۲۹۵ هزار تراکنش از طریق این دستگاه ها انجام شده بود.»

صفری معتقد است: «یکی از نکات مثبت و متفاوت نمایشگاه امسال با سال گذشته، این است که امسال سوئیچ خطوط تلفن و شبکه کارخوان در نمایشگاه از یکدیگر جدا بودند و همین موضوع باعث شد تراکنش ها با کمترین معطلی و در زمان حدود ۵ ثانیه صورت بگیرد.»

او افزایش پهنای باند اینترنت را نیز از نکات مثبت این نمایشگاه برمی شمرد و می گوید: «بسیاری از کاربران توانستند در محیط نمایشگاه با رایانه های قابل حمل خود از سرویس شبکه اینترنت استفاده کنند.»

صفری درباره خطوط تلفن همراه نیز می گوید: «امسال به گفته مسوولان مخابرات، از هر پنج تماس، سه تماس تلفن همراه موفق بود. دیگر این که ظرفیت خطوط تلفن همراه نسبت به سال گذشته هفت برابر افزایش داشت.»

مساله نظافت محیطی نمایشگاه نیز یکی از مسائلی بود که در سال اولیه برگزاری نمایشگاه در مصلاهی بزرگ امام خمینی (ره) انتقاداتی را برانگیخت اما به گفته صفری در سال گذشته و امسال، بسیاری از این مشکلات حل شد. او در این باره می گوید: «سال گذشته از همکاری با پیمانکاری که از سوی سازمان خدمات موتوری شهرداری تهران معرفی شده بود، رضایت داشتیم و امسال نیز نظافت را به همان شرکت سپردیم و با شناسایی مراکز پرازدحام نمایشگاه توانستیم با استفاده از دستگاه های مکانیزه و نظافت دستی، به درستی سرویس دهی کنیم. با افزایش ۲۰ درصدی جمعیت مراجعه کننده به نمایشگاه کتاب، حدود ۵۰ برابر زیاده بیشتر تولید شد که خوشبختانه با برنامه ریزی صحیح موفق شدیم به خوبی از پس نظافت محیط برآیم.»



برگزاری نشست های سرای اهل قلم می گوید: «امسال در کنار سه سرای اصلی اهل قلم، یعنی سراهای کودک و نوجوان، اصلی و کارنامه نشر، در غرفه دیدار و سالن های جنبی چاپ و نشر و انقلاب اسلامی هم نشست هایی برگزار کردیم. در سرای اصلی ۶۰ نشست، در سرای کودک و نوجوان ۵۵ نشست و در سرای کارنامه نشر ۴۵ نشست برگزار شد.»

او درباره غرفه دیدار با برگزیدگان جشنواره های فرهنگی و سالن های انقلاب اسلامی و چاپ و نشر نیز می گوید: «در غرفه دیدار که به دیدار خبرنگاران و منتقدان با برندگان جایزه های کتاب اختصاص داشت، ۳۰ نشست و در سالن های انقلاب اسلامی و چاپ و نشر نیز به ترتیب ۲۰ و ۱۰ نشست برگزار شد.»

او در مقایسه نشست های نمایشگاه بیست و دوم با نمایشگاه سال گذشته نیز می گوید: «امسال در مجموعه ۲۲۰ نشست توسط بخش جنبی برگزار شد، در حالی که در سال گذشته در سه سرای اهل قلم، ۱۴۰ نشست برگزار شده بود.»

آنچه درباره این نشست ها بیش از هر چیز اهمیت دارد، استقبال مردم از برگزاری آنهاست. شجاعی صائین درباره آمار شرکت کنندگان در این نشست ها می گوید: «به طور میانگین در سرای اصلی و سراهای کارنامه نشر و کودک و نوجوان به ترتیب پذیرای ۵ هزار و ۳ هزار و ۵۰۰ نفر بودیم و در سالن انقلاب اسلامی و چاپ و نشر نیز تقریباً ۷۰۰ نفر از برنامه نشست ها استقبال کردند که این کار در مقایسه با سال گذشته ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش نشان می دهد.»

## اطلاع رسانی

### به روش نمایشگاه بیست و دوم

افزایش تعداد نیروهای اطلاع رسانی در نمایشگاه امسال، از نقاط قوت این بخش بود. شجاعی صائین درباره این افزایش تعداد می گوید: «امسال تعداد همکاران ما در این بخش ۱۵ درصد افزایش پیدا کرد. آمار بخش اطلاع رسانی رایانه ای ما بر اساس مستندات دستگاه های رایانه کاملاً مشخص است. در بخش جست و جوی کتاب های ناشران داخلی ۱۵۷ هزار و ۳۹۳ مورد در بخش جست و جوی کتاب های بخش خارجی، ۵۰ هزار و ۱۸۶ مورد جست و جو انجام شد. همچنین درباره جست و جوی محل استقرار ناشران داخلی ۷۱۶

مراجعه کنندگان را به خوبی برطرف سازند. از طرف دیگر امسال طراحی مناسب سالن ها، باعث شد وقت مردم کمتر تلف شود.»

وی با اشاره به مشارکت انجمن های تخصصی نشر در نمایشگاه امسال، می گوید: «امسال برای نخستین بار از نمایندگان این انجمن ها برای حضور در شورای سیاستگذاری نمایشگاه دعوت کردیم و تصمیمات این شورا با مشارکت آنها اتخاذ شد. همراهی به موقع این انجمن ها و تجربیات سال های گذشته آنها سبب شد که با وجود جمعیت زیادی که در سالن ها حضور داشتند، به مشکل خاصی برخوردیم.»

او مشارکت صدا و سیما در انعکاس اخبار و رویدادهای نمایشگاه را نیز بر رشد آمار بازدیدکنندگان از نمایشگاه مثبت ارزیابی می کند و می گوید: «۱۱ شبکه رادیویی و ۱۲ برنامه از شبکه های تلویزیونی برای انعکاس این رویداد در نمایشگاه حضور داشتند و تنها از شبکه های مختلف رادیو، روزانه بیش از ۴۰ ساعت برنامه درباره نمایشگاه پخش شد که بر رشد آمار بازدیدکنندگان از نمایشگاه بی تاثیر نبود.»

## نشست های بخش جنبی

بخش جنبی نمایشگاه کتاب تهران، یکی از بخش هایی است که هر سال علاقه مندان زیادی را به نمایشگاه کتاب جذب می کند. شاید بتوان مهم ترین فعالیت این بخش را برگزاری نشست های سرای اهل قلم دانست؛ گرچه نباید از فعالیت های اطلاع رسانی نیز چشم پوشید که توسط کمیته جنبی نمایشگاه کتاب برگزار می شود.

علی شجاعی صائین، مدیر کمیته جنبی نمایشگاه کتاب و مدیر عامل موسسه خانه کتاب درباره آمار



**در غرفه دیدار که به دیدار خبرنگاران و منتقدان با برندگان جایزه های کتاب اختصاص داشت، ۳۰ نشست و در سالن های انقلاب اسلامی و چاپ و نشر نیز به ترتیب ۲۰ و ۱۰ نشست برگزار شد**

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران که به پایان می رسد، تا هفته ها درباره آمار بخش های مختلف آن اخباری منتشر می شود. در این روزها که بازار این گونه اخبار همچنان داغ است، سراغ برخی از مسوولان نمایشگاه کتاب تهران رفته ایم تا از چند و چون دقیق این اخبار مطلع شویم و تا جایی که ممکن است، به مقایسه آمار نمایشگاه امسال با نمایشگاه سال گذشته بپردازیم.

حمید قبادی معاون اجرایی نمایشگاه، علی شجاعی صائین مدیر کمیته جنبی نمایشگاه و حسین صفری مدیر کمیته اجرایی نمایشگاه بیست و دوم در گفتگوهایی با کتاب هفته به طور مشروح درباره آمارهای رسمی نمایشگاه کتاب، سخن گفته اند.

حمید قبادی، مشاور فرهنگی دکتر محسن پرویز و معاون اجرایی نمایشگاه بیست و دوم می گوید: «با توجه به برنامه ریزی های انجام شده و مشارکت نهادهای مختلف به ویژه نهادهای شهری، آمادگی لازم برای حضور انبوه و گسترده بازدیدکنندگان فراهم شد. پیش از شروع کار، پیش بینی می شد که امسال با توجه به گسترش بخش های مختلف و همچنین اطلاع رسانی مناسب رسانه ها، خبرگزاری ها و به ویژه رسانه ملی، با رشد تعداد بازدیدکنندگان از نمایشگاه روبه رو شویم. اما با شروع نمایشگاه، حضور مردم بسیار فراتر از آن چیزی بود که انتظار می رفت و در تمامی روزهای عادی نمایشگاه شاهد حضور چشمگیر مردم بودیم به طوری که در روزهای غیر تعطیل هم با ازدحام جمعیت مواجه شدیم.»

وی می گوید: «در مجموع با بررسی های انجام شده و روش های نمونه گیری موجود، روزانه ۵۰۰ هزار نفر از نمایشگاه دیدن کردند و در روزهای تعطیل و دو جمعهای که در زمان برگزاری نمایشگاه داشتیم، هر روز بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر در نمایشگاه حضور پیدا کردند. در مجموع، حدود ۵۵ میلیون نفر از نمایشگاه بیست و دوم بازدید کردند که این آمار در مقایسه با سال گذشته حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است.»

او درباره شیوه های آماری مورد استفاده برای تخمین تعداد بازدیدکنندگان می گوید: «ما در مبادی سالن های نمایشگاه در ساعت های مختلف از روش های نمونه گیری استفاده می کنیم و چون تعداد ورودی ها، مشخص و محدودند، به راحتی می توان در ساعت های مختلف، تعداد افرادی را که به سالن ها وارد می شوند، تخمین زد. البته این آمارگیری به معنای شمارش فرد به فرد مراجعه کنندگان نیست.»

## میزان فروش کتاب در نمایشگاه امسال

قبادی درباره میزان فروش در بخش های مختلف نمایشگاه می گوید: «در بخش بین الملل و داخلی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان کتاب به فروش رفته است، در حالی که این آمار در سال گذشته ۷۵ میلیارد تومان بود. فروش ناشران در نمایشگاه امسال، نسبت به سال گذشته به طور میانگین ۳۰ درصد افزایش نشان داده است.» او درباره نکات مثبت این دوره از نمایشگاه که بر آمار بازدیدکنندگان و فروش هم بی تاثیر نبوده است، می گوید: «غرفه های نمایشگاه امسال زودتر آماده شد و ناشرانی که قصد داشتند خودشان غرفه های خود را در نمایشگاه تزئین کنند و بسازند، زودتر توانستند کارهای اجرایی را انجام دهند و همین موضوع باعث شد بتوانند در نهایت، نیازهای

در گفت و گو با برندگان دوره‌های پیشین جایزه گام اول بررسی شد

# گام اولی‌ها در گام‌های بعدی

رتبه بالای علمی یا هنری رسیده‌اند و در نتیجه از تلاش و تکاپوی پیشین خود دست بردارند.

مرادی پیشنهادهایی برای بهتر شدن جایزه گام اول دارد. او از مسئولان این جایزه می‌خواهد که برندگان جایزه را به حال خود رها نکنند و از نظرات کارشناسی این برندگان در دوره‌های آتی جایزه گام اول استفاده کنند. وی در توضیحاتی بیشتر می‌گوید: «البته این پیشنهاد به این معنا نیست که کار داوری را یکسره به برندگان دور قبل واگذار کنیم؛ بلکه می‌توانیم در کنار داوران اصلی جشنواره، نظریات کارشناسی برندگان دوره‌های قبل را در مورد کتاب‌های رسیده جوایز شویم.»

## تفصیلات نویسندگان جوان

شماره کامرانی از سال ۱۳۸۳ تا کنون برنده چند جایزه در رشته شعر بوده است. او با اثر «خطوط شکسته» در دومین دوره جایزه گام اول در حوزه شعر بزرگسال انتخاب شد. کامرانی تاکنون ۷ کتاب در حوزه‌های شعر و داستان نیز از زبان ترکی ترجمه کرده است که چون موفق به اخذ حق کپی رایت آنها نشده، از چاپ برخی از این آثار خودداری کرده است.

اما «زن‌ها نخندند» که برگزیده داستان‌های کوتاه ۲۰۰۷ وزارت فرهنگ ترکیه است تا چندی دیگر در کتابفروشی‌ها در اختیار مخاطبان کتاب‌های ادبی قرار خواهد گرفت.

شماره کامرانی بحث خود را با یادآوری این نکته آغاز می‌کند که هدف از خلق هر اثری ایجاد تعامل با دیگران است و جوایزی چون گام اول باعث گسترده شدن این تعامل می‌شود.

کامرانی پوشش مطبوعاتی را که در مورد جایزه گام اول صورت گرفت، بسیار مطلوب ارزیابی می‌کند و آن را دلیلی برای اعتبار جایزه گام اول می‌داند. او در ادامه به تجربه شخصی خود در این زمینه اشاره می‌کند و در مورد نتایج مثبت جایزه گام اول می‌گوید: «این جایزه دو نتیجه مثبت دارد؛ نخست نتیجه مستقیم و ظاهری آن است که نویسنده با برنده شدن این جایزه به جامعه فکری و فرهنگی شناسانده می‌شود، کتاب هایش بهتر پخش می‌شوند و فروش بهتری دارند اما در این میان نکته بسیار مهمی هم وجود دارد. مادر حوزه شعر شاهد شاعران بسیار خوبی با یک یا دو کتاب بودیم. این امر نشان می‌دهد که شاعران بسیاری پس از یک یا دو کتاب کار شعر را رها می‌کنند در حالی که اگر به این شاعران برجسته توجه می‌شد و آنها احساس می‌کردند که در جامعه فرهنگی به آنها اهمیت داده می‌شود، به احتمال زیاد به فعالیت‌های فرهنگی خود ادامه می‌دادند. جایزه گام اول باعث می‌شود این نویسندگان برجسته جوان در راه خود تثبیت شوند و باور کنند که جامعه فرهنگی آنها را می‌بیند و مورد تقدیر قرار می‌دهد. سال گذشته پس از برگزاری دور دوم جایزه گام اول جلسه‌ای با حضور برگزیدگان، دبیران و داوران جایزه برگزار شد. کامرانی با اشاره به این جلسه آن را دلیلی بر اهمیت جایزه گام اول نزد وزارت ارشاد می‌داند و از اینکه برندگان جایزه پس از مراسم اختتامیه رها نشوند و از نظرات انتقادی و پیشنهادی آنها درباره جشنواره استفاده می‌شود، ابراز خوشحالی کرد. به گفته شماره کامرانی در این جلسه پیشنهاد تاسیس تشکیلی بررسی شد که علاوه بر نقد کتاب به طور حرفه‌ای، بر انتشار کتاب‌های ارزشمند نیز تمرکز کند.



آنها محتوای ارزشی هم داشته‌اند. تصور می‌کنم داوران جایزه گام اول ضمن توجه به فرم به محتوای آثار هم پرداخته‌اند.»

## توجه به برندگان گام اول

مهدی مرادی برنده نخستین دوره جایزه گام اول سال گذشته که همچنان علاقه خود را برای نوشتن در زمینه کودک و نوجوان حفظ کرده است در دبیرستان‌های اهواز، زبان انگلیسی تدریس می‌کند و در نشریات کیهان بچه‌ها، سلام بچه‌ها و دو چرخه نیز برای کودکان و نوجوانان در قالب شعر و داستان مطالبی می‌نویسد.

مهدی مرادی از ثمرات و نتایج مثبت جایزه گام اول می‌گوید. او به مشکلاتی که برای چاپ نخستین اثرش داشته است، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «در گذشته هیچ ناشری من را نمی‌شناخت و نمی‌توانست ریسک چاپ مجموعه شعر یک شاعر جوان را به راحتی بپذیرد. اما پس از آن که در مراسم جایزه گام اول برگزیده شدم، ناشران زیادی مرا شناختند و حتی از طرف برخی ناشران پیشنهادهایی مبنی بر چاپ کتاب‌هایم دریافت کردم. هر چند در کنار این ثمرات، مرادی به مسئولیتی که برنده شدن این جایزه برای نویسنده‌اش در بردارد نیز اشاره می‌کند.

نویسنده «کلاغ سه شنبه» در این باره می‌گوید: «پس از این که جایزه گام اول به من تعلق گرفت، همه اطرافیانم در محیط‌های فرهنگی انتظار داشتند که کتاب‌های آینده من نیز حائز رتبه‌های ملی شوند و در دیگر جشنواره‌های کتاب نیز موفقیت‌هایی کسب کنم و همین امر سبب وسواس من در نوشتن کتاب‌های بعدی‌ام شده است.»

مرادی اکنون علاوه بر شعر کودک و نوجوان در حوزه ترجمه داستان کوتاه برای کودکان و نوجوانان نیز فعال شده است. او یک مجموعه داستان کوتاه را ترجمه و برای انتشار به نشر امیرکبیر سپرده است. مجموعه شعر «ساعت بدون تیک تاک نیز» از این شاعر جوان تا چندی دیگر به وسیله انتشارات قدیانی روانه بازار کتاب خواهد شد. مهدی مرادی در ادامه به آسیب‌شناسی جوایزی چون گام اول می‌پردازد. او حتی این جوایز را گاهی برای نویسندگان جوان خطر آفرین هم می‌داند، چرا که امکان دارد برخی از این مولفان جوان به چنین جوایزی اکتفا کنند و این‌گونه بیندازند که با برنده شدن در این جایزه به

می‌شود. عرفان پور که با گردآوری ابیات «سهل و ممتنع» آثار کلیم کاشانی قصد دارد گروهی گسترده‌تر از مخاطبان عمومی شعر را با شاعران سبک هندی آشنا کند ادامه می‌دهد: «از مسافران هند» تا حدودی خاطر مخاطبان عام شعر را برای یافتن شاه بیت‌های کلیم کاشانی آسوده می‌کند؛ اما مخاطبان خاص شعر برای آشنایی با کلیت شعر کلیم باید اصل دیوان این شاعر بزرگ سبک هندی را مطالعه کنند.»

**معرفی هر کتابی در توزیع آن مؤثر است**  
با آن که پانته آصفایی در رشته مکانیک تحصیل کرده و در زمینه همین رشته نیز به کار مشغول است، اما همچنان علاقه و وابستگی خود به شعر و ادبیات را حفظ کرده. صفایی اکنون مجموعه‌های «دیشب کسی مزاحم خواب شما نبود» و «از ماه تا ماهی» را در انتشاراتی‌های تکا و شانی زیر چاپ دارد.

شاعر مجموعه شعر «خوش به حال آهوها» با اشاره به این نکته که بیشتر شاعران و نویسندگان شهرستانی برای چاپ نخستین اثرشان سراغ ناشران شهرستانی می‌روند و از دیگر سو این ناشران در زمینه پخش کتاب ضعیف هستند، برنده شدن در جایزه گام اول را عاملی برای توزیع بهتر کتاب نویسندگان تازه کار می‌داند. به اعتقاد پانته آصفایی، معرفی هر کتابی در توزیع و پخش آن مؤثر است و نویسندگان تازه کار چنین امکانی ندارند.

صفایی پیشنهادهایی نیز برای برگزاری بهتر جایزه گام اول دارد. به عقیده او اگر این امکان وجود داشت که برای کتاب‌هایی که به مراحل پایانی جایزه می‌رسند، جلسات نقد عمومی برگزار می‌شد، کتاب‌ها بهتر معرفی می‌شدند و علاوه بر آن نویسندگان تازه کار هم با نقاط ضعف و قوت خود آشنا می‌شدند. او در این باره می‌گوید: «به نظر من نویسندگان جوان بیش از آن که به تقدیر و تشویق احتیاج داشته باشند، به نقد آثارشان نیازمندند، گرچه باید به این نکته هم اشاره کنم که برگزیده شدن در جشنواره گام اول سبب شد تا منتقدان بسیاری متوجه کار من شوند و نقد‌های فراوانی نسبت به کار من نوشته شد.» شاعر «خوش به حال آهوها» دلیل برگزیده شدن اثرش در دومین دوره جایزه گام اول را محتوای ارزشی شعرهایش می‌داند و می‌گوید: «وقتی به کتاب خودم و آثار دیگر برگزیدگان جایزه گام اول نگاه می‌کنم می‌بینم اکثر

هفته گذشته فراخوان سومین دوره جایزه گام اول از سوی موسسه خانه کتاب منتشر شد. این جایزه با هدف کشف استعدادها و تشویق پدیدآورندگان برگزار می‌شود که برای نخستین بار آثار خود را منتشر کرده‌اند. در این صفحه، گفت‌وگوهایی را با برندگان سال‌های پیشین جایزه گام اول انجام داده‌ایم تا ضمن سنجیدن تاثیر این جایزه بر روند فعالیت‌های فرهنگی این نویسندگان جوان، فعالیت‌های فرهنگی آنها را هم جویا شویم و پیشنهادها و انتقادات احتمالی برندگان دوره‌های پیشین جایزه «گام اول» را منعکس کنیم.

## نهادینه کردن گام اول

نخستین مجموعه شعر میلاد عرفان پور با عنوان «از شرم برادرم» در سال ۸۵ منتشر شد و همین اثر برای این شاعر تازه کار جایزه گام اول را به ارمغان آورد.

عرفان پور تاکنون در جشنواره‌ها و جوایز کتاب دیگری نیز به عنوان شاعر برگزیده معرفی شده است. او در کارنامه خود کسب مقام نخست در جشنواره خوارزمی، برگزیده شعر فجر، برنده جایزه ادبی قیصر امین پور و جایزه ادبی باباطاهر را دارد. عرفان پور اکنون دانشجوی رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) است.

وی در ابتدای گفت‌وگو به این نکته اشاره می‌کند که جایزه گام اول تاثیر بسیار مثبت بر روند کارهای او داشته است. هر چند شاید این تاثیرگذاری به صورت مستقیم نبوده، اما پس از برگزیده شدن در جایزه گام اول انگیزه بیشتری برای فعالیت فرهنگی، خواندن و نوشتن پیدا کرده و بیشتر توان خود را صرف مطالعه و پرداختن به شعر و کار ادبی کرده است. علاوه بر این، به باور شاعر مجموعه شعر «از شرم برادرم» هنگامی که شاعر یا نویسنده‌ای پس از تکمیل اولین کتاب خود، در روند رقابت قرار می‌گیرد، این احساس در او به وجود می‌آید که همه کارهای آینده او نیز در یک کورس رقابتی با دیگر نویسندگان قرار دارد؛ در واقع، این احساس رقابت در وجود او نهادینه می‌شود و همیشه تلاش می‌کند که کار خود را به بهترین نحو و در نهایت دقت به انجام رساند. برنده نخستین دوره جایزه گام اول درباره آثار تازه تر خود گفت: «پس از کتاب نخستم که در سال ۸۶ روانه بازار شد و در جریان جایزه گام اول به موفقیت رسید، سه مجموعه شعر دیگر و یک اثر پژوهشی و تالیفی درباره کلیم کاشانی نوشته‌ام که برخی از این آثار منتشر شده‌اند و برخی دیگر در شرف چاپ هستند.» میلاد عرفان پور اعتقاد دارد که سبک هندی از شیوه‌های شعر فارسی است که همیشه، حتی در میان هنرمندان و شاعران مغفول مانده و سال‌هاست که کار پژوهشی درباره سبک هندی انجام نشده است. به این ترتیب، عرفان پور در کتابی با عنوان «از مسافران هند» شاه بیت‌های آثار کلیم کاشانی را گردآوری کرده است. این کتاب که به گفته نویسنده‌اش مقدمه‌ای مفصل دارد تا چند وقت دیگر از سوی انتشارات سپیده باران راهی بازار کتاب خواهد شد.

میلاد عرفان پور آثاری چون «از مسافران هند» را راهی برای نزدیک‌تر کردن مخاطب عام به سبک هندی می‌داند و می‌گوید: «به دلیل دشواری‌های سبک هندی، آشنایی و مطالعه آثار شاعران سبک هندی تنها به متخصصان حوزه ادبیات محدود



نویسندگان ایرانی و ترس از قدم گذاشتن به عرصه ادبیات پلیسی

# بالاخره چه کسی ماشه را می‌کشد؟

را به دقت بررسی می‌کردی، متوجه می‌شدی که در گونه این ادبیات قرار نمی‌گرفت.

فکر می‌کنم یکی از دلایل پانگرفتن این گونه ادبی در ایران، سرسری و بی‌ارزش خواندن آن در محافل ادبی بود چرا که نویسنده‌هایمان دانستند اگر بخواهند شهرتی به هم بزنند، با این کتاب‌ها نمی‌توانند.

«۱۰ تبهکاری بهت آور که از مهیب‌ترین اسرار است» عنوان اولین رمان پلیسی است که شهدی در نوجوانی با اشتیاق خوانده است. او با بیان این نام دستی هم بر غبار خاطرات قدیمی می‌کشد و باب سخن درباره نخستین ترجمه‌ها از رمان‌های پلیسی را باز می‌کند و می‌گوید: «۶۰-۷۰ سال پیش مرحوم ذبیح‌الله منصوری اولین کتاب‌های پلیسی را در ایران ترجمه و در روزنامه کوشش به شکل پاورقی منتشر کرد. اوایل آثار آگاتا کریستی را ترجمه می‌کرد.

اسم‌های عجیب و غریبی هم برای جلب نظر خوانندگان روی کتاب‌ها می‌گذاشت. «آقایان قضات، قاتل اصلی را جست‌وجو کنید» یا «یک قاتل عجیب در ضیافت تبهکاران!» این عنوان‌ها در جذب جوانان برای خواندن کتاب خیلی موثر بود. مثلاً عنوان کتاب «۱۰ کاکاسیا» را گذاشته بود «۱۰ تبهکاری بهت آور که از مهیب‌ترین اسرار است». به خوبی یادم هست از خواندن این کتاب آنقدر هیجان زده شده بودم که خواب و خوراک نداشتم.

یکی از دوستانم که کتاب را خوانده بود آخر داستان را می‌دانست، به بقیه دوستان گفت به شرطی آخر داستان رانمی‌گویم که پول اجاره یک کتاب را بدهید. بچه‌ها هم نفری یک ریال روی هم گذاشتند و به او دادند. آخر آن وقت‌ها پول نداشتم که کتاب بخریم و با بچه‌های مدرسه پول جمع می‌کردیم تا کتاب کرایه کنیم؛ شبی یک ریال! آنهایی که پولدار بودند، کتاب را یک هفته‌ای می‌خواندند و ما ندارها، یک شبه آنقدر کتاب می‌خواندیم که کتابفر و ش می‌گفت من یک پولی به شما می‌دهم که دیگر نیاید اینجا! چون کتاب‌هایش را اینقدر دست به دست می‌کردیم که فرسوده می‌شد.»



باشد، به طوری که او را خسته نکند.»

## کتاب‌های پلیسی؛ شبی یک ریال

نخستین تجربه‌های پلیسی نویسی در ایران به چند دهه پیش بازمی‌گردد که آن‌ها هم به شکل دست و پا شکسته و با تقلیدهای خام از نویسندگان بزرگ این گونه ادبی همراه بود. در زمینه ادبیات پلیسی بیشتر کفه ترازو به سمت ترجمه سنگینی می‌کرد. شهدی با بیان این‌که به معنای واقعی ادبیات پلیسی نداشته‌ایم، می‌گوید: «آن قدیم‌ها امیر عشیری در این حوزه می‌نوشت که مضمون داستان‌هایش بیشتر جاسوسی بود تا پلیسی - جنایی. اگر کارهای مستعان

پرداخته‌اند پس اگر بخواهیم دامنه این گونه ادبی را وسیع‌تر در نظر بگیریم، بسیاری از نویسندگان زیر چتر آن قرار می‌گیرند.

## طنز تلخ جنایت

اگر رمان پلیسی وجود دارد به این دلیل است که جنایتکاری دست به جنایت می‌زند و قربانی می‌گیرد. سپس همه چیز در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد تا این‌که کارآگاه برای کشف معمای چگونگی با کوشش فراوان سعی می‌کند معقول را از محسوس استخراج کند تا به حقیقت چرایی آن برسد؛ کشفی که لذت ذهنی بی‌ظیری در آن نهفته است.

شهدی با اشاره به اینکه گونه ادبیات پلیسی هر جاکه فاجعه‌ای رخ می‌دهد، حضور دارد، می‌گوید: «مسئله جنایت در تمام آثار بزرگ ادبیات مطرح است. البته مهم خود کشتن نیست، بلکه مهم انگیزه‌ها و دلایلی است که آدمی را به جایی می‌رساند که دست به قتل دیگری بزند. این از طنزهای تلخ روزگار ماست که آدم‌هایی رودرروی هم قرار می‌گیرند و جنگ‌راه می‌اندازند که هیچ‌کینه و دشمنی با هم ندارند، ولی جنگ آنها را در قالبی می‌ریزد که باید بکشند و گرنه کشته می‌شوند!

مثلاً در «جنایت و مکافات» یک آدم معمولی که اصلاً آدمکش نیست، در موقعیتی قرار می‌گیرد که بدون این‌که بخواهد، دست به عمل کشتن می‌زند و بعد هم تاوان آن را پس می‌دهد. شهدی کتاب «شرق بهشت» اثر جان اشتاین بک را نمونه دیگری از ماجراجویی جنایی می‌داند که به شکلی تمثیلی به اولین جنایت بشر که کشته شدن هابیل به دست قابیل است، اشاره می‌کند. به گفته او، کتاب‌های پلیسی با کنجکاوی‌های ساده شروع می‌شوند و وقوه پی‌جویی را در خواننده تقویت می‌کنند.

شهدی می‌گوید: «همه اینها را می‌گویم که به اهمیت رمان‌های پلیسی اشاره کنم. شاید برای خیلی‌ها جالب باشد، در جایی خواندم که انیشتین و برتراند راسل در پاسخ به این سوال که اوقات بیکاری‌شان را چه کار می‌کنند، پاسخ داده بودند رمان پلیسی می‌خوانند. فکر می‌کنم یکی از دلایل این کار می‌تواند درگیر کردن ذهن خواننده با اثر

«هیچ ترسی در صدای «تق» نیست. ترس در انتظار کشیدن برای این صداست.»

آلفرد هیچکاک یکی از برجسته‌ترین فیلمسازان عالم سینما بیشتر فیلم‌هایش را که درونمایه‌هایی پلیسی - جنایی دارند، با اعتقاد و عمل به همین جمله‌اش در خاطر بسیاری از علاقه‌مندان سینما ماندگار کرد.

او از تعلیق که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های داستان‌های پلیسی است، به شکل‌های مختلف در فیلم‌هایش سود جست و درست همان راهی را در پیش گرفت که داستان‌نویسان پلیسی - جنایی در رمان‌هایشان دنبال کردند. این گونه به نظر می‌رسد که هیچکاک با مثلث طلایی ادبیات پلیسی که سه عنصر جنایتکار، قربانی و کارآگاه و چگونگی یا چرایی جنایت است، به خوبی آشنا بود و آنها را به کار بست و به قولی کلید طلایی را به درستی در قفل چرخاند، اما به راستی ادبیات پلیسی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ مشهورترین جنایی‌نویسان دنیا چه کسانی هستند؟ در نهایت، تاثیر ادبیات پلیسی - جنایی بر ادبیات ما تا چه اندازه بوده است؟

اینها سوال‌هایی است که گهگاه یقه خوانندگان دقیق و ریز بین داستان‌های پلیسی را می‌گیرد و آنها را وادار می‌کند بیشتر روی این موضوع تأمل کنند.

**در جست‌وجوی اثر انگشت ادبیات پلیسی**  
پرویز شهدی یکی از مترجمان با سابقه‌ای است که علاقه زیادی به رمان‌ها و داستان‌های پلیسی دارد و تاکنون چند رمان یا مجموعه داستان از نویسندگان مشهور پلیسی - جنایی مثل ادگار آلن پو و آلن رب گری به را به فارسی ترجمه کرده است. او ادبیات پلیسی را مثل طرح معما، جدول کلمات متقاطع یا چیستان می‌داند و می‌گوید: «ادبیات پلیسی مهم‌تر از همه کنجکاوی آدمی را برمی‌انگیزد و مخاطب را علاقه‌مند به حل معما می‌کند. در واقع حس کنجکاوی قبل از انگیزه مسبب اختراعات و اکتشافات انسان‌ها بوده است، اما ژانر پلیسی به دلیل این‌که این ذهنیت را در خواننده به وجود می‌آورد که نویسنده فقط به دنبال کشف یک جنایت، ماجرای پلیسی، انگشت‌نگاری و ... است، به لایه‌های دیگر داستان توجه نمی‌کند، در حالی‌که در بسیاری از آثار بزرگ مثل «برادران کارمازوف» و «جنایت و مکافات» قالب پلیسی - جنایی برای خلق اثر مورد توجه قرار گرفته است. نویسندگان بزرگی مثل داستایفسکی یا ادگار آلن پو انگیزه‌های جنایی را به شکل‌های مختلف در داستان‌هایشان نشان داده‌اند و به کنکاش در آن

## بیم‌ها و امیدهای ادبیات پلیسی

**کاوه میرعباسی:** در کشور ما و در میان نویسندگان و مترجمان و اهالی کتاب، دست‌کم تا ۲۰ سال پیش یک نوع پیشداوری نادرست در مورد ادبیات پلیسی و معمایی جریان داشت که امروزه منسوخ شده است.

پیشتر، گمان بر این بود که ادبیات پلیسی و معمایی، یک ژانر دست‌دوم و کم‌کیفیت محسوب می‌شود و از این رو، مترجمان و نویسندگان برجسته و صاحب‌قلم به این ژانر توجه کافی مبذول نداشتند. حتی به خاطر دارم مترجم قابل‌چون محمد قاضی در جایی با افتخار نوشته بود: «من هرگز رمانی در ژانر ادبیات پلیسی ترجمه نکرده‌ام.» البته این به معنای نبود این ژانر در حوزه ترجمه نبود، زیرا ترجمه آثاری از نویسندگانی چون ژرژ سیمون بیش از ۴۰ سال قدمت دارند.

امروزه ترجمه و انتشار آثار برجسته ادبیات پلیسی، نگاه جامعه کتابخوان به این گونه ادبی را کاملاً تغییر داده است. حتی در سال‌های اخیر، ما شاهد یک قشر حرفه‌ای هستیم که به مطالعه این ژانر علاقه‌مند است و من به جرات می‌گویم

کتاب‌هایی که در این حوزه منتشر می‌شوند، به خوبی فروش می‌روند و چیزی از آنها باقی نمی‌ماند. در سال‌های اخیر، کوشش مترجمان و ناشران دیدگاه غالب بر ادبیات کشور را تغییر داده است و ترجمه آثار ممتاز پلیسی این نکته را مشخص کرده که ژانر معمایی از هیچ گونه ادبی، چیزی کم ندارد، اما مساله دیگری که به این ژانر لطمه می‌زند مساله مخاطب فارسی زبان است. با نگاهی به کتاب‌های عامه‌پسند و پر فروش دهه‌های اخیر، متوجه می‌شویم که تقریباً تمامی آنها روایت‌هایی خطی و قابل فهم داشته‌اند. در حالی‌که رمان مرغوب پلیسی، همواره از ادبیاتی غنی و پیچیده سود می‌جوید. بدین جهت، غیر از علاقه‌مندان حرفه‌ای و مشتریان ثابت این گونه آثار، ما هنوز شاهد اقبال ژانر پلیسی در میان توده مردم نیستیم.

از سوی دیگر، در حوزه تالیف ما کمتر با خلق رمان‌ها و داستان‌هایی روبه‌رو می‌شویم که از ادبیات پلیسی بهره‌جسته باشند. این امر به این علت اتفاق می‌افتد که پیشینه ادبیات مدرن ما در مقابل ادبیات غرب، کم‌سال‌تر است.

## «تصحیح»

موارد زیر در گفت‌وگو با دکتر ذاکر که در صفحه (۲۰) فروردین ماه به چاپ رسیده، به شرح زیر اصلاح می‌شود.

۱. استاد دکتر محمود طباطبایی در قید حیاتند.

۲. عنوان دو کتاب ایشان که در دست چاپند، به شرح زیر است:

«پژوهش کتاب خطی حفظ‌البدن همراه با زندگینامه امام فخر رازی از عیون الانباء ابن ابی‌اصیبه».

ترجمه کتاب «فردوس الحکمه تالیف علی بن سهل ربن طبری» همراه با دکتر علی نقی منزوی که در حال ویرایش نهایی است.



نگاهی به کتاب «اقتصاد ناهنجاری های پنهان اجتماعی»

# چرا فروشندگان مواد مخدر با مادرشان زندگی می کنند

## ابعاد پنهان، رفتارهای مشخص

دیدگاه حاکم بر این کتاب که طبق آن با طرح سوال مناسب و در اختیار داشتن آمار و اطلاعات کافی می توان رفتار افراد را در تمام زمینه ها مطالعه کرد، با نگرش معمول در اقتصاد، که مطالعه رفتار افراد را تنها در چهار چوب نظریه و مدل معتبر می داند، تفاوت دارد. در واقع، لویت تنها با تکیه بر یکی از اصول کلی اقتصاد که طبق آن انسان ها به انگیزه پاسخ می دهند، مستقیماً سراغ داده ها رفته است تا ابعاد پنهان رفتارهای مشخص و اجتماعی را آشکار کند. وی داده ها را منبع ارزشمندی از اطلاعات واقعی مربوط به رفتار افراد می داند که به پژوهشگر کمک می کند تا به آنچه در عمل اتفاق می افتد، نه آنچه به زبان آورده می شود، پی ببرد. اشکالی که معمولاً به این دیدگاه متکی بر داده ها گرفته می شود این است که داده ها ممکن است جامع یا کاملاً تصادفی نباشند، یا ابزارهای اندازه گیری از دقت و درستی مناسبی برخوردار نباشند و بنابراین، نتایج متکی بر این گونه مطالعات نمی تواند قابل تعمیم باشند. به عبارت دیگر، نتیجه ای که از یک نمونه گرفته می شود ممکن است در موارد دیگر اعتبار نداشته باشد. همچنین ممکن است نتایج به دست آمده به شرایط و اوضاع فرهنگی متفاوت حساسیت داشته باشند، بدین معنی که در جوامعی با فرهنگ، مذهب، یا سنت متفاوت با نمونه مطالعه، مطالعه معتبر نباشند.

## انگیزه، پایه زندگی مدرن

این کتاب درباره هزینه آدامس و مخارج تبلیغاتی، یا درباره نماینده ریاکار فروش مسکن، یا اثر قانونی شدن سقط جنین بر جرم نیست. البته، کتاب مطمئناً این سناریوها و ده ها سناریوی دیگر از هنر تربیت فرزند تا

تاثیرات آن در جامعه ارائه نمی دهد؛ بلکه از نظر استیون لویت، اقتصاد، علمی است که ابزارهای مناسبی برای به دست آوردن پاسخ دارد، اما از لحاظ طرح پرسش های جالب دچار کمبود واقعی است. قدرت واقعی او در طرح چنین سوال هایی است؛ پرسش هایی مثل، اگر فروشندگان مواد مخدر درآمد زیادی دارند، چرا هنوز با مادرانشان زندگی می کنند؟ کدام خطرناک تر است؛ اسلحه یا استخر شنا؟ کدامشان بیشتر جان کودکان را تهدید می کند؟ واقعا چه عاملی باعث شد تا طی دهه قبل، میزان جرم بسیار کاهش یابد؟ آیا کارگزاران بنگاه های مسکن از صمیم قلب برای منافع مشتریانانشان عمل می کنند؟ چرا پدر و مادران سیاه پوست نام هایی روی فرزندان شان می گذارند که موجب مشکلاتی در آینده شغلی آنها خواهد شد؟ آیا آموزگاران برای کسب امتیاز لازم در امتحانات سراسری مدارس تقلب می کنند؟ آیا در کشتی «سومو» که معتبرترین کشتی ها در ژاپن است، فساد وجود دارد؟ چگونه مردی بی خانمان با لباس کهنه و ژنده پوش می تواند هدفونی ۵۰ دلاری بخرد؟ ...

اینها بخشی از مباحثی است که نویسندگان کتاب به آن پاسخ می دهند؛ آن هم با زبانی شیوا و خواندنی که نوعی روایت داستانی را به ذهن می آورد. نویسنده در جایی می گوید: «اگر از من پرسید که آیا بازار بورس بالا یا پایین خواهد رفت یا این که اقتصاد رونق می گیرد یا راکد می شود، یا این که پایین رفتن قیمت ها خوب است یا بد، یا مثلاً درباره مالیات پرسید، اگر بگویم که چیزی درباره اینها می دانم کاملاً بی اساس است. چیزهایی که به آنها علاقه مندم، مسائل و معماهای زندگی روزمره است!

چگونه می توان برخی رفتارهای شخصی و اجتماعی را با ابزارهای اقتصادی تجزیه و تحلیل کرد. آیا اقتصاد برای مشکلاتی مانند تجاوز به حقوق دیگران، دروغ گفتن، تقلب، رانندگی های عجیب و غریب، پارتی بازی و ... که در جامعه امروزی - در سراسر جهان - تقریباً فراگیر شده اند، توضیح و راه حل مناسبی دارد؟ در کتاب «اقتصاد ناهنجاری های پنهان اجتماعی» نوشته، استیون لویت و استیون دانبرف که سعید مشیری، شیوا و روان آن را به فارسی برگردانده هر چند داده های اقتصادی - اجتماعی جوامعی مانند ژاپن و آمریکا استفاده شده است، ولی می تواند الگوی مناسبی برای چنین مطالعاتی در سایر جوامع باشد. این کتاب را که مطالعه آن برای هر مخاطب کتابخوانی می تواند علاوه بر جذابیت های آماری و پاسخ به پرسش های ذهن ایشان لذت بخش باشد، نشر نی سال ۱۳۸۷ منتشر و توزیع کرده است.

## شیوه داستانی

استیون لویت و استیون دانبرف در این کتاب، موضوعات مورد بررسی کتاب را از حالت مقاله های فشرده و تکنیکی مجله های علمی - دانشگاهی که عموماً اثر روانی ندارند خارج کرده اند و آنها را با استفاده از شیوه نگارش داستانی ارائه داده اند؛ به طوری که کتاب در عین این که برای پژوهشگران، اساتید و دانشجویان کاربرد دارد، برای مخاطبان عام تر هم قابل استفاده است.

در این کتاب پرسش ها و پاسخ هایی مطرح می شود که در کنار بحث آماری آنها و دقیق شدن نگاه موشکافانه نویسنده به این مباحث، مطالعه فصل های به هم پیوسته اثر را به لحاظ جذابیت سوژه و موضوع سهل می کند و نوعی کشمکش داستانی را نیز با خود یکدک می کشد. نویسنده تعریف علمی و خشکی از علم اقتصاد و

نحوه تقلب، از کارکرد درونی کوکلوکس کلان - گروهی نژاد پرست در آمریکا که عقاید افراطی داشتند و با سیاه پوست ها و سایر اقلیت های نژادی و مذهبی با خشونت رفتار می کردند - تا تبعیض نژادی در مسابقه ای تلویزیونی بر بررسی خواهد کرد. اما هدف این کتاب برداشتن یک یا دو لایه از سطح زندگی مدرن و مشاهده چیزهایی است که در زیر پوسته آن می گذرد. در کتاب سوال های بسیاری می شود، برخی به ظاهر بسیار کم اهمیت و برخی مهم تر است. پاسخ هادر بیشتر موارد ممکن است به نظر عجیب برسند، اما پس از روشن شدن حقیقت، نسبتاً بدیهی هم خواهند بود. ما در داده ها دنبال پاسخ می گردیم.

در نتیجه، این کتاب، از دیدگاهی بسیار ویژه بر پایه چند اصل اساسی علم اقتصاد و به این شرح نوشته شده است: انگیزه ها، پایه زندگی مدرن هستند و فهمیدن یا اغلب کنجکاری دربار آنها، تقریباً کلید حل همه معماهاست، از جرایم توأم با خشونت گرفته تا تقلب در ورزش و قرار ملاقات های اینترنتی و ...

این کتاب در شش فصل به این شرح منتشر شده است: یک: معلم های مدرسه و کشتی گیران سومو (ژاپنی) چه وجه اشتراکی دارند؟ دو: چه شباهتی بین گروه کوکلوکس کلان و فروشندگان آژانس مسکن وجود دارد. سه: چرا فروشندگان مواد مخدر هنوز پیامدارانشان زندگی می کنند؟ چهار: مجرمان کجا رفته اند؟ پنج: چگونه می شود پدر و مادری عالی بود؟ شش: تربیت عالی فرزند.

کتاب «اقتصاد ناهنجاری های پنهان اجتماعی» نوشته استیون لویت و استیون دانبرف با ترجمه سعید مشیری در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۴۵۰۰ تومان از سوی نشر نی منتشر شده است.

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات افراز با پانزده عنوان کتاب پرکارترین ناشر محترمنا رنجس با ده عنوان پرکارترین مولف؛ و صد علون با هفت عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

### شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۳۰۰۰ ریال	۲۵ روش برای زندگی بهتر، ناشر: سفیدساز، چاپ ۱، ۳۳ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۳۹۰۰۰۰ ریال	اسپیناس دهلن و فک و سورت، مریم قنبریه، ناشر: نوزاد جوان، چاپ ۱، ۹۰۸، ۱ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین لویت چاپ	۷۷ مرتبه	قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۲۱ الی ۹۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳۱۱ قانون تجارت کنونی، این نامه اصلاحی ثبت تشکلات ...، ناشر: دیدار، ۳۱۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۳۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	لویت چاپ عمومی (۲)، ایوانقلیل فراهانی، ناشر: دانشگاه پیام نور، چاپ ۱۲، ۱۲۰ صفحه، ۶۸۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۲۵۰۰ نسخه	فلسفه اتفاق، محمود احمدی، ناشر: محمود احمدی، چاپ ۱، ۱۴۸، ۱ صفحه، ۳۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۷۹۲ صفحه	کلیات دیوان شمس تبریزی، مشتمل بر اشعار فارسی، عربی، شععات و رباعیات، ناشر: ایقان، چاپ ۷، ۱۵۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۴ صفحه	رسول مهر: مجموعه آثار خوشنویسی ثلث با موضوع صلوات، اسلامی اثرهای جلی، ناشر: اندیشه زرین، چاپ ۱، ۱۵۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰۰ ریال

### شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۶۰۰۰ ریال	مجموعه سوالات هفتادگ کنکور فیزیک ۴ (همراه با پاسخ تشریحی و راهنمای تصحیح) رشته علوم تجربی، ناشر: راز نهان، ۴۴ صفحه
گرانترین کتاب	۱۷۰۰۰۰ ریال	مجموعه آزمون های طوق جزر با یک فرقی، ناشر: طرح نوین اندیشه، چاپ ۴، ۶۸۸، ۱ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین لویت چاپ	۷۷ مرتبه	مجموعه قیروس عمومی آبیات فارسی - زبان ترکیسی - الفبایشه اسلامی (۱) ویژه کبیری رشته ها، خیرالله اسماعیلی، ناشر: مدرسان شریف، ۴۹۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۹۸۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	شیمی عمومی ۱ (رشته شیمی)، سیاحند میرشکرایی، ناشر: دانشگاه پیام نور، چاپ ۱، ۳۳۱ صفحه، ۱۹۶۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	ماتریسهای الکتریکی، آریس لغوات، سیدحسین حسینیان، ناشر: دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران)، چاپ ۱، ۸۸۶، ۱ صفحه، ۱۲۰۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب های بدون قیمت	تعداد دیدار آژانس			تعداد کتاب های لغت
		مجموع	زن	مرد	
۴۰۳	۶۴	۶۲۱	۶۲	۶۶۰	۵

\* مبالغ نامی پدیدآورگان (بسته نویسنده، ناشر، گردآورنده، مترجم و ...) به هر مترجم

### گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸/۱۲/۱۳۸۷ تا چهارشنبه ۱۰/۱۲/۱۳۸۷، عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع ادبیات و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات دین، کودک و نوجوان، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

### گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تعداد *	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	ناشران متوسط صفحه
۱	کلیات	۳۵	۲۸	۷	۶۶	۹	۳۳	۲	۲۱۲۱
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۷	۴۰	۱۷	۲۷	۳۰	۵۲	۲	۲۱۹۲
۳	ادب	۱۲۸	۱۰۸	۲۰	۲۳	۶۱	۸۹	۳	۳۱۱۵
۴	علوم انسانی	۱۰۶	۸۸	۱۸	۳۳	۱۴	۹۴	۱۲	۲۹۸۱
۵	زبان	۳۱	۲۸	۳	۱۳	۱۸	۱۸	۳	۲۳۰۰
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۸	۲۵	۳	۱۴	۱۰	۳۵	۳	۲۰۶۶
۷	علوم عملی	۱۶۶	۱۱۳	۵۳	۱۰۷	۸۹	۱۸۴	۱۲	۲۴۳۳
۸	هنر	۵۱	۳۴	۱۷	۳۷	۱۴	۴۲	۸	۲۱۱۱
۹	ادبیات	۱۸۶	۱۲۸	۵۸	۱۳۱	۵۵	۱۷۲	۱۴	۲۰۷۰
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۵۹	۳۹	۲۰	۳۷	۲۲	۵۱	۸	۲۱۱۶
۱۱	آموزش و کمک درسی**	۸۲	۸۱	۱	۲۲	۶۰	۷۷	۲	۳۰۲۵
۱۲	کودک و نوجوان	۱۲۶	۸۴	۴۲	۶۰	۶۶	۱۱۵	۱۱	۴۲۴۲
	جمع بندی	۱۰۶۵	۷۸۰	۲۸۵	۶۱۳	۴۵۲	۹۶۱	۱۲۴	۲۶۱۴

\* تازه ها به نامی از روی اطلاعات می شود که ترجمه باشد. آثاری چون تصحیح، ترمیم، گردآوری، تحلیلی، شعر و مقاله آن.  
\*\* منظور از موضوع «آموزش و کمک درسی» کلیه کتابهایی است که به نوعی با مواد درسی و برنامه های آموزشی نام مطابقت بسیاری ندارند. راجعاً به وجود متن مربوط هست و مطابقت آنها دانش آموزان از پیش دبستان تا دبیرستان هست.

### شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گرانترین کتاب	۱۵۰۰۰۰ ریال	قصه های خانه برزی، رمان، ناهید صفوی، ناشر: جیحون جهان، چاپ ۱، ۳۳۰ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین لویت چاپ	۳۵ مرتبه	ایده ها و نقاشی ها، کتاب کمک آموزشی شیوهی فشار، گروه تحقیق جامعه القرآن الکبری، ناشر: جامعه القرآن الکبری، ۴۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	رنگ آمیزی و قصه، فرهاد فروتن، ناشر: سپیده، چاپ ۱، ۲۱، ۱۲ صفحه، ۷۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۱۰۰ نسخه	پنج بری نیلوفر، آسانه های شگفتی از کنور جین و هند، جیستا پترین، ناشر: افروز، چاپ ۱، ۸۸ صفحه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۷۲ صفحه	کتاب علوم من: هر کتک لیل آرالی، مجید عقیق، ناشر: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، چاپ ۳، ۳۳۰۰ نسخه، ۱۲۰۰۰۰ ریال



عبدالعلی شبستری

تورق کتاب تلاش مدیران نمایشگاه بیست و دوم

# خاطره‌ای ۶ میلیون نفری



برای شناخت بهتر دستاوردهای فرهنگی، راه‌های متفاوتی وجود دارد. اما مقایسه دوره‌های مختلف یک رویداد فرهنگی، تحولات را بیشتر آشکار می‌کند. نمایشگاه کتاب تهران و جهش‌هایی که در سال‌های اخیر حاصل شده، مصداقی بر این مدعاست. بازدید حدود شش میلیون نفر از نمایشگاه امسال، بی‌تردید خاطره‌ای ماندگار برای دوستان و دوستان و دست‌اندرکاران کتاب است. گفت‌وگوهایی که در پی می‌آید در راستای چنین هدفی صورت گرفته است.

## توجه به چهره‌های فرهنگی در گذشته

به گفته برخی از خبرگزاری‌ها، یکی از بحث‌های موجود در نمایشگاه کتاب تهران غلبه فضای تجاری به فضای فرهنگی بوده اما بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی چون نشست‌های سرای اهل قلم و غرفه دیدار با برگزیدگان جشنواره‌های فرهنگی از بخش‌هایی بودند که خلاف این امر را به اثبات رساندند. درباره فعالیت‌های سرای اهل قلم در نمایشگاه کتاب امسال، با احسان عباسلو -مدیر سرا- به گفت‌وگو نشستیم.

شاید سرای اهل قلم را بتوان به عنوان بارزترین متولی فعالیت‌های فرهنگی در فضای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برشمرد. فعالیت‌های امسال سرا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

درباره فعالیت‌های فرهنگی در نمایشگاه بیست و دوم شاهد یک روند رو به رشد بوده‌ایم. امسال علاوه بر سرای اهل قلم غرفه دیدار با برگزیدگان جشنواره‌های فرهنگی نیز بخشی از فعالیت‌های فرهنگی را عهده‌دار شد و در ایجاد فضای تعامل فرهنگی بسیار موثر عمل کرد. اما شاید شاخص‌ترین تفاوت سرا در نمایشگاه بیست و دوم افزایش تعداد جلسات و نشست‌ها، نسبت به سال گذشته بود. در سال گذشته مادر هر روز پنج‌شنبه نشست برگزار می‌کردیم که امسال این رقم به شش مورد رسید. یعنی این که در کل نمایشگاه ۱۱ نشست بیش از سال‌های گذشته برگزار شده است. این رقم در سال‌های دورتر بسیار کمتر و شاید روزی یک نشست بود.

برگزاری شش نشست در روز، واقعا کار طاقت‌فرسایی بود که هم به انرژی و نیروی انسانی زیادی احتیاج داشت و هم برنامه‌ریزی بسیار دقیقی را می‌طلبد.

آیا برنامه‌های امسال سرا جهت‌گیری خاصی داشت؟

در نمایشگاه امسال تلاش کردیم که برنامه‌های مناسبی را بیشتر مدنظر قرار دهیم. امسال با مناسبت‌هایی چون سی سالگی انقلاب اسلامی، هزاره فردوسی و سال شیخ بهایی روبه‌رو بودیم. همین‌طور به دلیل نزدیک شدن به سالگرد عروج امام خمینی (ره) نشست‌هایی در حوزه ادبیات با موضوعاتی که اشاره شد برگزار کردیم. علاوه بر اینها، جامعه فرهنگی و ادبی ما از نمایشگاه پیشین تا نمایشگاه بیست و دوم، چهره‌های شاخصی چون منوچهر احترامی، طاهره صفارزاده و رضا سید حسینی را از دست داد که ما برنامه‌هایی در مورد شخصیت علمی این استادان برگزار کردیم.

نسبت به سال گذشته چه تغییراتی در اجرای نشست‌ها صورت گرفت؟

یکی از مهم‌ترین تحولات مثبت در این زمینه، واگذاری مسئولیت برگزاری جلسات به نهادهای دولتی و غیردولتی بود. اساسا جهت‌گیری کلی ما

بخش تعیین سهمیه ارزی به طبقه همکف شبستان، از اقدامات جدید در بخش بین‌الملل بود که موجب رضایت بیشتر مخاطبان نمایشگاه شد.

در تقسیم‌بندی غرفه‌های ریز و یک‌درد جدیدی داشتید؟ بله. در تقسیم‌بندی و جانمایی غرفه‌های ارزی به گونه‌ای عمل شد که تمامی غرفه‌های کوچک بین غرفه‌های بزرگ جانمایی شدند. این امر سبب شد تا رضایت خاطر آنان فراهم شود چون در سال‌های گذشته، غرفه‌های بالای ۵۰ متر در یک قسمت و در ابتدای سالن قرار داشتند و این قضیه موجب اعتراض غرفه‌های کوچک شده بود. افزایش میزان دکوراسیون‌سازی در سالن بین‌الملل نسبت به سال‌های گذشته، از دیگر نکات جالب توجه بخش بین‌الملل بود.

از نشست تخصصی در بازار جهانی کتاب بگوئید. تعداد دقیق این جلسات، ۲۰ نشست بود که طی آن به بحث‌هایی کاملا تخصصی در مورد توسعه بین‌المللی نشر ایران پرداخته شد.

برخی از این نشست‌ها به درخواست شرکت‌کنندگان خارجی و توسط خود آنها به اجرا درآمد.

ارزیابی ناشران بخش بین‌الملل درباره برگزاری نمایشگاه چه بود؟

شرکت‌کنندگان بخش بین‌الملل، به ویژه شرکت‌کنندگان خارجی از حضور خود در این بخش کاملا رضایت داشتند و امیدوار بودند که در سال‌های آتی حضوری پر بارتر داشته باشند. برخورد‌های شرکت‌کنندگان در بخش بین‌الملل چنان گرم و صمیمانه بود که مشوق دست‌اندرکاران بخش بین‌الملل برای تلاش بیشتر و برطرف کردن مشکلات موجود و ارائه خدمات بهتر می‌شد.

## مصلی مناسب‌ترین محل

حسین صفری، مدیر اجرایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، از دوره هشتم برگزاری نمایشگاه کتاب در جریان این رویداد فرهنگی بوده و از بسیاری از پیچیدگی‌ها و مشکلات نمایشگاه آگاه است.

تغییر در مکان نمایشگاه کتاب، چه تاثیری بر امور اجرایی نمایشگاه داشته است؟

از زمانی که نمایشگاه کتاب تهران از محل نمایشگاه بین‌المللی به مصلائی بزرگ تهران انتقال یافت، متراژ و فضای بیشتری به فعالیت‌های ناشران اختصاص پیدا کرد. امکانات رفاهی مصلی از نمایشگاه بین‌المللی بیشتر است. در سال‌های پایانی برگزاری نمایشگاه در محل نمایشگاه بین‌المللی، ما حتی سرویس‌های بهداشتی که با جمعیت بازدیدکننده تناسب داشته باشد، در اختیار نداشتیم. دسترسی مردم به محل مصلی نیز بسیار راحت‌تر از مکان قبلی نمایشگاه کتاب است. در گذشته نمایشگاه بار ترافیکی سنگین و فلج‌کننده‌ای را به مردم در محدوده بزرگراه چمران تحمیل می‌کرد اما اکنون دسترسی مردم راحت‌تر شده و وضعیت ترافیکی منطقه نیز زیاد دچار دگرگونی نمی‌شود.

یکی از مسائل برگزاری نمایشگاه در محل مصلا تمرکز غرفه‌ها در مکان‌های محدودتر نسبت به نمایشگاه بین‌المللی است. این را ویژگی می‌دانید یا ضعف؟

این ویژگی مبارکی است که شرایط بازدید را تسهیل می‌کند. در گذشته مخاطبان نمایشگاه برای یافتن یک غرفه باید مسافت‌های طولانی‌ای را طی می‌کردند، اما ما توانسته‌ایم حدود ۲۵۰۰ غرفه را در نقاطی نزدیک به هم متمرکز کنیم.

که البته تا اندازه‌ای کار مدیریت را دچار مشکل می‌کرد. امسال تعداد ناشران کودک و نوجوان از ۱۶۰ ناشر به ۲۱۴ ناشر افزایش یافت و گرچه این افزایش نویددهنده اشتیاق بیشتر ناشران برای شرکت در نمایشگاه بود اما من احساس می‌کنم باید تعرفه‌های حضور برای ناشران را قدری سخت‌تر کنیم.

## یعنی افزایش تعرفه‌ها؟

عقیده داریم که باید ناشران نسبت به فضای فرهنگی نمایشگاه توجه شوند و مجاز نباشند اجناس دیگری به جز کتاب را در نمایشگاه بفروشند. مسئولان نمایشگاه باید این شرایط را کنترل کنند و به ناشرانی که اجناس دیگری مثل پازل یا عروسک در نمایشگاه می‌فروشند، اجازه حضور مجدد در نمایشگاه‌های بعدی ندهند یا از این دسته ناشران تعهدنامه‌ای بگیرند تا اگر چنین رفتارهایی را تکرار کردند، بتوان به راحتی آنها را جریمه کرد.

## زمینه تعامل بین ناشران چگونه بود؟

در برخی بخش‌ها مانند بازار بین‌المللی کتاب امکان تعامل در فضایی آرام و مثبت وجود داشت؛ اما ناشران داخلی چنان درگیر مخاطبان علاقه‌مند می‌شدند که گاه امکان و زمینه تعامل بین آنان فراهم نمی‌شد.

## تحولات گسترده در بخش بین‌الملل

برآیند گفت‌وگوهایی که در شماره‌های پیشین کتاب هفته با ناشران خارجی و شرکت‌کنندگان بخش بین‌المللی نمایشگاه انجام گرفته، نشان می‌دهد که این ناشران نسبت به ابعاد مختلف نمایشگاه و مدیریت بخش بین‌الملل ابراز رضایت کرده‌اند. به همین دلیل به سراغ مدیر بخش بین‌المللی نمایشگاه، دکتر محمدرضا وصفی رفتیم تا از تغییرات و تدابیر مدیریتی در نمایشگاه امسال آگاه شویم و همچنین تفاوت‌های نمایشگاه امسال و دستاوردهای آن را بررسی کنیم.

بخش ناشران خارجی نمایشگاه امسال، شاهد چه تغییراتی جدیدی بود؟

شکل‌گیری بخش جدیدی به نام E-Book در سالن بین‌المللی، گسترش ورودی‌های بازدیدکنندگان به سالن‌ها، در نظر گرفتن یک کارشناس مترجم برای ایجاد ارتباط با شرکت‌کنندگان خارجی و دریافت نظرات آنها به صورت روزانه، اضافه شدن چندین کشور به بخش بین‌المللی و انتقال محل بانک و

این است که تنها به عنوان هماهنگ‌کننده و مدیر در نمایشگاه حاضر باشیم و برگزاری جلسات و مسائل اجرایی را تا حد امکان، به ناشران، نویسندگان یا دیگر کسانی که انگیزه برگزاری جلسات را دارند، واگذار کنیم.

به این ترتیب در مجموع، فعالیت‌های سرا را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

به زعم من، سرای اهل قلم به خوبی توانست فاصله بین مخاطب با مولفان و مترجمان را کم کند. به ویژه در مورد مخاطبانی که از شهرستان آمده بودند، برنامه‌های سرای اهل قلم فرصت مناسبی برای ارتباط آنان با نویسندگان بود.

## جهش در حضور ناشران کودک و نوجوان

محسن یگانه، مدیر یکی از پر مخاطب‌ترین بخش‌های نمایشگاه یعنی سالن کودک و نوجوان بود. او که مدیریت اجرایی انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان را بر عهده دارد، معتقد است که تعداد ناشران کودک و نوجوان حاضر در نمایشگاه در سال اخیر، چنان گسترش یافت که مسئولان برگزاری نمایشگاه، برای سامان‌دهی آن با کمی مشکل روبه‌رو شدند.

نمایشگاه بیست و دوم به لحاظ خدماتی، چه تفاوتی با نمایشگاه‌های پیشین داشت؟

مسائل خدماتی نمایشگاه امسال نسبت به سال‌های گذشته بهتر شده بود. این بهبود را در دو زمینه می‌توان بررسی کرد؛ نخست خدماتی که به مردم ارائه شد و دوم، خدماتی که به ناشران مربوط می‌شود. در زمینه خدمات‌رسانی به مردم، امسال شاهد اطلاع‌رسانی بسیار بهتر نسبت به سال‌های گذشته بودیم. همچنین فضاهای مناسبی برای استراحت بازدیدکنندگان پیش‌بینی شده بود و مردم می‌توانستند به راحتی مواد غذایی استاندارد در فضای نمایشگاه تهیه کنند. ناشران نیز از خدمات خاص خود بهره‌مند بودند. به عنوان مثال فضای سالن کودک و نوجوان امسال ۲۰ درصد افزایش داشت و تقسیم‌بندی غرفه‌ها نیز بهتر صورت گرفته بود. امسال در سالن‌ها، بانک مستقر شده بود و ناشران به خدمات اینترنتی دسترسی داشتند.

آیا تعداد ناشران شرکت‌کننده در سالن کودک و نوجوان تغییر کرده بود؟

در این زمینه شاهد یک جهش قابل توجه بودیم

نگاهی به آخرین اثر چارلز بوکفسکی، «عامه پسند»

# با «وودی آلن» بخند، با «بوکفسکی» اشک بریز

بودند. سکوتی سفید».

اما شخصیت پردازی داستان بسیار قابل پیش بینی و کلیشه ای است. «نیک بیلین» یک کارگاه خصوصی بدشانس است که در هالیوود زندگی می کند و در مشروبات الکلی، قرض و تنفر از خودش غرق شده. دوستان او کمند، دشمنانش هم همین طور، اما تعداد مشتریان هم از تعداد دوستانش کمتر است و هم از تعداد دشمنانش. پس از اینکه «بانوی مرگ» او را با دستمزد ۶ دلار در ساعت به کار می گیرد تعداد مشتریانش بیشتر شده و سه مورد کاری دیگر نیز به او پیشنهاد می شود. به نظر می آید که اوضاع بد اقتصادی او به زودی بهتر می شود، ولی یک مشکل وجود دارد: تنها کاری که این کارگاه بهتر از هر کار دیگر انجام می دهد وقت تلف کردن است. او سعی می کند پرونده هایی را که در دست دارد حل کند، اما ظاهراً نمی تواند زیاد از رستوران ها دور شود.

بیلین آدم سخت و محکمی است، نه از چیزی می ترسد و نه از چیزی خجالت می کشد. آدم خیلی باهوشی هم هست. اما هر پرونده ای که بسته می شود نه از روی هوش و ذکاوت او بلکه تصادفی و صرفاً از روی خوش شانسی به نتیجه می رسد. البته به جز پرونده «بانوی مرگ» که در آن بیلین با زیرکی تمام موضوع را حل کرده و مهیج ترین قسمت کتاب را برای خواننده می سازد.

طنز کنایه آمیز و خشونت زمخت موجود در داستان نیز از ویژگی های اثر محسوب می شوند که به داستان اعتبار می دهند. اما به عقیده بسیاری از منتقدان این نقاط قوت، نسبت به نقاط ضعف داستان در پرداخت موضوع و کلیشه وار بودن آن اندک است.

به نظر می رسد بوکفسکی در روایت این داستان بین دو نکته سرگردان است؛ این که آیا می خواهد مثل وودی آلن باشد و داستانی بنویسد که با طنزی شروانه داستان های عامه پسند را مورد تمسخر قرار می دهد یا اینکه خودش باشد؛ شاعر محله های فقیرنشین که مرکز احساسات آثارش جایی است میان اشک و لبخند؛ کسانی که به داستان های کارگاهی علاقه مندند و پیش از این آثار بوکفسکی را نخوانده اند احتمالاً در داستان گم شده و نمی فهمند که چه اتفاقی افتاده است، اما آشنایان و علاقه مندان سبک بوکفسکی با کمی دقت بیشتر می فهمند که کجای ماجرا باید با وودی آلن خندید و کجا باید با چارلز بوکفسکی اشک ریخت.



بوکفسکی در به تصویر کشیدن تاریکی های روح انسان چشم ریزی دارند.

«عامه پسند» پستی و بلندی های خاص خودش را دارد. بوکفسکی همیشه در بیان موضوعات ظرافت به خرج نمی دهد اما روی هم رفته نثر مقطع او به سبک مینی مالستی نزدیک شده و برای بیان موضوعات مورد نظرش مناسب است: «تاریک بود. تلویزیون خاموش بود. مسئول رستوران یه آدم چرب و چیلی بود که حدوداً ۸۰ ساله می زد، کاملاً سفید بود، موهای سفید، پوست سفید، لب های سفید. دو نفر دیگه هم اونجا نشسته بودن، به سفیدی گچ ... نوشیدنی ای روی میز نبود. همه بی حرکت

## درباره چارلز بوکفسکی

چارلز بوکفسکی یکی از سرشناس ترین نویسندگان و شاعران معاصر آمریکا است. بسیاری او را تاثیرگذارترین نویسنده معاصر آمریکا لقب داده اند. او در ۱۶ اوت ۱۹۲۰ در آلمان به دنیا آمد و در سه سالگی با خانواده اش به آمریکا رفت. بوکفسکی ۵۰ سال در لس آنجلس زندگی کرد. نخستین اثر او که یک داستان کوتاه بود در سال ۱۹۴۴ و در سن بیست و چهار سالگی اش منتشر شد. بوکفسکی شاعر نیز هست و سرودن شعر را در سی و پنج سالگی آغاز کرد. او آخرین اثرش، «عامه پسند» را درست پیش از مرگش در ۹ مارس ۱۹۹۴ نوشت. بوکفسکی در طول زندگی ۷۴ ساله اش، ۴۵ اثر داستانی و دفتر شعر منتشر کرد که تاکنون به بیش از ۱۲ زبان ترجمه شده اند. مجموعه شعرهای «آن سوی پنجره پرنده ای کوچک»، «درد پوچ»، «سوختن در آب، غرق شدن در آتش»، «شاعری با یک پرنده ای»، «عشق، سنگی جهنمی»، «یک شعر تا حدودی من در آوردی» و مجموعه داستان «موسیقی آب گرم»، تاکنون از این نویسنده به فارسی برگردانده شده اند. آخرین اثری هم که از او به فارسی ترجمه شده «عامه پسند» نام دارد که پیمان خاکسار آن را ترجمه کرده و به تازگی از سوی نشر چشمه منتشر شده است.

«چشم ام آبی بودن و کشام کهنه و هیچ کس هم دو سوسم نداشت. اما یه کارایی بود که باید انجام می دادم. من نیکی بیلین بودم، کارگاه خصوصی». بد نیست چند نکته را درباره آقای بیلین بدانید: او قهرمان یکی از رمان های چارلز بوکفسکی است و آقای نویسنده این رمان را پیشکش کرده به تمام «نوشته های بد». مشتری بیلین خانم قرمز پوشی است به نام «بانوی مرگ» که شاید خود مرگ باشد و از بیلین می خواهد تا ببیند مرد عجیب و غریبی که دور و بر کتابفروشی «رد کلدوفسکی» می پرد همان «لوییس فردینال سلین» نویسنده فرانسوی ای است که در سال ۱۹۶۱ مرد، یا یک آدم عجیب و غریب دیگر که قیافه اش شبیه «سلین» است؟

این ششمین و آخرین رمانی است که بوکفسکی در زندگی خود نوشته و منتشر کرده است. وی این کتاب را در سال ۱۹۹۴ و با نام اصلی «Pulp» به چاپ رسانده. حالا «عامه پسند» بوکفسکی به فارسی هم ترجمه شده و به تازگی از سوی نشر چشمه روانه کتابفروشی های ایران شده است. این دومین کتاب داستانی و اولین رمان از این نویسنده است که رخت واژگان فارسی می پوشد.

معلوم نیست هدف بوکفسکی از نوشتن این رمان تجلیل از رمان های عامه پسند بوده یا مسخره کردن آنها. البته به احتمال زیاد منظورش هم مسخره کردن و هم تجلیل از این سبک نوشته ها بوده است. نتیجه کارش هم رمانی شده هجوآمیز که در بعضی جاها به شدت خنده دار و در بعضی جاها شدیداً خسته کننده است.

خوانندگان آثار بوکفسکی اکثراً رابطه دوگانه ای با نوشته های او برقرار می کنند؛ یا عاشق آثارش هستند و یا از آنها متنفرند. هواداران آثار بوکفسکی به حدی به نوشته های او عشق می ورزند که آنها را در زمره آثار کلاسیک دیده و تک تک جمله هایش را با حرص می بلعند. آخرین اثر بوکفسکی هم که «عامه پسند» (پالپ) نام دارد تمامی اصطلاحات عوامانه و زمختی را که در مجموعه آثار او دیده می شود در بر گرفته است.

به نظر می رسد که در «عامه پسند» بوکفسکی بیش از هر چیز به موضوع مرگ پرداخته. این که این رمان آخرین اثری است که این نویسنده پیش از مرگش نگاشته است تا حد زیادی باعث می شود تا «نیک بیلین» را چون جانشین خود بوکفسکی و نماینده او در داستان ببینیم. بوکفسکی - با وجود احترامی که به آثار خودش

نمی نویسد ... فکر می کنم «لری ایگنر» بزرگ ترین شاعر در قید حیات زبان انگلیسی باشد.

میکی ماوس تاثیر بیشتری روی مردم آمریکا گذاشته تا شکسپیر، میلتون، دانت، لنین، ونگوگ و دیگران. دیزنی لند برای ساکنان کالیفرنیا جنوبی جذاب ترین جاست. اما تنها جای واقعی ای که وجود دارد قبرستان است.

تا وقتی که چهار دیوار دورت را گرفته و ماشین تایپ و کاغذ داری فرقی نمی کند کجانشسته ای و داری می نویسی. در دهانه یک آتشفشان هم می توان نوشت.

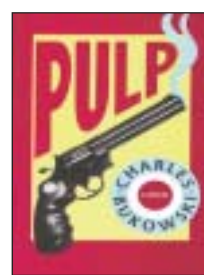
تا به حال ۱۴، ۱۵ بار بازداشت شده ام. همیشه فکر می کردم خشن تر از این حرف ها هستم، اما هر بار که مرا گرفته اند اشکم در آمده.

بوکفسکی دیگر کیست؟ من درباره بوکفسکی چیزهایی خوانده ام اما انگار این آدم هیچ ربطی به من ندارد. متوجه منظوم هستی؟

فکر می کنم به زودی ناپودمی شویم. این یک حساب کتاب کوچک ریاضی است. بالاخره یک آدم دیوانه قدرت را به دست می گیرد و با بی تدبیری دنیا را به آتش می کشد.

## بوکفسکی درباره خودش:

### بوکفسکی ربطی به من ندارد!



بیشتر آثار من با توجه به زندگی شخصی ام نگاشته شده اند. تقریباً ۹۹ درصدشان. آن یک درصد دیگر را در خواب دیده ام.

به جز «رابینسون جفرز» هیچ شاعر منزوی دیگری نمی شناسم. همه شاعران دیگری که می شناسم باهم رابطه نزدیکی دارند. به نظر می آید که من آخرین نفر از نسل شاعران تنها باشم.

چه کسی از آدم ها خوشش می آید؟ یک نفر را به من معرفی کنید تا بگویم چرا از او خوشم نمی آید. ما «ازرا پاوند» را داریم و «تی.اس. الیوت» را اما دیگر هیچ یک



## روایت اول شخص

### ساده نویسی برای نوجوانان

عباس جهانگیریان: نویسنده



به زودی آخرین رمانم «خواب دخترها چپ نیست» توسط نشر منادی تربیت منتشر می شود و داستان آن برداشت آزادی از نوجوانی حضرت یوسف(ع) است که با بازی های تکنیکی در طول داستان قصه را پیش می برم.

رمان «هامون و دریا» را نیز با ویرایش جدید برای چاپ دوم به همین ناشر سپرده ام که تا دو ماه آینده آماده خواهد شد. این داستان پیش از این برگزیده شورای کتاب کودک و کاندیدای جایزه مهرگان ادب سال ۱۳۸۲ بود و کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، یک فیلم سینمایی با همین عنوان بر اساس آن ساخت. این رمان به زبان ارمنی هم ترجمه شده است.

در نظر دارم چاپ دوم کتاب «فرهنگ تئاترها و نمایش های تلویزیونی» شامل بررسی تئاتر و نمایش های تلویزیون تا سال ۱۳۸۷ را توسط انتشارات صدا و سیما منتشر کنم که چاپ نخست آن در سال ۱۳۷۵ منتشر شد اما در حال حاضر نایاب شده است. قراردادی با نشر زلال دارم تا ۳۰ رمان تاریخی درباره مشاهیر ایران تهیه کنم که دربرگیرنده زندگینامه و آثار این مشاهیر برای نوجوانان و جوانان باشد. از این مجموعه تاکنون رمان هایی درباره شخصیت هایی چون «فارابی»، «ابن مقفع» و «هفت پیکر نظامی گنجوی» را نوشته ام و نگارش رمان تاریخی «رودکی» رو به اتمام است.

در چند ماه گذشته نیز رمان های «اردشیر بابکان» توسط انتشارات مدرسه و «چهارمقاله نظامی عروضی» توسط نشر پیدایش منتشر شده اند. در «چهارمقاله عروضی» سعی کرده ام واژه های عربی و دشوار فارسی را با معادل های آنها یا واژه های ساده تر جایگزین و کتابی قابل خواندن برای نوجوانان و جوانان ارائه کنم. در این زمینه یکی از دوستانم به نام محمد شریعتی که ویراستار و کارشناس ادبیات کهن است، کمک شایانی به من کرد.

اگر بخواهیم جوانان و نوجوانان ما با مشاهیر ایران آشنایی داشته باشند و آثار گذشتگان را مطالعه کنند، باید این آثار و حتی زندگی نامه آنان را در قالب داستان های تاریخی و به زبانی ساده بیان کنیم.

### خاک بیدار می شود

قاسم صنعوی: مترجم

بعد از ترجمه «بنونی» و «رزا» از آثار کنوت هامسون نویسنده نروژی، برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۲۰، مشغول ترجمه رمان «بیداری خاک» همین نویسنده از متن فرانسوی این اثر هستم.

پیش تر، از این نویسنده کتاب های «رازها»، «ویکتوریا» و «زیر ستاره پاییزی» را ترجمه کرده ام که از سوی نشر گل آذین منتشر شده اند. استقبال از این کتاب ها موجب شده تا این انتشارات تصمیم بگیرد ترجمه فارسی تمام آثار این نویسنده را منتشر کند.

سبک هامسون رئالیسم و واقع گرایی لطیف و زیبایی دارد و آثارش با نقد اجتماع خویشتن و زبان شناسی عمیقی همراه و هم نشین است. شاید به همین علت است که بسیاری او را با داستایفسکی مقایسه کرده و به هامسون لقب داستایفسکی

اسکاندیناوی داده اند.

کتاب دیگری که این روزهایم را مشغول کرده، ترجمه مجموعه از اشعار شاعران جهان است که مقرر شده این سروده ها همراه شرح حال و زندگی نامه آن ها توسط نشر توس منتشر شود. بخش اصلی شعر های این کتاب پیش تر با ترجمه من در نشریات، مجله ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی مورد استفاده قرار گرفته است و مشغولیت اخیر بیشتر به نوعی گردآوری دوباره ترجمه هایی است که قبلا بر آثار این شاعران انجام داده ام.

### دل نگران خوانندگان

مصطفی مستور: نویسنده و مترجم



رمان «من گنجشک نیستم»، آخرین نوشته داستانی ام که ناشی از رویکرد جدیدی است و سعی دارم به آن شیوه بنویسم، اخیرا منتشر شده است. این کتاب در سومین روز از بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در غرفه نشر مرکز عرضه شد. ناشر می گوید تا پایان نمایشگاه روزانه ۳۰۰ نسخه از آن به فروش رفته که آمار نسبتا خوبی است و از این بابت خرسندم. حدس من این است که مخاطبان کتاب های قبلی ام این کتاب را می خرند و به همین علت نگرانم که از این اثر مایوس شوند. با اینکه امیدوارم این گونه نباشد، اما به هر حال این رمان با آثار قبلی من تفاوت هایی دارد. به باور خودم جذابیتش کمتر است و شاید مخاطب سخت تر بتواند با این رمان ارتباط برقرار کند. این ناشی از همان نگرش و رویکرد تازه ای است که تلاش دارم به کاربندم و در داستان هایم منعکس کنم.

همچنین مجموعه داستانی تحریر کرده ام که تا پایان ماه اول تابستان از سوی نشر چشمه منتشر می شود. این کتاب ۶ داستان کوتاه از نوشته هایم را دربر خواهد داشت.

### از فعالیت انتشاراتی تا تألیف

پرویز بیگی حبیب آبادی



نزدیک به یک سال است که انتشارات «فصل پنجم» را با هدف ایجاد فضای تخصصی برای چاپ شعر در زیر مجموعه های ترجمه، شعر محلی، نقد، چاپ متون گذشته و گردآوری شعر به عنوان نخستین نشر تخصصی در حوزه شعر راه اندازی کرده ام که در این مدت ۲۶ عنوان کتاب منتشر شده و ۱۴ عنوان کتاب نیز در دست انتشار است. در نمایشگاه هم استقبال خوبی از این نشر صورت گرفت.

کتابی با عنوان «همگام با حماسه» با نام فرعی «تورقی در مطبوعات کشور از شهریور ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۹» را در دست چاپ دارم که به زودی توسط انتشارات صریح منتشر می شود. در این کتاب تمامی اشعار و قطعات ادبی که عامه مردم برای دفاع مقدس نوشته یا سروده اند و تعلق خاطر خود را با زبان شعر نسبت به مقاومت بیان کرده اند به ترتیب تاریخ آمده است.

کتاب دیگری نیز با عنوان «زندگی نامه ۱۱۰ شاعر» در دست تألیف دارم. این کتاب شامل معرفی و زندگی نامه شاعرانی است که در سومین جشنواره شعر فجر به عنوان چهره های برتر انتخاب و تقدیر شدند. همچنین گفت و گویی با این شاعران هم در این کتاب می آید. نمی از مراحل آماده سازی این کتاب سیری شده و امیدوارم «زندگینامه ۱۱۰ شاعر» تا ۶ ماه آینده منتشر شود.

تاملی در تذکرات شعر فارسی» هم مجموعه ای ۱۰ جلدی است که ضمن تحقیق، تلخیص و ساده نویسی در تذکرات های دوران صفویه و قاجاریه

به بیان نکات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ادبی آن روزگار می پردازد، چهار جلد آن شامل تاملی در تذکرات های «تحفه سامی»، «روز روشن»، «انصر آبادی» و «حدیقه الشعرا» منتشر شده و «تذکره اختر» و «تذکره مصطبه خراب» را در دست تألیف دارم که انتشارات امیرکبیر آنها را منتشر می کند.

### معرفی عرفان و اسطوره

ابوالقاسم اسماعیل پور: اسطوره شناس



«دایرة المعارف اساطیر جهان» به صورت رنگی و در ۳۰۰ صفحه، آخرین مراحل آماده سازی را می گذراند که روایت جدید همان دانش نامه اساطیر جهان (برگزیده سومین دوره جایزه کتاب فصل پاییز ۱۳۸۶) و در همان سبک و سیاق است که در قطع رحلی همراه با تصاویر رنگی اسطوره ای منتشر می شود.

این کتاب حاصل تلاش چندین متخصص اسطوره شناس، مردم شناس و جامعه شناس است که در انتشارات تایمز لندن به چاپ رسیده و من آن را ترجمه و مقدمه ای بر آن نوشته ام.

کتاب «ادبیات گنوسی» که شامل معرفی مکتب گنوسیسم (عرفان مسیحی)، برگزیده متون نثر و شعر گنوسی ها و انجیل گنوسی را برای نخستین بار در ایران ترجمه کردم که به زودی منتشر می شود. از آن جا که در ایران باستان مانوی ها جزو این مکتب بوده اند، بررسی آیین و ادبیات گنوسی از نظر تاریخی بسیار قابل تأمل است. در ابتدای این کتاب نیز مقدمه جامعی در تحلیل این مکتب آورده ام.

هردوی این کتاب ها در ادامه سلسله کتاب های اسطوره شناسی «نشر اسطوره» منتشر می شوند.

### یادنامه استاد شهریار

حسین اسرافیلی، شاعر

این روزها در حال آماده سازی مراحل پایانی کتاب «یادنام استاد شهریار» به سفارش وزارت ارشاد هستم. این کتاب شامل بخش هایی از جمله مقدمه، زندگی نامه، مقاله های مرتبط با شهریار، شعرهایی که برای او سروده اند و خاطرات مطرح شده از سوی دوستان نزدیک او است.

در تدوین این مجموعه از دیوان اشعار شهریار، مقاله های موجود در مطبوعات، خاطرات برخی از دوستانش مانند اخوان ثالث و کتاب هایی که درباره او منتشر شده به عنوان منابع استفاده کرده ام و فکرمی کنم مجموعه خوبی برای افرادی که به دنبال اطلاعات جامع درباره استاد شهریار هستند، فراهم شده و به شناخت ابعاد مختلف شخصیت او مانند معنویات، موسیقی از دیدگاه شهریار، اصطلاحات و ضرب المثل هایی که در شعرش به کار رفته و... کمک می کند. این کتاب حدود ۲۰۰ صفحه است و تقریبا تا یک ماه دیگر تألیف آن به اتمام می رسد. کتاب را برای انتشار به وزارت ارشاد خواهم سپرد.

کتاب دیگری که در دست تدوین دارم «فرهنگ قافیه» است. این کتاب نگاهی دارد به پیشینه شعر در ایران، تعریف آرایه های کلامی از منظر های گوناگون و ذکر نمونه هایی از این آرایه ها که در ۱۶ هزار فیش آماده شده و در حال حاضر به ویرایش نهایی نیاز دارد البته فکر می کنم این کار پنج تا شش ماه به طول بینجامد. هنوز تصمیم نگرفته ام که این کتاب را برای انتشار به کدام ناشر بسپارم.

هدفم از تألیف این کتاب رفع نیازی بود که در شاعران جوان نسبت به کمبود دایره واژگان آنها در شعر احساس می کردم و البته علت آن هم نوع زندگی و درگیری های روزمره است که فرصت مطالعه را از افراد گرفته و امیدوارم این کتاب حاضر گامی موثر در این راستا باشد.

### یادداشت

محمد رضا یوسفی



### یک سال پس از ابراهیمی عاشق



شناسه عشق، افسارگسیختگی است. آشفتگی و ناآرامی. شیفتگی و جسارت؛ و تضاد شیرین عشق ثبات است. ثابت قدمی در عین آشفتگی. پس نادر ابراهیمی عاشق بود. عاشق بی چون و چرای ادبیات. او لحظه به لحظه زندگی خود را با ادبیات زیست. با ادبیات رشد کرد. از ادبیات نوشید. با ادبیات عشق بازی کرد. هر شب در اندیشه ادبیات خوابید و هر صبح با ادبیات، زندگی را از سر گرفت. به ادبیات وفادار ماند و هر چه کرد برای او بود.

نویسنده اگر عاشق نباشد، اشباع می شود. اندکی می نویسد، چند پله کوتاه را فتح می کند و سپس به دغدغه دیگری می پردازد؛ اما ابراهیمی سیر نشد. او که کوهنوردی حرفه ای بود، با ادبیات چون قله ای بلند رفتار کرد که عاشقانه در پی فتح آن است. گونه های ادبی حکم قله های یک کوهستان رفیع را داشت با صخره هایی سنگی و صعب العبور و او پرچم فتح خود را بر تمامی آن ها برافراشت. ابراهیمی در نهایت زندگی خود را با ادبیات تاخت زد. مرکب عشق در قلم او جاری شد تا پیچ و خم های ادبیات را ببیماید. رمان نوشت. نمایشنامه خلق کرد. شعر سرود. داستان های کودک تحریر کرد و در وادی نظریه پردازی تئوریک قلم زد. با سلاح ادبیات به سینما رفت و فاتحانه بازگشت. تدریس پیشه کرد و تجربیات خود را آموزش داد. باید گفت او عاشقانه زیست تا «نادر ابراهیمی» خلق کند. نادر از آن نویسندگانی بود که به حرمت ادبیات

ما تبدیل شد. سالیان سال مستمر و مستقل، خود را وقف کارش کرد. هنرمندی که زیبا زیست. هر چه ما را از کار بازمی دارد برای او نیز وجود داشت. دو جین از اضطراب ها و نگرانی ها. بیم ها و مشکلات معاش. شکست ها و کم لطفی ها؛ اما نادر از کار دست نکشید. لذا زندگی هنری را ارجح دانست و به پیش تاخت. اینکه نادر ابراهیمی را نویسنده بزرگسال بدانیم، داستان نویس کودکان لقب دهیم، تصویرگر بشناسیم، شاعر بنامیم یا از اهالی سینما، اندکی دشوار است. نگارنده، نادر ابراهیمی را از انبوه هنرهایش، در درجه نخست یک نویسنده ادبیات بزرگسال می داند و سپس بزرگترین ویژگی او را پرداختن به تئوری های ادبی بر می شمارد.

نظریه های ابراهیمی هر چند گاهی جنجال آفریده و باورهای غالب را کنار زده است، اما در کنار استدلال هایش، بسیار قابل تأمل می نماید. وی در زمره نخستین کسانی است که آثاری تئوریک در مورد ادبیات فارسی کودکان و نوجوانان خلق کرد. همچنین با صراحت عنوان کرد که ادبیات فارسی ریشه در هزاران سال ادب و هنر این مرز و بوم دارد و وامدار سبک های غربی نیست. به باور وی، این غرب بود که گونه های ادبی را از شرق به عاریت گرفت و رشد کرد. هر چند معمولا می پندارند که ما پس از انقلاب مشروطه و تحت تاثیر نهضت ترجمه، داستان نویسی نوین را آغاز کردیم، اما نگاه جسورانه ابراهیمی و استدلال های پرمایه اش خلاف این دیدگاه را مطرح کرد. این گونه است که به خود اجازه می دهم دومین ویژگی ابراهیمی را نظریه پردازی ادبی بدانم. با این حال و در مجموع بسیار دشوار است که انگشت بلند بکنیم و یکی از ده ها هنر ابراهیمی را برجسته ترین فعالیت او بدانیم. او چون درختی بود با انبوهی از شاخ و برگ که ریشه در ادبیات هزاران ساله سرزمینش داشت. روانش شاد.